

همراه گرامی

شبکه روستایی ایران «روستانت» در راستای حمایت از توسعه روستایی در کشور سرویس‌های متعددی را در فضای مجازی اینترنت راه‌اندازی نموده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

کتابی که نسخه الکترونیک آن هم‌اکنون در اختیار شما قرار گرفته است یکی از کتب موجود در «کتابخانه الکترونیکی روستایی» است که شما با مطالعه و پذیرش موارد زیر امکان بهره‌برداری از آن را خواهید داشت:

- ۱- امتیاز این کتاب متعلق به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور است. این سازمان در راستای اهداف خود اقدام به تهیه این کتاب نموده است و آن را به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.
- ۲- این کتاب و نیز سایر کتب حوزه روستایی این سازمان قبلاً در قالب تفاهم نامه‌ای توسط این شبکه به صورت لوح فشرده منتشر گردیده است و این شبکه مجوز نشر غیرتجاری این کتب را از این سازمان دریافت نموده است.
- ۳- این کتاب صرفاً جهت مطالعه و انجام امور پژوهشی در اختیار شما قرار گرفته است و در راستای حفظ حقوق مالکیت مادی و معنوی، هرگونه فعالیت تجاری با این کتاب ممنوع است.

عناوین کتب موجود در کتابخانه الکترونیکی شبکه روستایی ایران:

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با نحوه تهیه برنامه پنج‌ساله دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با توسعه اقتصاد روستایی، ایجاد اشتغال و توسعه صنایع دستی
- ❖ آشنایی با اصول و مبانی محیط زیست
- ❖ آشنایی با اصول کامپیوتر
- ❖ مدیریت و سامان‌دهی بافت‌های فرسوده روستایی
- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت فضای سبز و فضاهای چند منظوره روستایی
- ❖ محیط زیست روستا (مدیریت مواد زائد، فضای سبز روستا و...)
- ❖ اصول انبارداری

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با طرح‌های هادی و کنترل و نظارت بر ساخت و ساز روستایی
- ❖ آشنایی با حفظ و بهسازی میراث فرهنگی بافت‌های تاریخی
- ❖ آشنایی با وظایف، تشکیلات و جایگاه دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با سازمان‌های مرتبط با امور دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه ریزی روستایی
- ❖ راهنمای جامع مدیریت روستایی
- ❖ منابع درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ دستورالعمل‌ها و قوانین دهیاری‌ها
- ❖ اصول و مبانی بهداشت روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی روستا
- ❖ مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی
- ❖ برنامه‌ریزی و کنترل پروژه‌های روستایی
- ❖ قوانین مالی و معاملاتی دهیاری‌ها
- ❖ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا
- ❖ فضای سبز روستایی
- ❖ مدیریت توسعه زیرساخت‌های خدماتی روستایی
- ❖ منابع مالی و درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ مفاهیم و مبانی صنایع روستایی
- ❖ مدیریت روستایی در ایران
- ❖ برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران
- ❖ بودجه نویسی و بودجه ریزی روستایی
- ❖ بهسازی طبیعت و حفاظت از محیط زیست روستایی
- ❖ منابع انسانی و قوانین استخدامی
- ❖ توسعه فرهنگی و اجتماعی روستا
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی دهیاران با هدفمندسازی یارانه‌ها
- ❖ آشنایی با اصلاح الگوی مصرف در روستا
- ❖ آنچه یک دهیار باید بداند

- ❖ آشنایی با قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی
- ❖ آشنایی با صدور پروانه ساختمان و هدایت ساخت و ساز در روستا
- ❖ مدیریت مواد زائد روستایی
- ❖ اصول و مفاهیم مذاکره و ارتباطات در مدیریت روستایی
- ❖ حسابداری، حسابرسي و امور مالی دهیاری‌ها
- ❖ کارآفرینی روستایی
- ❖ مدیریت اقتصادی روستا
- ❖ مدیریت بحران روستایی
- ❖ مشارکت و ارتباط متقابل دهیار، شورا و دولت
- ❖ مقدمه‌ای بر مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری
- ❖ منابع مالی و اشتغال روستایی
- ❖ تجزیه و تحلیل مشاغل و استانداردهای آموزشی
- ❖

برای استفاده از خدمات و سرویس‌های متعدد «شبکه روستایی ایران» می‌توانید روی عنوان هر یک کلیک کنید:

سایت افبار و اطلاعات روستاها ➦	آلبوم تصاویر روستایی ➦	آگهی محصولات روستایی ➦
سرویس پیامک روستایی ➦	بانک اطلاعات روستاها ➦	دانشنامه روستایی ➦
نامه رسان روستایی ➦	کتابخانه الکترونیکی روستایی ➦	اطلس و نقشه‌های روستایی ➦
اوقات شرعی روستاها ➦	اطلاعات استان‌ها ➦	مجلات روستایی ➦
هواشناسی روستایی ➦	مستجوگر کتاب روستایی ➦	فانهای قرآن روستایی ➦
گردشگری روستایی ➦	نرم‌افزار مسابرداری ➦	امور دهیاری‌ها ➦
وبلاگ‌های روستایی ➦	اطلاعات فرهیفتگان روستاها ➦	مقالات موزه روستایی ➦
فروشگاه اینترنتی ➦	صدای مشاور روستایی ➦	قیمت نهاده‌های روستایی ➦
بانک غذاهای مملی ➦	بانک رگوردهای روستایی ➦	قوانین و مقررات عمومی ➦

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

جامعه شناسی

مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا

از سری منابع آموزشی دهیاری ها

تهیه و تنظیم :

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور



جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا

مجری:

دکتر مصطفی ازکیا

تهیه و تدوین:

دکتر منصور وثوقی

سرشناسه	: وثوقی، منصور، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا/ مولف منصور وثوقی؛ مجری طرح معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۶۶-۴۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
یادداشت	: ویژه نامه
موضوع	: جامعه‌شناسی روستایی -- ایران: ایران - اوضاع روستایی
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. معاونت پژوهشی
شناسه افزوده	: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور
رده بندی کنگره	: ۲۴ ج ۲/ و/ HT۴۲۱
رده بندی دیویی	: ۳۰۷/۷۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۵۱۴-۸۳م



سازمان شهرداری و دهیاری های کشور

عنوان کتاب: جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا

مولف: دکتر منصور وثوقی

مجری طرح: معاونت پژوهشی دانشگاه تهران

کارفرما: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور - مرکز پژوهش های شهری و روستایی و دفتر مطالعات

برنامه ریزی روستایی

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

چاپ اول: ۱۳۸۴

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۶۶-۴۶-۷

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
پیشگفتار	۱
مقدمه	۲
فصل اول: کلیات	۵
تعاریف و مفاهیم	۸
روش‌شناسی مطالعات روستایی	۱۰
مطالعات ژرفانگر و پهنانگر	۱۱
طرح تک‌نگاری	۲۱
منابع و مأخذ فصل اول	۲۷
فصل دوم: ساختار جمعیتی جامعه روستایی	۲۸
جمعیت ایران به تفکیک روستانشینی و شهرنشینی	۲۸
عوامل و ویژگی‌های فردی مهاجران	۳۴
تحلیل جامعه‌شناختی مهاجرت‌های روستا به شهر در ایران	۳۴
فعالیت و اشتغال در جامعه روستایی	۳۹
تراکم نسبی و تراکم زیستی جمعیت	۴۰
خانواده روستایی	۴۱
انواع و ویژگی‌های خانواده روستایی	۴۲
منابع و مأخذ فصل دوم	۴۶
فصل سوم: ساختار کالبدی جامعه روستایی	۴۷
پیشینه تاریخی	۴۸
ویژگی‌های سکونتگاه‌های روستایی بر حسب انواع مصالح مورد استفاده	۴۸

انواع مسکن روستایی	۴۹
ویژگی‌های ساختاری سکونتگاه‌های روستایی بر حسب اقلیم	۵۱
مورفولوژی یا بررسی شکل خارجی روستاها	۵۷
عوامل تأثیرگذار بر الگوهای مختلف سکونتگاه‌های روستایی در ایران	۶۱
منابع و مأخذ فصل سوم	۶۵
فصل چهارم: قشربندی اجتماعی و تحولات آن در جامعه روستایی	۶۶
قشربندی در جامعه روستایی	۶۸
ساخت اجتماعی جامعه روستایی	۷۳
منابع و مأخذ فصل چهارم	۷۷
فصل پنجم: نهادها و سازمان‌های روستایی	۷۸
۱- مدیریت روستایی و تحولات آن در دهه‌های اخیر	۷۹
مدیریت روستایی بعد از انقلاب اسلامی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها)	۸۲
۲- تعاونی‌های روستایی و تحولات آن	۸۴
۳- مراکز خدمات روستایی	۸۷
منابع و مأخذ فصل پنجم	۹۱
فصل ششم: فرآیندهای اجتماعی در جامعه روستایی	۹۲
کنش‌های متقابل اجتماعی در جامعه روستایی	۹۴

۹۶	سازش یا مصالحه و نقش مُعمران در داوری یا حکمیت در روستا
۹۸	انواع مشارکت در جامعه روستایی
۱۰۰	تعاونی‌های سنتی در روستاهای ایران
۱۰۴	منابع و مأخذ فصل ششم
۱۰۵	فصل هفتم: نظام ارزش‌ها و نظارت اجتماعی در جامعه روستایی
۱۰۶	نظام ارزش‌ها
۱۰۷	ویژگی‌ها و کارکردهای ارزش‌های اجتماعی
۱۱۰	منابع و مأخذ فصل هفتم
۱۱۲	فصل هشتم: فقر و آسیب‌پذیری در جامعه روستایی
۱۱۳	علمکرد سازمان‌های عمده حمایتی در مناطق روستایی
۱۱۷	گروه‌های فقیر جامعه روستایی
۱۲۱	منابع و مأخذ فصل هشتم
۱۲۲	فصل نهم: ابعاد فرهنگی جامعه روستایی
۱۲۳	تعاریف
۱۲۵	فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری
۱۲۶	خرده‌فرهنگ یا پاره‌فرهنگ
۱۲۷	عناصر خرده‌فرهنگی دهقانی
۱۲۹	دگرگونی‌های فرهنگی در جامعه روستایی
۱۳۳	منابع و مأخذ فصل نهم
۱۳۴	واژه‌نامه

پیشگفتار

کتاب حاضر هشتمین مجلد از کتاب سبز دهیاری‌هاست که به اجتماعی و فرهنگی روستا اختصاص دارد، ضرورت آگاهی از مسائل جامعه روستایی برای کلیه دست‌اندرکاران توسعه به‌ویژه دهیاری‌ها که به‌عنوان مصلحان توسعه روستایی در جهت اصلاح ساختار اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی جامعه روستایی گام برمی‌دارند بسیار روشن است.

به‌همین منظور کتاب حاضر به‌عنوان یک راهنما به‌گونه‌ای تدوین شده است که دهیاری‌های محترم بتوانند از زوایای فرهنگی و اجتماعی و پیچیدگی‌های جامعه روستایی مطلع شوند. مسائلی نظیر قومیت‌ها، جمعیت روستایی، خرده‌فرهنگ‌های حاکم بر جامعه روستایی و ساختار کالبدی آن به‌گونه‌ای ساده و با بیان بسیار سلیس و روشن در کتاب حاضر آورده است. کتاب به‌گونه‌ای تدوین شده است که ابعاد کاربردی آن بر زمینه‌های نظری و تئوریک رجحان دارد و به‌همین دلیل مطالعه دفتر حاضر این امکان را برای دهیاری‌ها فراهم می‌آورد تا نسبت به مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی آگاهی‌های لازم را داشته باشند و در پرتو دانش اجتماعی روستایی که در کتاب حاضر عرضه شده است بتوانند بر مسایل فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه روستایی غلبه حاصل کنند.

دفتر حاضر توسط همکار گرامی آقای دکتر منصور وثوقی استاد جامعه‌شناسی و پژوهشگر ارزنده مسائل روستایی که بیش از سی سال از عمر خود را در پژوهش‌های مختلف روستایی سپری کرده‌اند، تدوین شده است. نامبرده دارای کتاب‌های متعدد و پژوهش‌های ارزنده‌ای در زمینه مسائل روستایی دارند که حاصل این تجربیات در دفتر حاضر به‌نوعی با یکدیگر تلفیق شده است. امید می‌رود که دهیاری‌های محترم با خواندن این اثر بتوانند تاحدودی به شناخت جامعه روستایی فائق آیند و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای آنان با بهترین موفقیت توأم باشد.

دکتر مصطفی ازکیا

مجری طرح

مقدمه

توسعه روستایی بدون آگاهی از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی جامعه روستایی میسر نخواهد بود. بی‌تردید آگاهی از مصلحان توسعه به‌ویژه دهیاری که نهادی مدیریتی و تازه‌تأسیس در جامعه روستایی به شمار می‌آیند، زمانی می‌تواند در برنامه‌های جامع توسعه روستایی خود توفیق حاصل کنند که از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه روستایی که در آن به کار اشتغال دارند آگاهی‌های لازم را به‌دست آورند. جامعه‌شناسی روستایی به مثابه یک علم کاربردی می‌تواند در این زمینه کمک مؤثری بنماید. جامعه‌شناسی روستایی در ایران علیرغم زمان نه چندان درازی که از عمر آن می‌گذرد توانسته است در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی اقوام روستایی ایران آگاهی‌های لازم را از طریق مطالعات روستاشناسی که در طول نیم قرن اخیر انجام داده است، را فراهم کند. در پرتو چنین مطالعاتی است که می‌توان اذعان کرد که جامعه‌شناسی روستایی ایران نسبت به سایر رشته‌های جامعه‌شناسی از توفیق بیشتری برخوردار بوده و توانسته است دانش ما را پیرامون اجتماعات مختلف روستایی ایران عمق و وسعت بیشتری ببخشد.

آگاهی از ویژگی‌های روش‌شناختی و برخورد با جامعه روستایی از اولین گام‌هایی است که یک پژوهش‌گر روستایی و یک مصلح توسعه روستایی باید از آن آگاهی داشته باشد، تا بتوان با دست یازیدن به چنین روش‌هایی آگاهی‌های لازم را از نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌دست آورد. این مباحث به‌همراه اصطلاحات و مفاهیم عمده‌ای که زبان جامعه‌شناسی روستایی را تشکیل می‌دهد در فصل اول این کتاب آمده است، به‌طوری‌که مطالعه این فصل می‌تواند شیوه برخورد با جامعه روستایی به‌ویژه جامعه روستایی ایران را فراهم کند، مقدمتاً اشاره می‌شود که همه روش‌های متعارف در جامعه‌شناسی قابلیت کاربرد در شناخت، مسایل روستایی ایران را ندارد و لذا در این فصل سعی شده که آندسته از روش‌های مطالعاتی که در کسب اطلاعات لازم از جامعه روستایی ایران نتایج بیشتری را به‌دست می‌دهد، مورد توجه قرار داده شود و پیرامون آن بحث شود.

آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی از نظر توزیع سنی، جنسی، امید به بقا، جمعیت، مهاجرت، شاغلان و فعالان روستایی برای برنامه‌ریزی توسعه روستایی از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار است که در این کتاب فصلی را به خود اختصاص داده به‌طوری‌که با مطالعه آن آگاهی لازم برای برنامه‌ریزان فراهم می‌شود.

ساختار کالبدی، ویژگی‌های سکونت‌گاهی عوامل اقتصادی، اجتماعی و طبیعی مؤثر بر الگوی سکونت‌گاهی و به‌ویژه ریخت‌شناسی روستایی ایران از زمره مسائل روستاشناسی است که در این کتاب توجه خاصی به آن شده است. بحث پیرامون قشربندی اجتماعی و تحولات اقشار اجتماعی و نقشی که رهبران محلی می‌توانند در بسیج مردمی به‌منظور تحقق اهداف توسعه روستایی دارند از زمره موضوعات جامعه‌شناسی روستایی است که قسمت قابل توجهی از مطالب کتاب حاضر به آن اختصاص دارد.

نظر به اینکه یکی از وظائف عمده دهیاران توجه به مسایل مدیریتی جامعه روستایی است لذا فصلی از کتاب حاضر به مدیریت روستایی و تحولات آن اختصاص دارد. در این فصل انواع و اشکال مدیریت روستایی مورد بحث قرار گرفته و به مدیریت روستایی و نقش شوراهای توسعه روستایی توجه شده است. به‌علاوه توجه به نهادهای اقتصادی نظیر تعاونی‌های روستایی و نقشی که اینگونه مؤسسات در توسعه روستایی دارند، دیده شده است.

در این کتاب فرایندهای اجتماعی نظیر مشارکت و انواع آن، دگریاری، یاری‌گری، تعاونی‌های سنتی و نقش اینگونه فرایندهای اجتماعی در جامعه روستایی دارند، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. مباحثی نظیر ارزش‌های اجتماعی، نظارت اجتماعی و تعارض طرح‌های توسعه با ارزش‌های اجتماعی جامعه روستایی و تضادهای حاصله نیز در این کتاب مورد توجه بوده است.

از زمره مسائل جامعه روستایی که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان توسعه روستایی را به‌خود جلب کرده است موضوع فقر و آسیب‌پذیری و قطب‌بندی اجتماعی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی در ارتباط با اجرای طرح‌های توسعه است لذا توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی طرح‌های توسعه و عوارض ناشی از آن توسط دهیاری‌ها از اهم مسائل است. آشنایی دهیاری‌ها با انواع سازمان‌های حمایتی در جامعه روستایی و نقشی که اینگونه سازمان‌ها در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر دارند، از زمره آسیب‌های اجتماعی توسعه روستایی تلقی می‌شود، که مباحث خاصی از کتاب حاضر را می‌پوشاند. بالاخره بحث فرهنگ، فرهنگ‌پذیری عناصر خرده فرهنگ دهقانی و چگونگی

ممانعت اینگونه عناصر از توسعه روستایی با تأکید بر این نکته که جامعه روستایی در ایران دارای تنوع قومی و قبیله‌ای است و هر کدام از این اقوام دارای عناصر خرده‌فرهنگی خاصی می‌باشند، لذا پرداختن به اینگونه مسائل فرهنگی در کتاب حاضر دانش‌دهی‌های‌ها را نسبت به مسائل فرهنگی می‌افزاید.

فصل اول :

کلیات

فصل اول - کلیات

مقدمه:

امروزه در تدوین برنامه‌های توسعه اعم از اقتصادی، مدیریتی و حتی فنی، توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حقیقت مطالعات اجتماعی، فرهنگی موجب شفاف شدن نقش کنشگران یا بازیگران اجتماعی و نیز شناخت شرایط حاکم بر جامعه گردیده و در نتیجه زمینه‌های مساعدتر و آمادگی‌های بیش‌تری را برای تحقق برنامه‌ها ایجاد می‌نماید. به‌همین منظور در تدوین کتاب سبز روستاها، مجلد جداگانه‌ای نیز تحت عنوان مسائل اجتماعی و فرهنگی روستاها در نظر گرفته شد تا کارگزاران جدید عرصه مدیریت روستایی با شرایط و ابعاد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی حوزه‌های خدمت و فعالیت خود آگاهی‌های بیش‌تری پیدا نمایند. این آگاهی‌ها به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با اشراف بیش‌تر و با کمک روش‌های سیستماتیک و مؤثرتری مسائل و مشکلات حوزه خود را شناسائی نموده و سپس به ارائه راهکارهای واقع‌بینانه‌تری اقدام نمایند.

بقول یکی از جامعه‌شناسان، آنچه امروز به آن احتیاج مبرم داریم، آمار و اطلاعات پراکنده نیست بلکه بینش جامعه‌شناختی است که بیاری آن بتوانیم آمار و اطلاعات را به نحوی به‌کار بریم و قدرت استدلال خود را طوری توسعه دهیم که از آنچه در جهان و در درون ذهن ما می‌گذرد، نتایجی شخصی بدست آوریم. فردی که دارای بینش جامعه‌شناسانه است می‌تواند تأثیر رویدادهای تاریخی دامنه‌دار را در زندگی خصوصی و فعالیت‌های اجتماعی افراد دیگر درک کند و بخوبی به این واقعیت پی ببرد که چرا افراد در زندگی روزمره خود غالباً آگاهی کاذبی از موقعیت اجتماعی خود دارند. به بیان دیگر بینش جامعه‌شناسانه به ما یاری می‌دهد که درگیر و دار زندگی روزانه خود، سیمای کل جامعه خود را در نظر گرفته و در قالب آن به طبقه‌بندی و تبیین روانشناسی افراد گوناگون پردازیم و بدین ترتیب به جای گرفتاری‌های خصوصی، مسائل اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد و مقابله با مسائل عمومی جایگزین بی‌تفاوتی و دلمردگی عمومی می‌شود.

نخستین فایده این نوع بینش این است که انسان فقط هنگامی قادر است مفهوم زندگی را درک نماید و سرنوشت خود را دریابد که خود را در متن عصر خود قرار دهد زیرا

انسان هنگامی می‌تواند موقعیت و فرصت‌های خود را تشخیص دهد که از وضع مردم دیگر هم که در شرایط مشابه او قرار دارند، آگاهی داشته باشد (سی‌رایت میلز ۱۳۶۰، ص ۲۰). از نظر سی‌رایت میلز، به‌منظور درک جنبه‌های مختلف واقعیت‌های اجتماعی پژوهش‌گران، بایستی پیوسته سه پرسش اساسی را در ذهن خود داشته باشند، به‌شرح زیر:

۱- ساخت کلی یک جامعه چیست؟، عناصر اصلی آن کدامند؟ و چگونه با یکدیگر مربوط هستند؟ چرا نظام جامعه موجود با نظام جامعه‌های دیگر متفاوت است؟ چه ویژگی‌هایی موجب تداوم و دگرگونی جامعه حاضر شده است؟

۲- جامعه موجود در سیر پیشرفت بشریت چه تأثیری داشته است؟ ویژگی‌های این جامعه چه نقشی در تکامل آن داشته است؟ عناصر اساسی و تعیین‌کننده مراحل تاریخی جامعه موجود کدام است؟ وجه تمایز مرحله کنونی این جامعه با مراحل قبلی آن چیست؟ چه راه‌حلی برای دگرگون کردن جامعه وجود دارد؟

۳- نسل حاضر این جامعه را چه نوع افراد و شخصیت‌هایی تشکیل می‌دهند؟ نسل آینده چگونه شخصیت‌هایی خواهند بود؟ علل و نحوه ترقی و پیشرفت، وارسنگی، آگاهی، سرکوفتگی، بی‌تفاوتی و دلمردگی مردم کدامست؟ به عقیده میلز مفیدترین طبقه‌بندی در بینش جامعه‌شناسانه، تقسیم‌بندی میان رفتاری‌های خصوصی و مسائل عام جوامع است. رفتاری‌های خصوصی ناشی از شخصیت فرد و رابطه نزدیک و متقابل فرد با دیگران است. بنابراین برای تحلیل این رفتاری‌ها باید به فرد به‌عنوان یک موجود زنده به شرایطی که او را احاطه نموده‌اند توجه نمود. به‌عبارت دیگر این نوع رفتاری‌ها اموری فردی یا شخصی محسوب می‌شوند اما مسائل عام به شرایط موجود در درون نهادهای یک جامعه و ساخت کلی جامعه مربوط می‌شده و در حقیقت از بحران در نظام نهادها ناشی می‌شوند. به‌عنوان مثال هنگامی که در یک شهر صد هزار نفری فقط یک نفر بیکار وجود دارد، این یک رفتاری خصوصی است و بایستی برای درک علت آن به نوع شخصیت و امکانات فرد بیکار توجه کنیم، ولی وقتی در جامعه‌ای با پنجاه میلیون نفر شاغل پانزده میلیون بیکار وجود داشته باشد، این یک مسئله عمومی است و بایستی علل آنرا در ساختار کلی جامعه مورد جستجو و بررسی قرار داد.

با توجه به مطالبی که در بالا بدان‌ها اشاره شد آشنائی با مفاهیم، شناخت و بررسی پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی جامعه در رأس آگاهی‌هایی قرار می‌گیرد که یک مدیر در

جامعه اعم از شهری یا روستایی بایستی داشته باشد و ما در این مجلد سعی خواهیم نمود این مسائل را با نثری ساده و روان طی ۹ فصل به نگارش در بیاوریم. در نگارش فصل نه‌گانه این مجلد منابع و مأخذی به‌شرح زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

۱- کتب: کتب جامعه‌شناسی عموماً و به‌ویژه جامعه‌شناسی روستایی، جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی روستایی که فهرست هر کدام از آن‌ها در آخر هر فصل آمده است.

۲- پژوهش‌هایی که در زمینه مسائل جامعه روستایی به‌وسیله مؤسسات تحقیقی نظیر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، مؤسسه تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران، مؤسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی و... صورت گرفته است.

۳- مقالات مندرج در فصل‌نامه‌ها و نشریات علمی از قبیل نامه‌علوم اجتماعی دانشگاه تهران، فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه، فصل‌نامه روستا و توسعه وزارت جهاد کشاورزی و... .

۴- نشریات مرکز آمار ایران در ارتباط با نتایج سرشماری‌های ششگانه نفوس و مسکن و نیز نتایج آمارگیری‌های کشاورزی.

۵- یادداشت‌های نگارنده در طول نزدیک به ۴۰ سال پژوهش روستایی در مناطق مختلف ایران.

تعاریف و مفاهیم

در ارتباط با فصول نه‌گانه‌ای که در این کتاب مورد بحث قرار خواهیم داد، لازم است به ارائه برخی تعاریف و مفاهیمی کلیدی بپردازیم که در راستا و حول این مباحث مطرح می‌شوند:

- ۱- ساخت اجتماعی: ساخت یا ساختار (STRUCTURE) به وضعیت ناشی از هماهنگی و تعادل نسبتاً پایدار بین اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده یک کل اجتماعی گویند.
- ۲- مفهوم کارکرد به معنای نتایج و آثار عینی و قابل مشاهده پدیده‌های اجتماعی است.
- ۳- نهاد اجتماعی: نهاد اجتماعی مجموعه‌ای از الگوها و شیوه‌های عمل و رفتاری است که دارای هدف، کارکرد، ضرورت، عمومیت و دوام، خود را کم و بیش به فرد تحمیل می‌کند و فرد در بدو تولد خود را در مقابل آن‌ها می‌یابد.

- ۴- گروه اجتماعی: گروه اجتماعی مجموعه افرادی است که میان آن‌ها روابط نسبتاً قوی و پایداری وجود دارد و در بعضی از عقاید و احساسات و اهداف با هم شریک بوده و نسبت به هم نوعی کنش متقابل اجتماعی دارند.
- ۵- فرهنگ: فرهنگ مجموعه بهم پیوسته‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و عادات و هرگونه توانائی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه بدست می‌آورد.
- ۶- فرآیند اجتماعی: فرآیند اجتماعی به معنای جریان مداوم یک سری از حوادث، پدیده‌ها و کنش‌هایی است که در مجموع به تغییر یا تحول اجتماعی بیانجامد. فرآیند اجتماعی بازگوکننده این حقایق است که حوادث چگونه در طول زمان و به چه ترتیب و بر اساس چه نظم رخ می‌دهد. به عبارت دیگر فرآیند اجتماعی جریان و مسیر تغییر و تحول را در طول زمان به ما می‌نمایاند.
- ۷- پدیده اجتماعی: منظور از پدیده‌های اجتماعی، کلیه واقعیت‌های اجتماعی یا اموری هستند که جمعی، عینی و ملموس باشند.
- ۸- مسئله اجتماعی (Social Problem): پدیده‌های نابهنجار اجتماعی که ابعاد وسیعی یافته و به صورت حاد درمی‌آیند، تبدیل به مسائل اجتماعی می‌شوند، مثلاً بیکاری، اعتیاد و یا طلاق پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که در همه جوامع وجود دارند اما اگر به صورت حاد و پیچیده‌ای درآیند که حل آن‌ها به سادگی میسر نباشد جامعه با مسائل یا مشکلات اجتماعی روبرو است.
- ۹- کنش متقابل اجتماعی پیوسته: شامل افعالی می‌شود که جهت یگانه‌ای را در گروه پدید می‌آورند مثل دوستی، همفکری، تعاون، همیاری و انواع سازگاری‌هایی که موجبات ارتباط و نزدیکی بیش‌تر افراد گروه را فراهم می‌آورد.
- ۱۰- کنش متقابل گسسته: شامل افعالی می‌شود که جهت متفاوت و متضادی را در گروه باعث می‌شود و موجبات دوری و تفرق اعضاء گروه را فراهم می‌آورد.
- ۱۱- تغییر اجتماعی: تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و کم‌دوام نباشد. بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آنرا دگرگون کند.
- ۱۲- تحول اجتماعی: مجموعه‌ای از تغییرات که در طول یک دوره طولانی، طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد.

- ۱۳- جامعه: گروه وسیع و پردوامی است مرکب از زنان و مردان که وجوه اشتراک فراوان دارند و برای بقاء و استمرار خود و به منظور تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی همکاری می‌کنند و سازمان‌های متعددی به وجود می‌آورند.
- ۱۴- خرده‌فرهنگ: فرهنگ‌های قومی، قبیله‌ای، مذهبی، طبقاتی در درون یک فرهنگ ملی را پاره فرهنگ یا خرده‌فرهنگ گویند.
- ۱۵- ارزش‌های اجتماعی: واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهند که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است.
- ۱۶- نقش اجتماعی (Social Role): وظیفه‌ای را که فرد در گروه یا جامعه بر عهده دارد نقش اجتماعی فرد گویند.
- ۱۷- پایگاه اجتماعی (Social Status): اهمیت و ارزشی که یک گروه برای یک نقش اجتماعی قائل است، پایگاه اجتماعی نام دارد.
- ۱۸- تحرک اجتماعی: جابجائی پایگاهی افراد را تحرک اجتماعی گویند. به عبارت دیگر انتقال فرد یا گروه از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی گویند.

روش‌شناسی مطالعات روستایی

به‌طور کلی در مطالعات اجتماعی و از جمله جامعه‌شناسی روستایی دو روش مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- مطالعات میدانی

- مطالعات اسنادی

منظور از مطالعات میدانی، پژوهش‌هایی است که موضوع مورد مطالعه در اختیار پژوهشگر باشد و یا به عبارت دیگر پژوهشگر بدان دسترسی داشته باشد.

به‌عنوان مثال در مواردی که هدف، مطالعه قشری از اقشار جامعه روستایی (مثلاً کشاورزان ساکن یک ده) و یا گروهی از کارگران یک کارخانه و یا طایفه‌ای از جامعه عشایری باشد، این نوع مطالعه را مطالعه میدانی گوئیم. بنابراین کاربرد اصطلاح میدانی به معنای ارتباط مستقیم و رویاروی شخص پژوهشگر با موضوع یا پدیده‌های مورد نظر است.

در مقابل منظور از مطالعات اسنادی، مطالعاتی است که موضوع یا پدیده مورد نظر در اختیار و در دسترس محقق قرار نداشته و یا اینکه مربوط به گذشته‌ای دور یا نزدیک باشد و به همین دلیل است که گاه مطالعات اسنادی را مترادف با مطالعات تاریخی نیز به کار می‌برند مطالعات روستایی غالباً به صورت میدانی انجام می‌گیرد.

مطالعات ژرفانگر و پهنانگر

بررسی‌های پهنانگر یا پهنائی، بررسی‌هایی را شامل می‌شوند که جوامع وسیع را مورد مطالعه قرار می‌دهند و به همین دلیل آن‌ها غالباً از تکنیک نمونه‌گیری استفاده می‌کنیم. نمونه‌ای از جامعه کل را گرفته مورد مطالعه قرار می‌دهیم و سپس نتایج را به کل تعمیم می‌دهیم. البته در این موارد نمونه به صورتی انتخاب می‌شود که معرف جامعه کل باشد تا بتوانیم نتایج را به جامعه کل تعمیم دهیم. اما بررسی‌های ژرفائی یا ژرفانگر مربوط به جوامعی می‌شوند که وسعت آن‌ها بسیار کم است و محقق سعی در جمع‌آوری کامل وقایع و شناسائی مستقیم و همه‌جانبه اوضاع و احوال اجتماعی را دارد.

بررسی‌های ژرفائی یا ژرفانگر از دو لحاظ با بررسی‌های پهنانگر تفاوت دارد:

- ۱- به لحاظ محدوده مورد مطالعه، بدین معنی که جامعه مورد مطالعه محدود به یک روستا و یا یک طایفه و یا یک خانواده است بنابراین در چنین مواردی از نمونه‌گیری استفاده نمی‌کنیم و برای جمع‌آوری اطلاعات غالباً پرسش‌نامه به کار گرفته می‌شود.
- ۲- به لحاظ تکنیک‌های مورد استفاده، بدین معنی که در این نوع مطالعات که جامعه‌ای محدود را به صورت عمیق و همه‌جانبه مورد مطالعه قرار می‌دهیم، از مشاهده و مصاحبه استفاده می‌شود.

ذیلاً به شرح پرسش‌نامه به عنوان تکنیکی که در مطالعات پهنانگر رواج دارد، مشاهده و مونوگرافی که از شیوه‌های ژرفائی است و نیز استفاده از فیش که در مطالعات اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌پردازیم:

۱- پرسش‌نامه

پرسش‌نامه مجموعه‌ای از سؤالات است که محقق در رابطه با اهداف و فرضیه‌های خود تدوین نموده و برای پاسخ به آن‌ها به افراد جامعه مورد مطالعه رجوع می‌نماید. پرسش‌نامه به صورتهای مختلف زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

الف - تکمیل پرسشنامه توأم با مصاحبه: در این شیوه پرسشگر خود پرسشنامه را به دست گرفته، سؤالات را به ترتیب طرح نموده و جواب آن‌ها را پس از دریافت از پاسخ‌گو در پرسشنامه می‌نویسد. معمولاً استفاده از این نوع پرسشنامه در جوامع یا محافلی به عمل می‌آید که سطح سواد و آگاهی‌های عمومی نسبتاً پایین است و پاسخ‌گویان شخصاً قادر به خواندن سؤالات و یا درک مفهوم آن‌ها نیستند، ضمن آنکه در مواردی هم جواب به سؤالاتی از قبیل درآمد سالیانه یا مقدار مصرف ماهانه یا سالانه مواد مصرفی یک خانوار روستایی مثل قند و شکر یا برنج و یا حتی محاسبه مقدار زمین زیرکشت، در مناطقی که واحدها و مقیاس‌های رسمی هنوز عمومیت نیافته است، برای پاسخ‌گویان بسیار مشکل است و پاسخ‌گویان بدون کمک پرسشگر قادر به پاسخ صحیح به چنین سؤالاتی نیستند.

بنابراین کاربرد چنین شیوه‌ای که تکمیل پرسشنامه توأم با مصاحبه است از رایج‌ترین شیوه‌های استفاده از پرسشنامه در ایران است که غالباً به وسیله مؤسسات پژوهشی در اجتماعات روستایی، عشایری و کارگری به کار گرفته می‌شود.

ب - تکمیل پرسشنامه بدون مصاحبه: در این شیوه پرسشنامه را پاسخ‌گو خود شخصاً تکمیل می‌کند و پرسشگر به کار تکمیل پرسشنامه نظارت دارد. این شیوه را معمولاً در مواردی به کار می‌برند که پاسخ‌گویان از گروه‌های تحصیلکرده و باسواد بوده و برخوردار از حدّ متوسطی از آگاهی‌های اجتماعی باشند. پرسشگر، پرسشنامه را بین آن‌ها توزیع می‌کند و در مواردی که لازم است ابهامات احتمالی ایجاد شده برای پاسخ‌گویان را برطرف می‌سازد. در این شیوه، معمولاً قبل از طرح سؤالات، محقق با مقدمه کوتاهی که در صفحه اول پرسشنامه قرار می‌دهد، هدف‌های خود را در ارتباط با تهیه و تکمیل پرسشنامه و تحقیق مورد نظر شرح می‌دهد و پاسخ‌گو را مطمئن می‌کند که طرح سؤالات در ارتباط با یک بررسی علمی است و هدف دیگری را تعقیب نمی‌کند. البته برای جلب اعتماد بیشتر پاسخ‌گویان و رفع سوءظن یا ابهامات احتمالی، بهتر است که پرسشنامه بی‌نام تهیه شود و در صفحه اول پرسشنامه نیز عنوان «بدون نام» قید شود. در این شیوه همچنین می‌توان پاسخ‌گویان را در سالن یا اطاقی گرد آورد و پرسشنامه را بین آن‌ها توزیع کنیم و سپس شرح کوتاهی درباره هدف خود از تکمیل پرسشنامه و انجام تحقیق به آن‌ها ارائه دهیم. با انجام اینکار، پاسخ‌گویان توجیه شده و توزیع و تکمیل پرسشنامه نیز آسان‌تر انجام می‌گیرد.

پ - ارسال پرسش‌نامه به‌وسیله پست: گاهی نیز پرسش‌نامه را به وسیله پست برای افراد مورد نظر ارسال می‌کنند. معمولاً مؤسسات سنجش افکار وابسته به دستگاه‌های دولتی یا سازمان‌های خصوصی از این شیوه استفاده می‌کنند. البته پرسش‌نامه پستی در غالب موارد به آسانی جواب نمی‌گیرد و به‌همین دلیل در تمام جوامع و محافل کاربرد ندارد.

معمولاً پرسش‌نامه‌های پستی با سؤالات کمتری ارائه می‌شود و چون پرسشگری حضور ندارد تا ابهامات احتمالی را برطرف کند، محقق در تهیه پرسش‌نامه بایستی سعی کند تا در سؤالات کوچک‌ترین ابهامی برای پاسخ‌گو ایجاد نشود. قبل از طرح سؤالات محقق با مقدمه کوتاهی هدف از تهیه و تکمیل پرسش‌نامه برای پاسخ‌گو روشن می‌نماید و همراه با پاکتی که آدرس مؤسسه تحقیقاتی یا محقق بر روی آن نوشته شده است و تمبر پستی برای برگشت بر آن چسبانیده شده است، برای پاسخ‌گویان ارسال می‌کند. البته استفاده از این نوع پرسش‌نامه در مواردی موفقیت‌آمیز خواهد بود که شرایط زیر وجود داشته باشد:

۱- اصولاً پاسخ‌گویان با تحقیق و پرسش‌نامه آشنائی داشته و از سطح سواد و آگاهی نسبتاً بالائی نیز برخوردار باشند.

۲- پرسش‌نامه توسط یک مؤسسه علمی معتبر یا یک سازمان رسمی ارسال گردد تا پاسخ‌گویان در جواب دادن به سؤالات دچار تردید نگردیده و به آن اعتماد کنند.

۳- پرسش‌نامه تست شده باشد. تست پرسش‌نامه قبل از اجرای کار پرسشگری یا ارسال پرسش‌نامه بر نمونه کوچکی از افراد تست شود تا هر گونه نارسائی یا کم و کاستی در پرسش‌نامه وجود داشته باشد، مشخص شود.

ت - پرسش‌نامه با سؤالات باز و بسته

پرسش‌نامه را بر اساس نوع سؤالات به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱- پرسش‌نامه با سؤالات باز

۲- پرسش‌نامه با سؤالات بسته

سؤالات در پرسش‌نامه نوع اول به‌صورتی است که پاسخ‌گو می‌تواند بر راحتی و با آزادی کامل نظریات و عقاید خویش را بیان کند. مثلاً در مواقعی که نظر پاسخ‌گو را در ارتباط با واقعیتی می‌پرسیم و سؤالات خود را با عبارتی نظیر «به نظر شما...» آغاز می‌کنیم، سؤالات ما از نوع باز محسوب می‌شود. اما سؤالی که چند جواب برای آن تعیین

و انتخاب شود تحت عنوان سؤال بسته خوانده می‌شود. سؤالات چهار جوابی که غالباً در امتحانات ورودی دانشگاهها مورد استفاده قرار می‌گیرند از نوع سؤالات بسته محسوب می‌شوند سؤالات بسته نیز خود انواعی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

سؤالات دوجوابی، سؤالات چندجوابی ساده، سؤالات چندجوابی مدّرج، هر کدام از سؤالات باز و بسته دارای محاسن و معایبی به شرح زیر است:

۱- حسن سؤالات باز آن است که پاسخ‌گو در جواب به سؤالات از آزادی عمل فراوانی برخوردار می‌باشد و به دور از هر نوع محدودیت و مانعی به سؤالات جواب می‌دهد.

۲- در پژوهش‌هایی که محقق به مطالعه جنبه‌های عاطفی، احساسی، عقیدتی می‌پردازد، سؤالات باز بهتر می‌توانند وی را به جوابهای مطمئن‌تر و دقیق‌تر راهنمایی کند اما سؤالاتی که مربوط به سن و جنس و تعداد فرزندان، درجه تحصیلات و وضعیت تأهل می‌گردد غالباً به‌منظور جلوگیری از اتلاف وقت بایستی از سؤالات بسته استفاده شود.

۳- استخراج و طبقه‌بندی پاسخ‌های سؤالات بسته هم به‌صورت دستی و هم با ماشین بسیار آسان‌تر و سریع‌تر از سؤالات باز انجام می‌گیرد در حالی که استخراج و دسته‌بندی جوابها در سؤالات باز به‌دلیل آن که جوابها بسیار متنوع و گوناگون می‌باشند، کار بسیار مشکلی است.

نکاتی که بایستی در تنظیم پرسش‌نامه رعایت شود:

با توجه باین که جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه یکی از مراحل بسیار پراهمیتی است که موفقیت یا عدم‌موفقیت در یک تحقیق تعیین‌کننده است، در تنظیم پرسش‌نامه بایستی به چند نکته مهم زیر اشاره نمود:

۱- توجه به تقدم و تأخر سؤالات: در تنظیم پرسش‌نامه، سؤالات ساده‌تر که پاسخ‌گو می‌تواند سریع‌تر به آن‌ها پاسخ دهد، در ابتدا آورده می‌شود و به‌عبارت دیگر، در طرح سؤالات باید سعی شود تا از سؤالات آسان آغاز نمائیم و به‌تدریج به سؤالات پیچیده برسیم.

۲- در تنظیم پرسش‌نامه در طرح دو دسته از سؤالات که می‌توان از آن‌ها تحت‌عنوان سؤالات حساس و سؤالات مشکل نام برد، بایستی دقت بیشتری به‌عمل آورد.

سؤالات حساس سؤالاتی هستند که غالباً پاسخ‌گویان تمایلی به پاسخ دادن بدانها ندارند و بنابراین جواب صحیح گرفتن از چنین سؤالاتی کار ساده‌ای نیست که خود شامل دو نوع پرسش می‌شوند:

اول - پرسش‌هایی که از لحاظ فرهنگی حساسیت ایجاد می‌نمایند.

دوم - پرسش‌هایی که از لحاظ اقتصادی و مالی حساسیت ایجاد می‌کنند.

پرسش‌های نوع اول به‌ویژه در جوامع سنتی و نیز در مورد افرادی که با پژوهش و اهداف آن آشنائی ندارند ممکن است مشکلاتی ایجاد نمایند و کار تحقیق را با اختلال روبرو سازند.

در چنین مواردی لازم است با توجه به جامعه مورد مطالعه و ویژگی‌های فرهنگی و روانی پاسخ‌گویان، نظم و تقدم و تأخر موضوعات مورد پرسش، کاملاً رعایت شود. به‌عنوان مثال زمانی که پرسشگر قصد تکمیل پرسش‌نامه خانوار روستایی را دارد، آغاز پرسشگری وی نباید با طرح سؤالات شخصی و خانوادگی پاسخ‌گو همراه باشد. بهتر است طرح چنین سؤالاتی زمانی صورت گیرد که اعتماد و اطمینان نسبی متقابلی به‌وجود آمده باشد و شک و تردید و سوءظن احتمالی بین آن‌ها از بین رفته باشد، در غیر این صورت افرادی که هدف از مطالعات اجتماعی برایشان مفهوم نیست و یا دارای روحیه محافظه‌کاری شدیدی هستند، ممکن است دچار ترس و واهمه شوند و از جواب دادن به سایر سؤالات پرهیز کنند و یا پاسخ‌هایی بدهند که فکر می‌کنند مورد نظر و علاقه پرسشگر است. پرواضح است که چنین پاسخ‌هایی از دقت و اعتبار لازم برخوردار نیستند (وثوقی، نیک‌خلق، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

۳- پرسش‌های مشکل: سؤالاتی را در پرسش‌نامه مشکل می‌گوییم که جواب دادن به آن‌ها مستلزم انجام محاسباتی است که پاسخ‌گو به‌سادگی از عهده آن‌ها برنمی‌آید. این نوع سؤالات با توجه باین که وقت زیادی صرف پاسخ به هر یک از آن‌ها می‌گردد، از یک طرف موجب خستگی پاسخ‌گو گردیده و در نتیجه کیفیت کار را کاهش می‌دهد و از جانب دیگر کار پرسشگری را نیز به درازا می‌کشاند. سؤالاتی در ارتباط با میزان درآمد در مورد افرادی که دارای مشاغل آزاد هستند، میزان مصرف سالانه یا ماهانه برخی مواد مصرفی خانوار، تبدیل مقادیر محلی به مقادیر رسمی، محاسبه بازده در هکتار و درآمد حاصل از زمین زیرکشت خانوار کشاورز از جمله سؤالات مشکل محسوب می‌شوند. در چنین مواردی در موقع تهیه و تنظیم پرسش‌نامه لازم است که به این موارد توجه دقیق

به عمل آمده و حتی‌المقدور کوشش شود تا این نوع سؤالات نه در ابتدای کار، بلکه به‌تدریج و در اواسط یا اواخر پرسش‌نامه گنجانده شوند.

«موریس دوورژه» جامعه‌شناس فرانسوی در ارتباط با شرایط تنظیم پرسش‌نامه می‌نویسد: «پرسش‌نامه یک سلسله پرسش نیست که با آن‌ها سر تا ته کاغذی را بی‌آن که به ترتیب آن‌ها توجهی شده باشد، پر کرده باشند، برعکس تنظیم پرسش‌ها بر پایه‌ی نظمی است که به‌طور جدی بررسی شده باشد.» وی اضافه می‌کند که «اغلب در آغاز پرسش‌نامه‌ها، پرسش‌هایی می‌گذارند که پاسخ‌گو را «سردوق» بیاورد و اعتماد او را جلب کند. البته پرسشگران باید کاملاً مراقب باشند و هر طور شده این محیط اعتماد را ایجاد کنند. هنگامی که قرار باشد پاره‌ای پرسش‌های حساس را مطرح سازند، عموماً آن‌ها را در پایان پرسش‌نامه می‌آورند. در انتهای پرسش‌نامه پاسخ‌گو اعتمادش جلب شده و پرسشگر شانس بیشتری دارد که پاسخ درستی بگیرد و اگر چندین پرسش حساس وجود داشته باشد، باید آن‌ها را در میان پرسش‌های پرسش‌نامه پخش کنیم...» (موریس دوورژه، ۱۳۶۲ ص ۱۷۲).

در مطالعات روستایی که جنبه اکتشافی داشته باشد معمولاً از دو نوع پرسش‌نامه استفاده می‌شود

الف - پرسش‌نامه ده

ب - پرسش‌نامه خانوار

معمولاً پرسش‌نامه ده حاوی سؤالاتی در مورد ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای مورد مطالعه از قبیل جمعیت روستا، اراضی مزروعی زیرکشت و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در ده می‌باشد. این پرسش‌نامه معمولاً با کمک مطلعین، معمرین و مسئولین اداره امور ده تکمیل می‌شود و در تکمیل آن بایستی از پرسشگران ورزیده استفاده شود. یکی از مشکلات تکمیل چنین پرسش‌نامه‌ای که در حقیقت اطلاعات پایه‌ای و اساسی مربوط به روستا را فراهم می‌آورد، تبدیل اوزان و مقادیر محلی به رسمی است که انجام آن مستلزم حوصله و دقت فراوان محققین و پرسشگران است.

با کمک پرسش‌نامه خانوار، کلیه ویژگی‌های خانوار روستایی جمع‌آوری می‌گردد. در این پرسش‌نامه سؤالاتی حول محور خصوصیات جمعیتی خانوار، مسکن، تسهیلات، درآمد خانوارهای روستایی از زراعت، باغداری، صنایع دستی، دامداری و... مقدار زمین

زیرکشت، مهاجرت اعضای خانوار، مشارکت، سواد، وضع زناشویی و نیز سؤالاتی در ارتباط با اهداف پژوهش در دست انجام، تهیه و تنظیم می‌شود.

۲- مشاهده

مشاهده از تکنیک‌هایی است که غالباً در مطالعات مردم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در عین حال گاهی هم در جامعه‌شناسی، خصوصاً رشته جامعه‌شناسی روستایی، به کار برده می‌شود. معمولاً از تکنیک مشاهده در مواردی استفاده می‌گردد که نمونه‌گیری و کاربرد پرسش‌نامه عملی نباشد. مثلاً زمانی که قصد مطالعه جابجائی‌های فصلی یکی از ایلات را از بیلاق به قشلاق داریم، از این تکنیک استفاده می‌کنیم.

به‌طور کلی می‌توان مشاهده را به دو نوع تقسیم کرد به شرح زیر:

- مشاهده با مشارکت مستقیم و فعالانه محقق در جامعه مورد مطالعه.

- مشاهده بدون مشارکت محقق.

۱- مشاهده از نوع اول در موردی مصداق پیدا می‌کند که محقق خود عضوی از جامعه مورد مطالعه باشد و بنابراین مانند فردی از افراد جامعه در حقیقت خود نیز در محدوده پژوهشی قرار گیرد که می‌خواهد آن را انجام دهد. به‌عنوان مثال، محقق که خود ساکن یک روستا است و قصد مطالعه بعضی از رفتارهای گروهی یا مراسمی خاص را دارد، غالباً بدون آن که اعضای آن جامعه در جریان تحقیق وی قرار بگیرند، رفتار مردم را زیر ذره‌بین گذاشته و با استفاده از ابزارهایی مثل دوربین عکاسی، اسلاید، دوربین فیلمبرداری و فیش‌های ثبت وقایع، به بررسی جامعه مورد مطالعه خود می‌پردازد.

در این نوع مشاهده محقق چون خود عضوی از جامعه است، گذشته از اینکه فرصت زیادی برای تعمق و دقت نظر در رفتارهای گروهی مردم خود را دارد، از این امتیاز نیز برخوردار است که افراد جامعه مورد مطالعه وی، در مقابل او رفتار طبیعی خود را از دست نمی‌دهند و بنابراین مستقیماً با واقعیت‌های موجود آن چنان که وجود دارند روبرو می‌گردد. در چنین روشی زمان جمع‌آوری اطلاعات، زمان معینی نیست بلکه محقق در تمام مدتی که در جامعه مورد نظر به‌سر می‌برد، می‌تواند به مشاهده بپردازد.

در نوع دوم مشاهده، محقق عضو جامعه مورد نظر نیست، بلکه از خارج بدان جامعه وارد می‌شود. در چنین مواردی مشکلات تحقیق بسیار زیادتر از نوع پیشین است، زیرا ورود محقق به جامعه مورد مطالعه، عکس‌العمل‌هایی در بین افراد جامعه به‌وجود

می‌آورد که موجب تغییر در رفتار طبیعی آن‌ها می‌شود. مشاهده نوع اول را می‌توان به نوع فیلمبرداری یا عکسبرداری تشبیه کرد که بدون مقدمه و ناگهانی از فرد یا افرادی صورت می‌گیرد، بنابراین رفتار مردمی که جلوی دوربین عکسبرداری قرار گرفته‌اند، کاملاً طبیعی است. ولی در حالت دوم عکس‌العمل‌های ناشی از ترس، تردید، سوءظن و ابهام موجب می‌گردد که نتایج تحقیق اعتبار و اطمینان خود را تا اندازه‌ای از دست بدهد. برای برطرف کردن این مشکل، محقق در بدو ورود خود به جامعه‌ای که قصد مطالعه آن را دارد بایستی در جلب اعتماد مردم آن جامعه کوشش کند و تردید و سوءظنی را که احتمالاً از ورود وی در جامعه، ایجاد گردیده است از اذهان بزدايد. به عبارت دیگر محقق باید هنگامی کار خود را آغاز کند که افراد جامعه به منظور و مقصود علمی وی پی ببرند و بدون واژه به سؤالاتش جواب دهند در حقیقت چون تکنیک مشاهده پیش‌تر به وسیله مردم‌شناسان و در مطالعه ایلات و جوامع ابتدائی و محدود به کار برده می‌شود، بنابراین لازم است دانش‌پژوهانی که از این تکنیک استفاده می‌کنند، شرایط و خصوصیات جامعه مورد مطالعه و مردم آن را به دقت در مدّ نظر داشته باشند و قبل از هر نوع تماسی با مردم، جوّ دوستانه و قابل اعتمادی برای ادامه کار خود ایجاد کنند.

در هر دو نوع مشاهده، اطلاعات که ابتدا به صورت یادداشت‌های پراکنده جمع‌آوری شده‌اند بایستی به فیش‌های موضوعی خاصی که بدین منظور تهیه می‌گردد وارد و سپس دسته‌بندی شود، نحوه استفاده از این فیش‌ها را در روش کتابخانه‌ای شرح خواهیم داد.

۳- استفاده از فیش در تحقیقات کتابخانه‌ای

همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، در مطالعاتی که محقق با پدیده اجتماعی یا جامعه مورد مطالعه مستقیماً نمی‌تواند تماسی داشته باشد، در جمع‌آوری اطلاعات، از اسناد و مدارک و کتب استفاده می‌کند، این تحقیقات را کتابخانه‌ای می‌نامیم. در این نوع تحقیقات برای جمع‌آوری اطلاعات، از ابزاری تحت‌عنوان «فیش» بهره می‌گیریم و اصطلاحاً این شیوه را فیش‌برداری می‌گوئیم. فیش مورد استفاده در تحقیقات کتابخانه‌ای به دو نوع تقسیم می‌شود:

- فیش مأخذ

- فیش موضوعی

الف - فیش مأخذ

فیش مأخذ فیشی است که مشخصات کتاب، مقاله یا مدرک مورد استفاده در تحقیقات را بر روی آن می‌نویسیم. از قطعه کاغذ یا مقوایی به طول دوازده و عرض هشت سانتیمتر می‌توان یک فیش مأخذ تهیه کرد. فیش مأخذ حاوی نکاتی به قرار زیر است:

نام نویسنده

نام کتاب

نام مترجم (در صورتی که کتاب از زبان خارجی به فارسی ترجمه شده باشد)

محل انتشار

نام ناشر

چاپ (در صورتی که کتاب دو یا چند بار به چاپ رسیده است، دفعات چاپ ذکر می‌شود).

سال انتشار

قطع (قطع جیبی، وزیری و...)

تعداد صفحات

در مواردی که کتاب نایاب است بایستی نام کتابخانه یا مکانی که کتاب در آنجا یافت می‌گردد نیز ذکر شود.

محقق پس از ارائه طرح تحقیق و انتخاب جامعه مورد مطالعه و انجام مراحل مقدماتی باید کلیه مأخذ و منابعی را که در ارتباط با موضوع مورد تحقیق وی وجود دارد، جمع‌آوری کند و مشخصات هر یک را بر روی یک فیش بنویسد. بدین ترتیب در ارتباط با موضوع تحقیق دهها و گاهی صدها فیش مأخذ جمع‌آوری می‌گردد که منابع آنها به ترتیب خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب - فیش موضوعی

فیش موضوعی فیشی است که برای استخراج محتوای کتب و مقالات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قطع‌های مختلف تهیه می‌شود ولی رایج‌ترین آنها فیشی است به طول پانزده و عرض ده سانتیمتر، محتوای کتب و مقالاتی را که به‌عنوان منابع تحقیق قبلاً از طریق فیش مأخذ مشخص کرده‌ایم به‌حسب موضوعات اصلی و موضوعات فرعی در فیش‌های موضوعی وارد می‌کنیم و بدین ترتیب می‌توانیم در پایان مرحله استخراج،

عصاره منابع شده را به صورت صدها و هزارها فیش موضوعی داشته باشیم، سپس با استفاده از آن‌ها نوشتن گزارش خود را آغاز کنیم.

۴- نمونه‌گیری

نمونه‌گیری از تکنیک‌های بسیار رایجی است که در مواردی که جامعه مورد مطالعه بسیار وسیع باشد به کار می‌رود. بدین ترتیب که به دلیل وسعت جامعه مورد مطالعه، هزینه سنگین تحقیق نیاز به کارکنان زیاد و صرف وقت زیاد، نمونه‌ای در حجم ده یا ۵ درصد یا هر آنچه که آمارشناس توصیه می‌کند، انتخاب می‌کنیم، آنرا مورد مطالعه قرار می‌دهیم و سپس نتایج آن را به کل جامعه تعمیم می‌دهیم. یکی از مسائلی که در نمونه‌گیری حائز اهمیت فراوان است تطابق جامعه نمونه با جامعه کل است، به شکلی که ویژگی‌های نمونه مشابه جامعه کل باشد. این تطابق و تناسب نه تنها از لحاظ حجم دو جامعه بایستی مراعات شود، بلکه در مورد صفات و متغیرهای موجود نیز بایستی وجود داشته باشد. به عنوان مثال چنانچه جامعه اصلی ما کشاورزان ساکن روستاهای یک دهستان باشند و ما نمونه‌ای به حجم ده درصد از این جامعه را بخواهیم انتخاب کنیم، صفات و متغیرهای موجود در جامعه کل را از قبیل سن، جنس، رشته تحصیلی، وضعیت تأهل و غیره در نمونه نیز بایستی به همان نسبت وجود داشته باشد تا بتوانیم نتایج آن را به جامعه اصلی تعمیم دهیم.

نمونه‌گیری انواعی دارد که رایج‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- نمونه‌گیری تصادفی ساده
- نمونه‌گیری سیستماتیک خطی
- نمونه‌گیری بر اساس قشربندی
- نمونه‌گیری تصادفی ناحیه‌ای

۵- مونوگرافی یا تکنگاری

مونوگرافی که ترجمه آن تکنگاری است، یکی از شیوه‌هایی است که در روش ژرفائی برای مطالعه جوامع محدود مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش جوامع کوچک و محدود به طور همه جانبه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در واقع، تکنگاری توصیفی است ژرف و همه جانبه از یک ده یا یک خانواده یا یک طایفه. در تکنگاری یک ده اوضاع اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و فرهنگی، نهادها، نهادها و به طور کلی همه جزئیات

زندگی مردم روستا مورد بررسی قرار می‌گیرد و آن را غالباً در مناطقی به‌کار می‌برند که اطلاعات کافی در زمینه ساخت اجتماعی - اقتصادی آن مناطق وجود نداشته باشد. در چنین مواردی انتخاب یک ده نمونه و متوسط‌الحال که ویژگی‌هایش حتی‌الامکان معرف جامعه کل باشد، می‌تواند طرحی کلی از ساخت اجتماعی - اقتصادی منطقه را نشان دهد. به‌عنوان مثال اگر قصد آن را داشته باشیم که سیمائی کلی و میانه از اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی یک دهستان ارائه دهیم، یک ده متوسط‌الحال که نه زیاد پرجمعیت باشد و نه کم‌جمعیت، نه دور از مراکز دهسات، بخش یا شهرستان باشد و نه نزدیک به آن‌ها، نه روستایی ثروتمند و نه فقیر از میان روستاهای دهستان انتخاب نموده و آنرا به‌طور کامل مورد مطالعه قرار می‌دهیم. ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و فرهنگی چنین روستایی می‌تواند نمونه یا متوسطی از وضعیت روستاهای آن منطقه باشد. در زیر به‌شرح طرح تفصیلی تکنگاری یا مونوگرافی روستایی می‌پردازیم این طرح می‌تواند به‌عنوان راهنمای مدیران محترم روستاها مورد استفاده قرار گیرد:

طرح تکنگاری

بخش اول - شناسایی کلی ده

الف - شناسایی محیط جغرافیایی

- ۱- هویت ده: نام ده، بخش، شهرستان، استان
- ۲- موقعیت، حدود، وسعت
- ۳- ناهمواری‌ها
- ۴- آب و هوا (درجه حرارت و میزان بارندگی و رطوبت)
- ۵- رودها و منابع آب
- ۶- جنس خاک (نوع و طبقه‌بندی خاک از لحاظ درجه حاصلخیزی، فرسایش و عوامل آن)
- ۷- پوشش نباتی
- ۸- حیوانات

ب - تاریخچه ده

- ۱- وجه تسمیه ده
- ۲- گذشته ده بر اساس اسناد و مدارک مکتوب

۳- گذشته ده بر اساس گفته‌های مردم

۴- اماکن و بناهای تاریخی

۵- حوادث و وقایع تاریخی

بخش دوم - سیمای ده

۱- نقشه یا کروکی ده

۲- توپوگرافی مراکز مسکونی در برابر مزارع و اماکن عمومی ده (شکل سکونت متمرکز، پراکنده و غیره)

۳- محل اماکن عمومی (مدرسه، مسجد، حمام، امامزاده، غسلخانه، اماکن تفریحی و غیره)

۴- محله‌های ده و مشخصات آنها

۵- کوچه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها

۶- راه‌های ارتباطی ده با شهر و دیگر مراکز جمعیتی و مزارع.

۷- مسکن و تسهیلات زندگی، (طرز ساختن خانه، مصالح ساختمانی، مساحت خانه، تجهیزات خانه، وضع بهداشت مسکن، توزیع خانواده‌ها برحسب تعداد اتاق مسکونی، تسهیلات زندگی).

بخش سوم - جمعیت‌شناسی ده

الف - ساختار جمعیت

۱- تعداد جمعیت

۲- توزیع جمعیت برحسب سن و جنس

۳- توزیع جمعیت برحسب سواد

۴- جمعیت فعال و غیرفعال

۵- جمعیت شاغل

۶- توزیع جمعیت برحسب شغل (به تفکیک سن و جنس)

۷- بیکاری و کم‌کاری

ب - حرکات جمعیت

۱- ازدواج

۲- طلاق

- ۳- میزان ولادت
- ۴- میزان مرگ و میر
- ۵- تحرک مکانی و جغرافیایی جمعیت
- ۶- مهاجرت‌ها (از روستا به روستاها یا شهرهای دیگر و از روستاهای دیگر به این روستا)

پ - ساختار اجتماعی ده و تغییرات آن

- ۱- گروه‌ها و قشرهای اجتماعی
- ۲- روابط گروه‌ها و قشرهای اجتماعی (افقی - عمودی)
- ۳- تحرک اجتماعی (افقی - عمودی)

بخش چهارم - زمینداری و تحول آن

- ۱- تاریخچه مالکیت ده
- ۲- وضع مالکیت ده قبل از اصلاحات ارضی
- ۳- چگونگی اجرای قوانین اصلاحات ارضی در ده
- ۴- بررسی آرا و عقاید روستاییان درباره چگونگی اجرای قانون اصلاحات ارضی در ده

بخش پنجم - نهادهای اجتماعی

الف - خانواده

- ۱- اشکال خانواده (زن و شوهری، پدری توسعه‌یافته، از هم گسیخته، پدر - مادری و انواع دیگر...) و نسبت آن در قشرهای مختلف جامعه ده
- ۲- بعد خانواده و رابطه آن با تولید، درآمد و قشرهای اجتماعی ده
- ۳- موقعیت افراد در خانواده (مرد، زن، پسر و دختر)
- ۱۴- روابط خانوادگی (روابط میان افراد خانواده)
- ۵- روابط همسایگی (روابط میان خانواده‌ها و خویشاوندان و همسایگان و...)
- ۶- ازدواج (انواع ازدواج‌ها)، روابط خویشاوندی میان زن و شوهر، دایره همسرگزینی، شیوه همسرپایی، عمومیت و زودرسی ازدواج، مهریه، شیربها، رسوم ازدواج.

ب - تعلیم و تربیت (سنتی - جدید)

- ۱- تعلیم و تربیت در خانواده (شیوه پرورش و اجتماعی کردن کودکان و...)

۲- تعلیم و تربیت در مدرسه

۳- تعلیم و تربیت در جامعه

پ - مذهب

۱- مسجد و سازمان آن

۲- چگونگی رفت و آمد مردم به مسجد و شرکت در مراسم مذهبی

۳- معتقدات و آداب و رسوم مذهبی در قشرهای مختلف جامعه روستایی

۴- روابط متقابل مردم و رهبران مذهبی

۵- تأثیرات مذهب در زندگی مردم روستایی

ت - تفریحات و سرگرمی‌ها و تغییرات آن

۱- تفریحات در داخل و خارج خانه

۲- نحوه گذران اوقات فراغت (میهمانی، شب‌نشینی، جشن‌ها، معاشرت‌ها و گردش‌های

جمعی و...)

۳- سرگرمی‌های کودکان (پسر، دختر، انواع بازی‌ها و غیره)

۴- سرگرمی‌های مردان و زنان (جوانان، سالمندان و سالخوردگان)

۷- فضای تفریح و فراغت (قهوه‌خانه، باغ‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها، کنار چشمه، رودخانه،

امام‌زاده، مسجد، مسافرت به شهر و زیارت، سینما و تفریحات خارج از ده و...)

ث - ساختار قدرت در ده و تغییرات آن (اداره ده و گروه‌های ذی‌نفوذ قبل و پس از اصلاحات ارضی)

بخش ششم - ساختار اقتصادی ده

الف - تولیدات

۱- زراعت (انواع محصولات زراعی، میزان تولید هر کدام از محصولات و...)

۲- دامداری (انواع دام، تعداد دام، کشتار و تلفات دام، فروش دام، فرآورده‌های دامی و

روش تولید دامی)

۳- باغداری (انواع درختان میوه، مساحت باغ‌ها، میزان تولید و ارزش تولید باغی)

۴- صنایع دستی، تعداد و نوع کارگاه‌ها، میزان تولید، ارزش تولید

۵- سایر تولیدات

ب - عوامل تولید

۱- زمین (زمین زیرکشت، آیش، توزیع برحسب نوع محصول زراعی)، چگونگی تقسیم زمین، توزیع خانواده‌ها برحسب اندازه زمین زراعی، تغییراتی که در سطح زیر کشت اراضی پس از اصلاحات ارضی روی داده است.

۲- آب و آبیاری (میزان و منابع آب زراعی ده، نحوه تقسیم آب، نحوه آبیاری)، مشکلات مربوط به آب و آبیاری و تغییراتی که در امر آبیاری و میزان آب پس از اصلاحات ارضی روی داده است.

۳- وسایل و روش‌های تولید (شخم، کود، بذر و سموم دفع آفات نباتی و تغییراتی که در وسایل و روش‌های تولید پس از اصلاحات ارضی روی داده است)

۴- تقویم زراعی

۵- نیروی انسانی

۶- واحدهای اندازه‌گیری و تبدیل آن به سیستم متریک

پ - شیوه مبادلات (چگونگی فروش محصول، بازار محصولات، چگونگی وسایل حمل و نقل و توزیع محصولات تولیدی، مبادلات داخلی [بین دهقانان] صادرات و واردات ده، مبادلات جنس به جنس و ...)

ت - اعتبارات و بدهی

ث - درآمد، هزینه و مصرف

بخش هفتم - فولکور زراعی

آداب و رسوم و معتقدات مربوط به مراحل تولیدات زراعی (کاشت، داشت، برداشت)

بخش هشتم - نظام بهره‌برداری از زمین

شیوه بهره‌برداری و تغییرات آن در دوره‌های قبل و بعد از اصلاحات ارضی

بخش نهم - سازمان‌ها و تأسیسات ده

شورای اسلامی ده، شرکت تعاونی روستایی، مراکز خدمات روستایی و عشایری، خانه بهداشت، مدرسه، دهیاری روستا، تعداد و انواع فروشگاه‌های مختلف و مؤسسات خدماتی.

بخش دهم - مشکلات و نیازهای روستا

- مشکلات و نیازهای اقتصادی

- مشکلات و نیازهای اجتماعی
- مشکلات و نیازهای فرهنگی

منابع و مأخذ فصل اول

- ۱- آریان پور، ا.ح. پژوهش، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۸.
- ۲- اوپنهایم، ا.ان، طرح پرسش‌نامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۹.
- ۳- چیتامبار، جی.بی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه احمد حجاریان، مصطفی ازکیا، نشر نی، ۱۳۷۳.
- ۴- دو ورژه موریس، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۵- روسک جوزف؛ رولند وارن، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر بهروز نبوی؛ احمد کریمی.
- ۶- رایت میلز، سی، بینش جامعه‌شناختی، نقدی بر جامعه‌شناسی امریکائی، ترجمه دکتر عبدالمعبود انصاری، شرکت انتشار، ۱۳۶۰.
- ۷- روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱.
- ۸- طالب، مهدی، شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۹- نیک‌خلق، علی‌اکبر، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کلمه، ۱۳۷۹.
- ۱۰- وثوقی، منصور، نیک‌خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، ۱۳۸۱.
- ۱۱- وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی روستایی، چاپ کیهان، ۱۳۸۰.

فصل دوم :
ساختار جمعیتی جامعه
روستایی

فصل دوم ساختار جمعیتی جامعه روستایی

در این فصل به ویژگی‌های جمعیتی جامعه روستایی می‌پردازیم: اگر بخواهیم برای علم جمعیت‌شناسی که به مطالعه خصوصیات جمعیتی جوامع می‌پردازد تعریفی ارائه دهیم باید بگوئیم که جمعیت‌شناسی علمی است که به مطالعه ساخت، ترکیب و حرکات جمعیت‌ها می‌پردازد. بنابراین می‌توان مسائل جمعیت روستاها را در دو مقوله مطالعه ساخت جمعیت و مطالعه حرکات جمعیت مورد بررسی قرار داد:

الف: ساخت جمعیت شکل و ترکیب جمعیت را برحسب سن و جنس نشان می‌دهد و در صورتی که تعداد جمعیت در کلیه سنین به تفکیک جنس در دست باشد می‌توان از روی آن نموداری ترسیم کرد که به آن هرم سنی جمعیت گویند. به جمعیت‌هایی که درصد افراد کمتر از ۱۵ ساله آن‌ها از چهل درصد کل جمعیت کمتر نباشد، جمعیت‌های جوان گویند. در ساخت جمعیتی جوان درصد بسیار ناچیزی از جمعیت در گروه سنی ۶۵ سال به بالا قرار دارند. جمعیت کشور ما نیز در زمره جمعیت‌های جوان قرار دارد به طوری که از سال ۱۳۳۵ که اولین سرشماری به عمل آمده است تا سال ۱۳۷۰ درصد جمعیت کمتر از ۱۵ سال بیش از ۴۰ درصد و جمعیت بالای ۶۵ سال بین ۳ تا ۴ درصد کل جمعیت بوده است. (نگاره ۱)

نگاره ۱. توزیع جمعیت ایران در ۳ گروه سنی براساس

چهار دوره سرشماری

سال سرشماری یا برآورد	۱۴-۰ سال	۱۵-۶۴ سال	۶۵ سال و بیشتر
۱۳۳۵	۴۲/۲٪	۵۳/۸٪	۴/۰٪
۱۳۴۵	۴۶/۱	۵۰/۰	۳/۹
۱۳۵۵	۴۱/۰	۵۵/۷	۳/۳
۱۳۶۵	۴۵/۵	۵۱/۵	۳/۰
۱۳۷۰	۴۴/۱	۵۲/۵	۳/۴
۱۳۷۵	۳۹/۵	۵۶/۱	۴/۴

(منبع: دکتر حبیب‌اله زنجانی، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، ص ۵۶)

جمعیت ایران به تفکیک روستانشینی و شهرنشینی

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ کل جمعیت ایران معادل ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر بوده است که ۳۶۸۱۷۷۸۹ نفر آن (یعنی ۶۱/۳ درصد) در نقاط شهری و ۲۳۰۲۶۲۹۳ نفر (۳۸/۷)

درصد) در نقاط روستایی و عشایری روزگار می‌گذرانده‌اند و بر همین پایه، جمعیت کشور برای سال ۱۳۸۲، ۶۶۴۷۹۸۳۸ برآورد گردیده که ۶۶/۷ درصد در نقاط شهری و ۳۳/۳ درصد در نقاط روستایی و عشایری زندگی می‌کنند. روزگار می‌گذرانند کاهش جمعیت روستایی ایران که در حقیقت از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده است، از سال ۱۳۶۵ وارد مرحله جدیدی گردید، بدین معنی که برای اولین بار نسبت جمعیت بین مناطق روستایی و شهری دگرگون شد. براساس این سرشماری، ۵۴ درصد از کل جمعیت در شهرها و ۴۵ درصد در روستاها ساکن بوده‌اند. روند کاهش جمعیت روستایی کماکان ادامه دارد. نگاره ۲ روند تحولات مربوطه به کاهش جمعیت روستایی را طی شش سر شماری و برآورد آن را تا سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد:

نگاره ۲. نسبت جمعیت روستایی و شهری به جمعیت کل کشور در سرشماری‌های گذشته و براساس برآورد تا سال ۱۳۸۲ (هزار نفر).

سال سرشماری یا برآورد	کل جمعیت	جمعیت شهرنشینی	درصد شهرنشینی	جمعیت روستایی و عشایری	درصد روستایی و عشایری
۱۳۲۵	۱۸۹۵۵	۵۹۵۴	۳۱/۴	۱۳۰۰۱	۶۸/۶
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۹۷۹۴	۳۸/۰	۱۵۹۹۵	۶۲/۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸	۱۵۸۵۵	۴۷/۰	۱۷۸۵۳	۵۳/۰
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۲۶۸۴۵	۵۴/۳	۲۲۶۰۰	۴۵/۷
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷	۳۱۸۳۸	۵۷/۰	۲۳۹۹۹	۴۳/۰
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۳۶۸۱۸	۶۱/۳	۲۳۲۳۷	۳۸/۷
۱۳۷۶	۶۰۹۳۸	۳۷۸۲۶۳۰۵	۶۲/۱	۲۳۱۱۲۵۳۲	۳۷/۹
۱۳۷۷	۶۱۸۳۵	۳۸۸۳۹	۶۲/۸	۲۲۹۹۶	۳۷/۲
۱۳۷۸	۶۲۷۴۵	۳۹۸۵۶	۶۳/۵	۲۲۸۸۸	۳۶/۵
۱۳۷۹	۶۳۶۶۳	۴۰۸۷۳	۶۴/۲	۲۲۷۹۰	۳۵/۸
۱۳۸۰	۶۴۵۲۸	۴۱۸۲۷	۶۴/۸	۲۲۷۰۰	۳۵/۲
۱۳۸۱	۶۵۵۴۰	۴۲۲۶۵	۶۶/۰	۲۳۲۷۵	۳۴/۰
۱۳۸۲	۶۶۴۷۹	۴۴۳۷۱	۶۶/۷	۲۲۱۰	۳۳/۳

(مأخذ: دکتر زنجانى جمعیت، توسعه و...، ص ۴۹ و نیز سالنامه آماری ۱۳۸۱، ص ۴۸)
چنان که ملاحظه می‌شود، بر اساس ارقام فوق در فاصله ۴۷ سال یعنی از سال ۱۳۳۵ الی ۱۳۸۲ نسبت روستانشینی از نزدیک به ۶۹ درصد به ۳۳ درصد کاهش یافته و در مقابل نسبت شهرنشینی از نزدیک به ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۷ درصد در سال

۱۳۸۲ افزایش یافته است. البته ذکر این نکته ضروری است که بسیاری از نقاطی که در سرشماری‌ها به‌ویژه سرشماریهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ شهر تلقی شده‌اند، دارای خصوصیات ویژگی‌های شهری آن طور که در تعریف شهر آمده است، نیستند و در نتیجه می‌توان گفت که بخشی از افزایش جمعیت شهری ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ به بعد مربوط به روستاهائی است که تبدیل به شهر شده‌اند.

ب: حرکات جمعیت

حرکات جمعیت را می‌توان در دو مبحث مورد توجه قرار داد:

– حرکات جمعیت در زمان و حرکات جمعیت در مکان

۱- **حرکات زمانی جمعیت:** در ارتباط با حرکات زمانی جمعیت مجموع وقایع جمعیتی را می‌توان مورد بررسی قرار داد که یک نسل از بدو تولد تا موقع مرگ با آن مواجه است و مهمترین آن‌ها عبارتند از ولادت، ازدواج و مرگ‌ومیر.

۲- **ولادت:** غالباً در جوامع روستایی میزان ولادت بیش‌تر از جامعه شهری است و مطالعاتی که در این مورد در ایران انجام گرفته است، این واقعیت را تأیید می‌نماید. تمایل شدید خانواده‌های روستایی به داشتن فرزند پسر، ازدواج دختران در سنین پایین، عمومیت ازدواج (یعنی این که روستاییان ازدواج را به‌عنوان یک تکلیف تلقی کرده که حتماً بایستی انجام دهند) و نیز عوامل اقتصادی از قبیل نیاز خانواده به نیروی کار مجانی اعضاء خود موجب شده است که میزان ولادت در روستاها بیش‌تر از مناطق شهری باشد.

۳- ازدواج

همچنان که اشاره کردیم، در روستا ازدواج عمومیت دارد یعنی تقریباً همه افراد ازدواج می‌کنند و بایستی ازدواج کنند و دلایل این عمومیت را می‌توان به‌شرح زیر بیان نمود:

- ۱- خانواده روستایی جوانان را تشویق و حتی وادار به ازدواج می‌کند.
- ۲- در کشاورزی سنتی زن نقش مهمی در تولید دارد بنابراین مرد نیازمند همسری است که او را در امور دامداری، صنایع دستی، و زراعی و باغداری کمک کند.
- ۳- اعتقادات دینی و پایبندی روستاییان به آداب و رسوم نیز از عواملی محسوب می‌شوند که در ترغیب جوانان روستایی به ازدواج نقش مهمی دارند.

۴- عامل دیگری که موجب عمومیت ازدواج می‌گردد آنست که در میان روستاییان و عشایر، تنها رابطه جنسی قابل قبول جامعه، رابطه زن و شوهری است و با هر نوع رابطه غیراخلاقی و غیر شرعی بشدت برخورد می‌شود.

۴- مرگ ومیر

معمولاً سطح مرگ ومیر را می‌توان با شاخص‌هایی مثل مرگ ومیر عمومی، مرگ ومیر کودکان کمتر از یکسال اندازه‌گیری کرد و مورد بررسی قرار داد. به‌طور کلی هر دو شاخص یعنی هم مرگ ومیر عمومی و هم مرگ ومیر کودکان، به‌دلیل شرایط نامناسب بهداشتی و فقدان امکانات پزشکی در مناطق روستایی بیش‌تر از مناطق شهری است. با وجود اینکه در سال‌های اخیر شبکه‌ای از خانه‌های بهداشت در خدمت‌رسانی امکانات بهداشتی و پزشکی به مردم روستاها فعال شده‌اند اما هنوز اکثر روستاهای کشور فاقد کادر پزشکی و امکانات بهداشتی مناسب هستند.

از جانب دیگر، علل و عوامل مرگ ومیر در شهرها و روستاها متفاوتند:

در شهرها غالباً بیماری‌هایی از نوع عصبی، قلبی، سرطان و بیماری‌های ناشی از حوادث و سوانح رایج است در حالی که در روستاها بیش‌تر بیماری‌های عفونی و انگلی موجب مرگ ومیر می‌گردند.

شاخص مرگ ومیر کودکان به معنای مرگ ومیر نوزادان از بدو تولد تا سن یکسالگی است که میزان آن می‌تواند معرف بسیار خوبی برای توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌یافتگی یک جامعه باشد. این میزان برای ایران در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ برای شهرها ۷۶ در هزار و برای روستاها ۱۳۰ در هزار محاسبه شده است در حالی که در سال‌های قبل از ۱۳۴۰ براساس یک نمونه‌گیری در چند منطقه نزدیک به ۲۰۰ در هزار برآورد گردیده است. در سال ۱۳۷۵ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مرگ ومیر نوزادان در ایران را ۲۶ در هزار برآورد کرده است (زنجان، سرتحلی جمعیت ایران ص ۵۹). این میزان جمعیت سازمان ملل متحد در فاصله سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۰، ۳۵/۳ در هزار برآورد کرده است (سالنامه آماری، ۱۳۸۱، ص ۸۰۰).

حداکثر این میزان در دنیای امروز بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، ۲۰۰ در هزار در کشور آفریقائی لیبریا و حداقل آن با ۴ در هزار به کشور ژاپن تعلق داشته است (زنجان، سیر تحلی جمعیت ایران، ص ۲۰) و به‌عبارت ساده‌تر از هر هزار نوزاد قبل از

یکسالگی در کشور لیبیا ۲۰۰ نفر، در ایران ۲۶ (یا ۳۵) نفر و در کشور ژاپن تنها ۴ نوزاد تلف می‌شوند.

۴- حرکات مکانی جمعیت روستایی

امروزه پدیده مهاجرت از روستا به شهر یکی از پدیده‌های رایج کشورهای در حال توسعه است که در بسیاری از آن‌ها به صورت مسئله‌ای پیچیده و با ابعاد بسیار گسترده درآمده است. علل مهاجرت روستاییان به شهرها را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی نمود به شرح زیر:

۱- عوامل مربوط به نیروی جاذبه شهرها- این عوامل غالباً مرتبط با گسترش صنایع و رشد فعالیت‌های ساختمانی در شهرهاست. غالباً روستاییان و به‌ویژه در وهله اول جوانان روستایی به قصد پیدا کردن کار در صنایع نوپای شهری راهی شهرها می‌شوند اما چون غالباً فاقد تخصص بوده و ضمناً گنجایش صنایع شهری نیز محدود است، جذب فعالیت‌های ساختمانی می‌شوند و به صورت نیروی کار ساده مشغول به کار می‌شوند.

۲- عوامل مربوط به علل دافعه روستاها - علل دافعه روستاها مربوط به مشکلات و مسائلی می‌گردد که روستاییان در محل سکونت خود با آن‌ها روبرو هستند. مسئله بیکاری مهمترین عاملی است که روستایی را به شهر می‌کشاند. بیکاری جوانان روستایی خود در رابطه با عواملی از جمله کاهش مرگ و میر به‌ویژه کاهش مرگ و میر نوزادان، مکانیزه شدن کشاورزی یعنی استفاده از ماشین در کار کشت و داشت و برداشت بجای انسان و حیوان است. از جمله عوامل دیگری که روستایی را به فرار از ده تشویق می‌کند، افزایش هزینه‌های زندگی امروز است که درآمد ناشی از کشاورزی برای تأمین آن‌ها کفایت نمی‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نیازهای جدید، هزینه‌های تازه‌ای برای روستاییان در بر دارد و لذا روستاییان به‌ویژه اقشار کم زمین و بی‌زمین مجبور به ترک روستا و کار در شهر می‌شوند.

صرفنظر از دو دسته عوامل جاذبه و دافعه مؤثر در مهاجرت‌های روستا به شهر عوامل دیگری را نیز می‌توان اضافه نمود از آن جمله است:

– عوامل و ویژگی‌های فردی مهاجران

– عوامل مربوط به توسعه اجتماعی – فرهنگی

در حقیقت می‌توان مهاجرت را نوعی انتخاب یا گزینش تلقی نمود که ممکن است در مرحله اول به عوامل مثبت در مقصد و یا گریز از عوامل منفی در مبداء مربوط شود. خصوصیات شخصی مهاجران از قبیل سن، جنس، سطح سواد نیز از عوامل مؤثر بر مهاجرت محسوب می‌شود ضمن آن که توسعه اجتماعی و فرهنگی نیز می‌تواند از عواملی باشند که مهاجرت را تشدید نمایند زیرا اگر بپذیریم که برنامه‌های توسعه‌ای به‌ویژه گسترش وسایل ارتباط جمعی و تأثیری که این وسایل بر اذهان و افکار مردم روستا بر جای می‌گذارند، تضادها را افزایش داده و گرایش و تمایل به مهاجرت را تشدید می‌کند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم زیرا وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه تلویزیون در چارچوب برنامه‌ها و فیلم‌هایی که پیوسته تصاویری از رفاه نسبی زندگی در شهر و خانواده‌های شهری را در معرض دید روستاییان قرار می‌دهد انگیزه ترک روستا را در آن‌ها دو چندان می‌کند.

تحلیل جامعه‌شناختی مهاجرت‌های روستا به شهر در ایران

در حال حاضر، مهاجرت از روستا به شهر هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی- جمعیتی محسوب می‌شود. گرچه آهنگ مهاجرت در کشورهای در حال توسعه بسیار سریع‌تر از کشورهای صنعتی است، اما در واقع این حرکت در کشورهای صنعتی به تدریج از قرن هفدهم آغاز شده و در اوایل قرن بیستم به اوج خود رسیده و پس از آن دوباره از شدت وحدت آن کاسته شده است حال آن که در غالب کشورهای در حال توسعه بر اثر برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی و شهری، مهاجرت روستایی مراحل آغازین خود را می‌پیماید. مهاجرت باعث کاهش تعداد ساکنین منطقه مهاجرت فرست می‌شود ولی این کاهش تنها مبنای کاهش نفرت نیست، بلکه با تغییر روابط کمی در میان گروه‌های مختلف از یکطرف ساخت اجتماعی ده و از طرف دیگر موازنه و نسبت گروه‌های سنی و جنسی دگرگون می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهاجرتی روستا به شهر آن است که جوانان همیشه اولین گروه‌هایی‌اند که ده را ترک می‌کنند که این خود موجب پیری ساخت جمعیت روستا

می‌شود و آثار آن را بر هرم سنی به صورت بارزی می‌توان مشاهده نمود. این آثار را به‌ویژه در جوامع صنعتی که حرکات مهاجرتی از اوایل صنعتی شدنشان ظاهر شده است بهتر می‌توان مشاهده نمود. پیری جمعیت به‌ویژه در مناطق روستایی نتایج دموگرافیک مختلفی را در پی دارد که از اهم آن‌ها تقلیل باروری است ولی علاوه بر این، نتایج اجتماعی نیز بر آن مرتب است: در جامعه‌ای که درصد افراد مسن بالا است داشتن یک زندگی اجتماعی متعادل و رضایت‌بخش مشکل است. به‌علاوه این امر بر طرز تفکر و شیوه فعالیت اقتصادی جامعه اثر می‌گذارد. گو اینکه امکان اندازه‌گیری این نتایج روانی و اقتصادی به صورت دقیق وجود ندارد معه‌ذا غالب محققین آن را تأیید کرده‌اند.

مهاجرت‌های روستا به شهر در ایران در چهار دهه اخیر را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

الف- دوره اول را می‌توان از ابتدای سال‌های ۱۳۰۰ تا اوایل دهه ۱۳۴۰ دانست. این دوره از مهاجرت که می‌توان آن را دوره مهاجرت آرام نام نهاد دوره‌ای است که مهاجرت به کندی انجام می‌شد. علت کندی مهاجرت در این دوره از یک طرف وجود نظام ارباب و رعیتی بسته‌ای بود که هیچ نوع زمینه‌ای را برای حرکت مکانی فراهم نمی‌نمود و از طرف دیگر اقتصاد شهری هم به دلیل عدم پویایی قدرت جذب جمعیت زیادی را در درون خود نداشت. در مجموع ویژگی‌هایی مهاجرتی روستایی این دوره را به شرح زیر می‌توان بر شمرد:

مهاجرت آرام ساخت شهری را به نحوی عمیق و ناگهانی دگرگون نمی‌کرد، بلکه به موازات تحول اقتصاد شهری، از اقتصاد تجاری به اقتصاد نیمه صنعتی به تدریج شهرها گسترش یافت و مراکز پرجمعیت اداری، صنعتی و دانشگاهی به وجود آمد.

بیش‌تر مهاجرین از قشر خوش‌نشین بودند زیرا تحرک جغرافیایی خوش‌نشینان به دلیل عدم وابستگی به زمین بیش‌تر از کشاورزان بوده است. بر اساس مطالعه‌ای در مورد خوش‌نشینان کردستان، نسبت مهاجرفرستی در قشر روستاییان صاحب نسق ۱۸ درصد ولی در قشر خوش‌نشین متجاوز از ۲۸ درصد بوده است.

محدوده تحرک مکانی روستاییان وسیع نبود و غالباً مهاجرت‌ها ابتدا از روستا به روستا بود و به تدریج به سمت شهرها کشیده می‌شد. در فاصله سرشماری سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵، جمعیت شهری از ۳۱/۴ درصد به حدود ۳۹ درصد کل جمعیت افزایش

یافته است ولی فقط ۲/۲ درصد این افزایش مربوط به مهاجرت از روستا به شهر بوده است.

مهاجرت‌های روستایی در این دوره اکثراً به صورت فصلی و غیردائمی بوده است بدین ترتیب که روستاییان در ایام بیکاری و فصل رکود کار کشاورزی از روستاهای خود مهاجرت می‌کردند و هنگام شروع کار کشاورزی دوباره بدانجا باز می‌گشتند. در این مهاجرت‌ها خانواده روستایی در ده می‌ماند و فرد مهاجر به تنهایی راهی دیار غربت می‌شد.

مهاجرت آرام به ساختار اقتصادی روستاها (بخش کشاورزی و دامداری) زیانی وارد نمی‌کرد چرا که نیروهای مهاجر همچنان که گفته شد غالباً خوش‌نشین بودند و جزو نیروهای فعال روستا محسوب نمی‌گردیدند.

ب- دوره دوم

این دوره از اوایل دهه ۱۳۴۰ به تدریج با آغاز برنامه‌های اصلاحات ارضی و دگرگون شدن نظام سنتی روستاها شروع گردید. در این دوره دو عامل، آهنگ مهاجرت از روستا به شهر را تشدید کرد:

۱- بیکاری بخشی از جمعیت روستایی در نتیجه دگرگون شدن ساخت ارباب و رعیتی بدین معنی که امکان تأمین معیشت بخشی از جمعیت روستایی که ارتباط مستقیم با نظام ارباب و رعیتی داشت و درصد قابل ملاحظه‌ای از خوش‌نشینان روستا را تشکیل می‌داد از بین رفت. در این میان می‌توان از گروه‌هایی نظیر کناره‌کاران و نصفه‌کاران نام برد که مستقیماً با ارباب سروکار داشتند و مستقل از نسق زراعی ده به کار می‌پرداختند و همچنین گروه‌های دیگری از قبیل گاوبند و دشتبان، داروغه، باغبان و... که زندگی خود را از قبل کار کشاورزان و سهم اربابان تأمین می‌کردند، امکان اشتغال در روستاها را از دست دادند و بنابراین به جمع مهاجرین پیوستند.

۲- استقرار و گسترش صنایع به‌ویژه در تهران و چند شهر بزرگ دیگر بخشی از نیروی کار آزاد شده بخش کشاورزی را جذب شهر نمود ولی قسمت اعظم این نیروهای مهاجر به تدریج متوجه بخش خدمات ساده‌ای شد که به سرعت و به‌طور کاذب گسترش می‌یافت. گسترش بخش خدمات (خدمات ساده) از ویژگی‌های اقتصادی جهان سوم است زیرا تکنولوژی وارداتی در این کشورها، مستلزم نیروی کار متخصص است و قادر به جذب نیروی کار غیر تخصصی روستاییان نیست و به‌همین دلیل این بخش حجیم گردیده

و جمعیت زیاد روزافزونی از افراد غیر متخصص در مشاغل خدماتی ساده و غالباً غیر ضروری در شهرها گرد می‌آیند و پدیده بیکاری پنهان را گسترش می‌دهند. بر اساس مطالعه‌ای که از جانب مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در هفت منطقه روستایی انجام شده است، درصد قابل توجهی از مهاجران روستایی راهی تهران و مراکز استان‌ها و فرمانداری‌ها شده‌اند. بر اساس این پژوهش در این مرحله مهاجرتی که مرحله تند نام گرفته است، هدف و مقصد بیشتر مهاجران تهران بوده و در مواردی مشاهده شده است که مهاجرت در یک حالت دو مرحله‌ای انجام گرفته است بدین ترتیب که ابتدا مهاجران ده را به قصد یک شهر درجه دوم ترک گفته و سپس راهی تهران شده‌اند. بر اساس همین بررسی نقاطی که به تهران نزدیک بوده‌اند، بیشترین تعداد مهاجر را بسوی این شهر گسیل داشته‌اند، به‌طوری‌که از گرمسار نزدیک به ۸۰ درصد، از گلپایگان ۷۰ درصد و از همدان ۴۳ درصد از مهاجرین راهی تهران شده‌اند (وثوقی-منصور، ۱۳۸۰، ص ۴۸)

پ- دوره سوم: مهاجرت انفجاری

دوره سوم مهاجرت از روستا به شهر دارای ویژگی‌هایی است که آن را از دوره قبلی متمایز می‌کند ویژگی‌های این دوره را می‌توان فهرست‌وار به‌صورت زیر برشمرد: انگیزه مهاجرت عوامل داخلی روستا نبود بلکه دلیل اصلی آنرا بایستی در جاذبه شدید شهرهای بزرگ جستجو کنیم.

جاذبه شهرهای بزرگ به‌ویژه شهر تهران را بایستی با افزایش سطح دستمزد در نتیجه نیاز به نیروی کار برای کار در فعالیت‌های ساختمانی مرتبط نمود. در این دوره شهرهای بزرگ و در راس آنها، تهران هر روز متقاضی افراد بیش‌تری می‌شد. ریشه افزایش جاذبه شهرها و گسترش فعالیت‌های ساختمانی در این مقطع زمانی را در درجه اول بایستی با افزایش درآمد ملی حاصل از فروش نفت و نیز با غرامتی که مالکان اراضی از دولت دریافت داشته بودند، توجیه نمود، زیرا افزایش درآمد، اکثر نقدینگی‌های شهری را به سمت ساخت و سازهای ساختمانی سوق داد و واضح است که این فعالیت‌ها نیز موجب تقاضای بیش‌تر نیروی کار و افزایش سطح دستمزد در شهر گردید.

افزایش سطح دستمزد در شهر همراه بود با توقف قیمت محصولات کشاورزی در پائین‌ترین سطح خود بنابراین انگیزه کار کشاورزی بشدت کاهش یافت به‌صورتیکه

روستاییان اعم از کسانی که از جانب اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند و کسانی که فاقد زمین بودند، جملگی برای دستیابی به درآمد راهی شهرها گردیدند. در واقع می‌توان به صراحت گفت که بزرگترین اشتباه مسئولین و برنامه‌ریزان بخش کشاورزی کشور بعد از اصلاحات ارضی پائین نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی بود. این سیاست نادرست موجب زیان فراوان به ساخت اقتصادی روستاها گردید و مانع از رونق اقتصادی بخش کشاورزی کشور شد.

با توجه به آنچه در بالا گفته شد این دوره از مهاجرت‌های توده‌وار روستایی که از سال ۱۳۴۹ تا اواخر سال ۱۳۵۶ ادامه می‌یابد را می‌توان مهاجرت انفجاری نام نهاد. زیرا پیوسته و دائمی است، روستاییان در تمام فصول سال و بقصد اقامت همیشگی در شهرها از روستاهایشان دل کنده و با اهل و عیال و به صورت بنه‌کن راهی شهرها شدند. دیگر از ویژگی‌های دیگر این مرحله آن بود که اگر در دهه‌های گذشته، مهاجران روستایی ابتدا به روستاهای مرکز بخش و سپس به شهرهای درجه دوم و سرانجام به شهرهای درجه یک یا مراکز استان‌ها روی می‌آوردند، در این مرحله بخش اعظم آنان از نقاط دور و نزدیک کشور مستقیماً راهی تهران گردیدند.

ت- مهاجرت‌های روستایی بعد از سال ۱۳۵۷

همچنانکه اشاره شد مهاجرت‌های انفجاری مرحله سوم تا اواخر سال ۱۳۵۶ و آغاز هیجانات آغازین انقلاب اسلامی ادامه یافت ولی از زمان شکل‌گیری جدی فرآیند انقلاب، مهاجرت‌ها فروکش نمود و این توقف که می‌توان آنرا دوره‌ای از فترت در مهاجرت‌های روستایی تلقی نمود، تا سال ۱۳۵۸ ادامه یافت. از سال ۱۳۵۸ مهاجرت‌های وسیع روستا به شهر از سر گرفته شد و با آغاز جنگ و هجوم نیروهای عراقی به ایران شدت یافت. در حقیقت ضمن آنکه می‌توان این دوره جدید از مهاجرت‌های روستا به شهر را دنباله مرحله سوم یعنی مرحله انفجاری تلقی نمود، ولی با توجه با اینکه تفکیک مهاجرت‌های جنگی که نتیجه فشار نیروهای دشمن به مناطق مرزی ما بود، از مهاجرت‌های متداول روستایی امکان‌پذیر نیست، لذا نمی‌توان تحلیل مشخص و مستقلاً از این دوره مهاجرتی که تاکنون نیز ادامه یافته است، ارائه داد. آنچه که می‌توان با در نظر گرفتن آمار و ارقام مهاجرت‌های داخلی، اظهار نمود آن است که مهاجرت‌های روستا به شهر در ربع قرن اخیر، ابعاد گسترده‌تری از دوره‌های پیشین یافته و با افزایش نرخ بیکاری در روستا در این دوره به دلیل کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی، در حال

حاضر این پدیده، تبدیل به مسئله‌ای حاد گردیده است که خود نیاز به مطالعه‌ای جداگانه دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

ارقام مربوط به روند رشد حجم میزان مهاجرت خالص داخلی مؤید حقیقت فوق است:

حجم مهاجرت‌های داخلی در دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، معادل ۵۲۳۰۰۰ نفر، بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ برابر با ۲/۳۹۰۰۰۰ نفر و بین سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ برابر با ۵۸۲۰۶۲۵ نفر و در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ برابر با ۸۷۱۸۷۷۰ نفر برآورد شده است.

فعالیت و اشتغال در جامعه روستایی

براساس تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متداول در سرشماری‌های ایران، جمعیت ۱۰ تا ۶۵ ساله را جمعیت در سن کار و فعالیت محسوب می‌نمایند و آنرا به دو گروه عمده فعال از نظر اقتصادی و غیر فعال از نظر اقتصادی تقسیم می‌کنند. شاغلان و بیکاران جویای کار گروه اول را تشکیل می‌دهند و محصلان، خانه‌دارها و دارندگان درآمدهای بدون کار و سایرین در گروه دوم جای می‌گیرند (زنجانی، جمعیت توسعه بهداشت باروری ۱۳۷۸، ص ۶۱). براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵، مجموع شاغلان در مشاغل روستایی حدود ۵۷۱۱۰۰۰ نفر است که نیمی از آنان در فعالیتهای بخش کشاورزی اشتغال داشته‌اند (فعالیت‌های بخش کشاورزی شامل زراعت، باغداری، ماهیگیری و دامداری) است. بر اساس برآورد سال ۱۳۸۱ مرکز آمار ایران، درصد جمعیت ۱۰ ساله به بالا برحسب فعالیت در نقاط روستایی به شرح زیر بوده است:

درصد جمعیت فعال شامل: شاغل = ۳۵/۶، بیکار = ۴/۴، جمع = ۴۰/۰۰

درصد جمعیت غیرفعال شامل: محصل = ۲۴/۲، خانه‌دار = ۲۹/۱، سایر = ۶/۷، جمع = ۶۰/۰۰ و براساس آخرین برآورد در سال ۱۳۸۱، ۲۱/۴ درصد کل شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر کشور در بخش کشاورزی و ماهیگیری و جنگلداری به کار مشغول بوده‌اند (سالنامه آماری ۱۳۸۱ صفحات ۹۲ و ۱۰۹).

در مجموع براساس سرشماری ۱۳۷۵، ۳۲ درصد و بر اساس برآورد سال ۱۳۸۱، ۳۳/۲ درصد از جمعیت ۱۰ سال به بالا در جمعیت ایران شاغل بوده‌اند. به‌طور کلی طی چهار دهه یعنی از سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ از تعداد شاغلان بخش کشاورزی کاسته شده است به‌صورتی که تعداد شاغلان این بخش از ۳/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به

۲/۷۶ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است و سپس در سال ۱۳۷۵ به ۲/۸ میلیون نفر رسیده است. بدین معنی که در ۲۰ سال نخست (۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵) ۴۰۰ هزار نفر از شمار شاغلان بخش کشاورزی کاسته شده است. و در ۲۰ سال بعد (۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵) تنها ۸۰ هزار نفر به آن اضافه شده است. می‌توان گفت که کاهش جمعیت شاغل در بخش کشاورزی عمدتاً ناشی از پیشرفت تکنولوژی و جایگزین شدن سرمایه به جای کار یا به عبارت دیگر جایگزینی ماشین‌آلات به جای نیروی انسانی است، ضمن آنکه افزایش آن نیز در برخی دوره‌ها نتیجه گسترش سطح زیرکشت و بهره‌برداری از اراضی است که پیش از آن مورد استفاده بخش کشاورزی قرار نمی‌گرفته است. از جانب دیگر عدم فرصت‌های شغلی کافی ایجاد شده در بخش کشاورزی، جمعیت فعال را به سوی بخش خدمات ساده یا بیکاری پنهان در شهرها سوق داده است که این موضوع خود یکی از مهمترین مشکلات و مسائل آتی جامعه روستایی ما خواهد بود.

تراکم نسبی و تراکم زیستی جمعیت

منظور از تراکم نسبی جمعیت این است که بینیم جمعیت در یک کشور چگونه توزیع شده است یعنی در هر کیلومتر مربع به‌طور نسبی چه تعدادی از جمعیت ساکن‌اند. به‌منظور بدست آوردن این شاخص کافی است که کل جمعیت یک کشور را به مساحت آن کشور به کیلومتر تقسیم نماییم. بدیهی است با افزایش جمعیت در هر دوره سرشماری میزان تراکم نسبی تغییر می‌یابد مثلاً تراکم نسبی در سال ۱۳۳۵ نزدیک به ۱۲ و در سال ۱۳۷۵، ۳۷ بوده است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۷۵، خارج قسمت کل جمعیت ایران یعنی ۶۰۰۵۵۰۰۰ نفر بر مساحت کل کشور (۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع) میزان تراکم نسبی معادل ۳۷ حاصل می‌گردد و این رقم بر اساس برآورد جمعیت در سال ۱۳۸۲ به کمی بالاتر از ۴۰ نفر در هر کیلومتر مربع بالغ می‌شود.

اگر کل جمعیت یک کشور را به مساحت زمین زیرکشت آن تقسیم نماییم، شاخص دیگری حاصل می‌گردد که آنرا تراکم زیستی جمعیت گویند. در مورد ایران تراکم زیستی در سال ۱۳۷۵ معادل حاصل تقسیم کل جمعیت ایران بر مساحت اراضی زیرکشت می‌گردد که عددی نزدیک به ۳/۹ نفر در هکتار و یا ۳۹۰ نفر در کیلومتر مربع است. این رقم بر اساس برآورد جمعیت در سال ۱۳۸۲ به ۴/۳ بالغ شده است.

خانواده روستایی

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که شالوده حیات اجتماعی محسوب گردیده و گذشته از وظیفه فرزندآوری و فرزندپروری و در نهایت استمرار نسلها و بقاء نوع بشر، وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی شدن فرد را نیز بر عهده دارد. خانواده همچنین به‌عنوان سلول اصلی جامعه و کوچک‌ترین واحد بنیادی جامعه مورد توجه و بررسی جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی است. در تعریف خانواده آنرا به‌عنوان گروهی مرکب دوفرد یا بیش‌تر در نظر می‌گیرند که میان آنها روابط خویشاوندی (سببی، نسبی) برقرار است و در مکان واحدی زندگی می‌کنند و دور یک سفره غذا می‌خورند. بدون خانواده دوام و بقاء جامعه میسر نیست و هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت کرد در آن نظام خانوادگی برقرار نباشد.

معنای خانواده با خانوار تفاوت دارد زیرا خانواده مبتنی بر روابط خویشاوندی است در حالیکه در مورد خانوار وجود خویشاوندی شرط نیست. ممکن است افرادی با هم دارای هزینه مشترک اقتصادی داشته باشند اما هیچ‌گونه رابطه خویشاوندی سببی و نسبی بین آنها وجود نداشته باشد، به‌همین سبب در تعریف خانوار گفته می‌شود، افرادی که زیر یک سقف و دور یک سفره غذا می‌خورند یک خانوار را تشکیل می‌دهند در حالیکه خانواده یک واحد زیستی است که مرکب از زن و شوهر و فرزندان آنهاست که بین آنها رابطه خویشاوندی وجود دارد ولی وقتی که از خانوار سخن می‌آوریم، آنرا به‌عنوان یک واحد آماری در نظر می‌گیریم و نه یک واحد زیستی و لذا در سرشماری‌ها خانوار واحد آماری مورد نظر آمار گران است. به‌عبارت روشن‌تر یک خانواده، یک خانوار محسوب می‌گردد اما یک خانوار همیشه یک خانواده نیست. مثلاً چند نفر که دارای هزینه مشترک اقتصادی هستند و با هم زندگی می‌کنند چون رابطه خویشاوندی (سببی و نسبی) با هم ندارند یک خانواده نیستند اما از لحاظ آماری یک خانوار به حساب می‌آیند مثل چند نفر دانشجو که خانه‌ای در شهری اجاره کرده و با هم زندگی می‌کنند یعنی زیر یک سقف و دور یک سفره اما رابطه خویشاوندی ندارند به‌همین دلیل در سرشماری‌ها، سربازخانه‌ها، کوی دانشجویان، زندان‌ها و نظایر اینها به‌عنوان خانوارهای دسته‌جمعی مورد سرشماری قرار می‌گیرند و نه خانوارهای دسته‌جمعی که بی‌معناست.

انواع و ویژگی‌های خانواده روستایی

به‌طور کلی خانواده در روستا را می‌توان به ۳ دسته متفاوت طبقه‌بندی نمود:

الف: خانواده هسته یا زن و شوهری مستقل

خانواده هسته‌ای یا زن و شوهری شامل پدر و مادر فرزندان که براساس ازدواج به‌وجود می‌آید و دارای وظایف عاطفی، مذهبی، تربیتی و... است. خصوصیات این نوع خانواده را می‌توان به گونه زیر برشمرد:

- بعد این نوع خانواده کوچک است، یعنی تعداد افراد آن کم و محدود است
- فرزندان پس از ازدواج خانه پدری را ترک می‌کنند و در مکان دیگری مستقر می‌شوند.

- خانواده هسته‌ای پس از فوت پدر و مادر و یا احتمالاً پس از جدائی آنها، از هم پاشیده می‌شود.

- خانواده هسته‌ای حداکثر دو نسل را در بر می‌گیرد، نسل اول شامل پدر و مادر، نسل دوم شامل فرزندان.

- وظایف این نوع خانواده امروزه بر عهده سازمانها و مؤسسات بیرون از خانواده گذاشته شده است، مثلاً آموزش که در گذشته بر عهده خانواده بوده است بر عهده مؤسسات آموزشی و پرورشی قرار گرفته و درمان بیماری و مراقبت‌های جسمانی بر عهده مؤسسات پزشکی و بهداشتی قرار گرفته است.

ب- خانواده گسترده یا پدری توسعه یافته:

خانواده‌ای است که دارای خصوصیات زیر است:

۱- حداقل ۳ نسل را در بر می‌گیرد، بدین معنی که در خانواده گسترده، سه نسل پدر، فرزند، نوه و گاه نتیجه را می‌توان در کنار یکدیگر مشاهده نمود.

۲- خانواده گسترده بر خلاف خانواده هسته‌ای پس از مرگ پدر و مادر و یا جدائی احتمالی آنها، از هم نمی‌پاشد و کماکان به حیات خود ادامه می‌دهد. بدین معنی که حداقل یکی از پسران بعد از مرگ پدر جای او را می‌گیرد و آتش اجاق خانواده را روشن نگه می‌دارد.

۳- در این نوع خانواده، پدر و مادر اصلی، اداره امور خانواده را بر عهده دارند و پسرها و عروس‌ها از آنها اطاعت می‌کنند اما دختران پس از ازدواج خانه‌پدری را ترک می‌گویند.

امروزه با تحولاتی که در سبک و شیوه زندگی نسل‌های جدید به وجود آمده است، به تدریج از تعداد این خانواده کاسته می‌شود و تمایل فرزندان به این سمت گرایش یافته که پس از ازدواج زندگی مستقلی تشکیل دهند و جدا از والدین خود زندگی کنند. بنابراین شکل غالب خانواده امروزه چه در شهر و چه در روستا، خانواده هسته‌ای یا زن و شوهری مستقل است.

پ- خانواده هسته‌ای با اضافات

خانواده هسته‌ای یا زن و شوهری مستقل چنانچه افرادی را از خانواده پدری یا خانواده مادری جذب خود نماید، ابعاد وسیع‌تری پیدا کرده و تبدیل به خانواده با اضافات می‌گردد. افرادی که جذب خانواده هسته‌ای مستقل می‌شوند، غالباً پدر، مادر، مادرزن، خواهر، برادر و گاهی نیز خویشاوندان دیگر هستند. غالباً پدر یا مادر سالخورده به خانواده زن و شوهری فرزند خود ملحق می‌شوند تا در سنین سالخوردگی از کمک‌های فرزند خود برخوردار شوند و در حقیقت می‌توان گفت این نوع حمایت از سالخوردگان یکی از کارکردهای با اهمیت خانواده‌های روستایی در کشور ماست که از ارزش معنوی بسیار بالائی برخوردار است. در کشورهای صنعتی، خانواده چنین کارکردی را دارا نیست و غالباً افراد سالخورده و نیازمند کمک و مراقبت را به خانه‌های سالمندان می‌سپارند. از جمله افراد دیگری که جذب خانواده‌های هسته‌ای مستقل می‌شوند، زنان بیوه و احتمالاً مطلقه‌ای هستند که جامعه روستایی زندگی تنها را برای آن‌ها نمی‌پسندد و یا به خاطر اینکه امکانات مالی ندارند مجبورند با خانواده خواهر یا برادر خود زندگی کنند.

امروزه درصد بالائی از خانواده‌های روستایی ما از نوع خانواده هسته‌ای با اضافات است. در جمع‌بندی نهائی از خانواده روستایی باید گفت که خانواده روستایی اعم از هسته‌ای، پدری توسعه یافته و خانواده هسته‌ای با اضافات، نهادی است که نه تنها کانون پرورش کودکان است، بلکه در عین حال یک واحد تولید اقتصادی است و اعضاء خانواده به‌عنوان کارکنان مجانی این واحد تولید هستند که تحت نظر پدر خانواده و با همکاری یکدیگر به کار تولید می‌پردازند. در واقع، هر یک از افراد خانواده روستایی از زن و مرد و کودک در امر تولید، سهمی دارند. اساس خانواده در روستا بر قدرت پدر استوار است. پسران پس از ازدواج هم‌چنانکه اشاره شد، گاه نزد پدر می‌مانند و تحت حمایت مادی و معنوی او قرار می‌گیرند و در بسیاری از موارد به‌ویژه در چند دهه اخیر فرزندان پس از

ازدواج از خانه پدری جدا شده ولی در عین حال رابطه عاطفی خود را با پدر و مادر و خانواده پدری حفظ می‌کنند و به لحاظ اقتصادی وابسته به پدر خود هستند. جوانانی نیز که از خانواده پدری جدا شده و در شهرها سکونت اختیار می‌کنند، وابستگی خود را با خانواده پدری حفظ کرده و در مواردی که خانواده‌ها از موقعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نباشند، برای آن‌ها پول ارسال می‌دارند. در حقیقت توجه به این نکته مهم بسیار ضروری است که تزریق پول از جانب مهاجران روستایی به بسیاری از روستاها موجب گردیده است که روستاهای با بنیه اقتصادی ضعیف بتوانند با دریافت کمک از فرزندان روستا به حیات خود ادامه دهند.

از ویژگی‌های دیگر خانواده روستایی آن است که در معرض آسیب‌پذیری کمتری قرار دارد و این موضوع را می‌توان با تأکید بر دو عامل مورد بررسی قرار داد:

۱- ازدواج درون گروهی: به دلایل زیر ازدواج درون گروهی در روستاها رایج‌تر از نقاط شهری است و این نوع همسرگزینی در میان روستاییان از ارجح و اهمیت بیشتری برخوردار است:

- اول آنکه دایره همسرگزینی^۱ به علت محدودیت روستاییان در معاشرت و آمیزش با مردم نقاط دیگر، محدود است و لذا غالب ازدواج‌هایی که انجام می‌گیرد به صورت درون‌گروهی است. با ازدواج درون‌گروهی، نظیر ازدواج دخترعمو و پسرعمو، دخترخاله و پسرخاله، دختردایی و پسرعمه و بالعکس؛ خانواده قدرت و استحکام بیشتری می‌یابد و در گذشته نیز این نوع ازدواج یکی از عوامل تحکیم قدرت اقتصادی خانواده روستایی از طریق ارث محسوب می‌شده است. ازدواج درون‌گروهی در طول زمان باعث خویشاوندی تمامی افراد یک قبیله یا همه اهالی روستا می‌شده است و در نتیجه خانواده به ندرت دچار ازهم‌گسیختگی می‌گردد.

دوم آنکه به دلایل ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر جامعه روستایی و روابط چهره به چهره‌ای که از ویژگی‌های جامعه روستایی است، در گذشته طلاق بندرت اتفاق می‌افتاد و

۱. منظور از دایره همسرگزینی، محدوده‌ای است که افراد می‌توانند با حشر و نشر با یکدیگر همسر آتی خود را بیابند. در شهرها این دایره وسیع است زیرا شهریان در محافل مثل سازمان‌ها و مؤسسات اداری و اجتماعی که در آن‌ها به‌کار مشغولند و نیز دانشگاه‌ها و مراکز متعدد دیگر، ارتباط بیشتری با هم دارند در حالی که محدوده ارتباط روستاییان همان روستایی است که در آن سکونت دارند و بنابراین دایره همسرگزینی آن‌ها از محدوده خود فراتر نمی‌رود.

امروزه نیز که آگاهی زنان نسبت به حقوق خود افزایش یافته آمار نشان می‌دهد که میزان طلاق در روستاها به‌طور چشمگیری از شهرها کمتر است، ارقام نگاره زیر نسبت طلاق به ازدواج را در نقاط شهری و روستایی کشور بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. چنانکه از نگاره زیر برمی‌آید، در کلیه سال‌های مورد مطالعه، هم درصد میزان طلاق روستاییان نسبت به شهرنشینان و هم نسبت میزان طلاق به ازدواج کمتر از نصف بوده است.

نگاره ۳. مقایسه میزان طلاق بین مناطق شهری و روستایی در ایران (*)

درصد میزان طلاق روستا به شهر	نقاط روستایی			نقاط شهری			سال
	نسبت طلاق به ازدواج	طلاق	ازدواج	نسبت طلاق به ازدواج	طلاق	ازدواج	
۳۸	۵/۰۵	۵۸۳۲	۱۱۵۳۳۱	۱۳/۰۵	۲۹۳۷۹	۲۲۵۰۱۱	۱۳۶۵
۴۱	۴/۴۴	۶۱۲۶	۱۳۷۸۳۱	۱۰/۶۷	۳۳۲۱۰	۳۱۱۰۲۰	۱۳۷۰
۴۵	۴/۱۹	۵۱۲۰	۱۲۲۱۲۵	۹/۱۵	۳۲۶۹۷	۳۵۷۱۳۸	۱۳۷۵
۴۳	۴/۰۰	۴۷۶۵	۱۱۸۹۲۵	۹/۱۲	۳۷۶۲۶	۴۱۲۵۶۵	۱۳۷۷
۴۱	۳/۹۷	۵۸۶۱	۱۴۷۳۵۵	۹/۶۰	۴۷۹۳۶	۴۹۹۱۴۳	۱۳۷۹
۳۷	۴/۱۰	۵۹۵۶	۱۴۵۰۸۱	۱۱/۰۱	۵۴۶۰۳	۴۹۵۶۲۹	۱۳۸۰
۳۷	۴/۵۰	۶۱۸۲	۱۳۷۱۸۸	۱۱/۸۸	۶۱۰۷۴	۵۱۳۷۷۲	۱۳۸۱

* میزان‌ها بر اساس ارقام مرکز آمار ایران (سالنامه ۱۳۸۱) محاسبه شده‌اند.

منابع و مأخذ فصل دوم

- ۱- امانی، دکتر سیدمهدی، جمعیت‌شناسی عمومی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۰.
- ۲- بهنام، جمشید، ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۵۶.
- ۳- زنجانی، حبیب‌اله، مقاله روستا، جمعیت و توسعه (در فصلنامه روستا و توسعه) مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی سال ۳، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان ۱۳۷۸.
- ۴- زنجانی، حبیب‌اله، جمعیت و توسعه و بهداشت باروری، انتشارات نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۸.
- ۵- زنجانی، حبیب‌اله، مهاجرت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۰.
- ۶- سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.
- ۷- میرزائی، محمد و دیگران، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، انتشارات نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۸.
- ۸- نیک‌خلق، علی‌اکبر، مبانی جمعیت‌شناسی، نشر مرن‌دیز، ۱۳۷۶.
- ۹- نیک‌خلق، علی‌اکبر، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کلمه، ۱۳۷۹.
- ۱۰- وثوقی، منصور، نیک‌خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، ویرایش جدید، چاپ ششم، نشر بهینه، ۱۳۸۱.
- ۱۱- وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، چاپ نهم، ۱۳۸۰.

فصل سوم :
ساختار کالبدی جامعه
روستایی

فصل سوم - ساختار کالبدی جامعه روستایی

پیشینه تاریخی

یکجانشین شدن انسان و تشکیل جامعه دهکده‌ای به عصری برمی‌گردد که آنرا عصر نوسنگی می‌نامند. دوره نوسنگی که به عقیده برخی از دانشمندان حد و ده هزار سال پیش آغاز شد همراه است با تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای در زندگی بشر که اساسی‌ترین آن‌ها تولید خوراک است. بدین معنی که از این زمان است که بشر بتدریج اهلی کردن حیوانات و کشاورزی را جایگزین گردآوری خوراک یعنی شکار و ماهیگیری و جمع‌آوری ریشه‌های گیاهی نمود. در حقیقت کشف کشاورزی منشأ دگرگونی‌های بعدی شد. خانه‌سازی و یکجانشینی و ایجاد دهکده نیز بدنبال کشف کشاورزی رایج گردید. انسان‌ها برای حفاظت از کشت و کار خود مجبور به سکونت در محل‌هایی گردیدند که ما امروزه آن‌ها را ده یا روستا می‌نامیم. چاودار، جو و گندم از جمله نخستین گیاهانی بودند که انسان به کشف آن توفیق یافت و بعدها بتدریج کشاورزی منبع اصلی تأمین زندگی گروه‌های انسانی شد. اقتصاد مبتنی بر کشت و زرع به مردم روستایی امکان داد تا برای تولید محصول بیشتر بتوانند زمینهای بیشتری به زیرکشت برده و به ذخیره خوراک بپردازند.

ویژگی‌های سکونتگاه‌های روستایی بر حسب انواع مصالح مورد استفاده:

نخستین نشانه‌های خانه‌سازی در ایران متعلق به دوران ما قبل تاریخ و مربوط به انسان‌های غارنشین است. بنای خانه‌ها در آنزمان با استفاده از سستی بعضی طبقات در کوهپایه‌ها و دامنه‌ها و بدنه کوه‌ها به صورت پناهگاه و غار رواج یافته و در نواحی جنگلی و پردرخت از شاخ درختان در تعبیه سقف استفاده شده است. (ودیدی، کاظم، ۱۳۴۹، ص ۱۵۳). هر چند طبق نظر باستانشناسان مشخص نمودن تاریخ‌کندن و ساختن این غارها غیرممکن است اما بر اساس شواهد و قرائن می‌توان پذیرفت که تمدن مردم غارنشین اصولاً مقدم بر تمدن ساکن دشت شکل‌گرفت که روستاهای خود را از گل و سپس از گل و خشت می‌ساختند (همان منبع، ص ۱۵۴).

باستناد مطالعات باستانشناسی در پنجهزار سال قبل از میلاد با شروع دوره خشک، نخستین سکنه دشت‌ها، مساکن گلی خود را در پای تپه‌ها بنا کردند. گل رس و شاخ درخت از مصالح ساختمانی عمده این دوره بوده است. در هزاره چهارم چینه‌های گلی

جای خود را به خشت‌های کلوخه‌ای دادند و نخستین آجرهای ابتدائی مصرف گردید و سپس زیبا کردن خانه با گل آجری که در ایران زیاد است شروع شد. در همین زمان بکار بردن سنگ در پی بنا آغاز شد و وضعیت تازه ای در شکل و استحکام بنا پدید آورد.

انواع مساکن روستایی

در ایران به لحاظ تنوع مناطق و مصالح ساختمانی می توان از انواع مختلفی از مسکن به شرح زیر نام برد که در طول زمان و در مناطق مختلف بتدریج پدید آمده‌اند:

- پناهگاه‌های کپری از شاخ و برگ درختان
 - چادر
 - زاغه‌ها و جان پناهگاه‌های گلی (از گل رس و کاه)
 - خانه‌های حصیری (از نی و برگ نخل و نظایر آن)
 - خانه‌های چوبی مناطق جنگلی و نیمه جنگلی
 - خانه‌های خشتی و گلی
 - خانه‌های سنگی
 - خانه‌های خشتی و آجری
 - خانه‌های سنگی و آجری
 - خانه‌های جدید (از آجر و سنگ و چوب و آهن و سیمان) (همان منبع، ص ۱۵۷)
- در چهار دهه اخیر تحولات قابل توجهی در زمینه مصالح ساختمانی و نوسازی مساکن روستایی صورت گرفته است. مقایسه ارقام و داده‌های سرشماری ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵، می‌تواند این تحولات را به صورت بارزتری نشان دهد:

نکته ۴. مقایسه توزیع مساکن روستایی بر حسب انواع

مصالح ساختمانی در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵ *

سال ۱۳۷۵		نوع مصالح	سال ۱۳۴۵		نوع مصالح
تعداد	درصد		تعداد	درصد	
۵۵۲۳۲	۱/۴۳	بتون آرمه	۲۲۰۸	۰/۰۸	بتون آرمه
۴۹۹۶۶	۱/۲۹	اسکلت فلزی	۵۵۳۶	۰/۲۰	سنگ و آهن
۹۲۳۹۵۸	۲۳/۹۷	سنگ و چوب یا آجر و چوب	۳۶۰۰۱۰	۱۳/۳۳	سنگ و چوب
۹۸۷۶۳۷	۲۵/۶۲	آجر و آهن یا سنگ و آهن	۱۹۷۱۵	۰/۷۳	آجر و آهن

۹/۳۷	۳۶۱۱۲۲	بلوک سیمانی	۱/۵۱	۴۰۸۵۷	آجر و چوب
۰/۶۷	۲۶۰۰۹	تمام چوب	۱/۸۵	۵۰۱۲۰	چوب
۲/۹۰	۱۱۲۰۳۴	تمام آجر یا سنگ و آجر	۳۷/۷۵	۱۰۱۸۶۳۹	خشت و چوب
۲۲/۸۰	۸۷۹۱۹۰	خشت و چوب	۳۲/۸۵	۸۸۶۷۳۸	خشت و گل
۹/۲۳	۳۵۶۰۳۱	خشت و گل	۳/۳۳	۸۷۵۳۱	حصیر
۲/۷۲	۱۰۵۲۰۳	سایر و اظهار نشده	۸/۳۸	۲۲۶۲۳۷	سایر
%۱۰۰	۳۸۵۶۳۸۲	جمع	۱۰۰/۰۰	۲۵۹۷۸۹۱	جمع

* منبع سالنامه آماری مرکز آمار ایران

اطلاعات نگاره فوق را در دو دسته مجزا از هم در قالب نگاره ۵ می‌توان تفکیک نمود:
 الف - مساکن ساخته شده از مصالح سنتی شامل سنگ چوب، آجر و چوب، خشت و چوب، خشت و گل و حصیر.
 ب - مساکن ساخته شده از مصالح نوین شامل سنگ و آهن، آجر و آهن، بتون آرمه و بلوک سیمانی.

نگاره ۵. توزیع مساکن روستایی بر حسب مصالح سنتی و جدید در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵

نوع مصالح	سال ۱۳۴۵		سال ۱۳۷۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مصالح سنتی	۲۴۴۳۸۹۵	۹۰/۶۰	۲۲۹۷۲۲۲	۵۹/۵۷
مصالح نوین	۲۷۴۵۹	۱/۰۱	۱۴۵۳۹۵۷	۳۷/۷۰
سایر اظهار نشده	۲۲۶۲۳۷	۸/۳۹	۱۰۵۲۰۳	۲/۷۳
جمع	۲۶۹۷۵۹۱	۱۰۰/۰۰	۳۸۵۶۳۸۲	۱۰۰/۰۰

چنانکه از مقایسه نگاره فوق برمی‌آید، بیش از ۹۰ درصد از مساکن روستایی در سال ۱۳۴۵، از مصالح بسیار ضعیف و ناپایداری مثل چوب، خشت و چوب و خشت و گل و حصیر ایجاد شده بودند و مصالحی چون بتون آرمه، سنگ و آهن و آجر و آهن تنها در ۱/۰۱ درصد مساکن به‌کار می‌رفته است در حالیکه طبق ارقام سال ۱۳۷۵، مساکن ساخته شده از بتون آرمه، اسکلت فلزی، آجر و آهن یا سنگ و آهن و بلوک سیمانی نزدیک به ۳۸ درصد از مساکن روستاهای کشور را تشکیل می‌دهند و در مقابل مساکن ساخته شده از مصالح ضعیف سنتی به ۶۰ درصد تقلیل یافته است.
 از مواد ساختمانی بسیار رایج در روستاهای ایران گل و خشت است که در قلمرو جغرافیایی مناطق خشک و نیمه خشک از قدیم‌الایام مورد استفاده بوده است. فقدان چوب

و سنگ در نواحی کویری و نیمه‌کویری و وجود آفتاب سوزان و طولانی بودن فصل خشک و گرم موجب شده است که گل و خشت هر چه بیشتر در مسکن روستایی بکار گرفته شود. به لحاظ اقتصادی هم رواج مصرف خشت در روستاها قابل توجیه است و تنها در مناطقی که مردم از رفاه نسبی و رونق اقتصادی بیشتری برخوردار بوده‌اند، نه تنها در روستاها، بلکه در شهرک‌ها و شهرها نیز بدنه اصلی بناها را از خشت خام می‌ساختند و در نمای آن‌ها از آجر استفاده می‌کرده‌اند. در دهه‌های اخیر بتدریج آجر و بلوک سیمانی، و آهن در بناهای روستایی جایگزین خشت و گل شده است. در واقع می‌توان گفت که استفاده از مصالح بکار گرفته شده در خانه‌های سنتی روستایی در گذشته متناسب با شرایط اقلیمی هر منطقه بوده است به‌طوری‌که در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی که سنگهای کوهستان بر اثر فرسایش ترکیده و به‌صورت قطعات از هم جدا می‌شوند، روستاییان خانه‌های خود را به‌طور کامل و یا پایه‌ها، دیوارها و ستون‌های آن‌ها را از سنگ بنا می‌نمایند. در نواحی جنگلی یا نیمه جنگلی بویژه مناطق شمالی ایران بدلیل دسترسی به چوب جنگل‌ها و حاشیه جنگل‌ها، مسکن چوبی از قدیم‌الایام رواج داشته است و البته، با توجه به فراوانی مصالحی چون سیمان، آجر و آهن در دهه‌های اخیر بتدریج حتی در نواحی شمالی هم از مصرف چوب کاسته شده است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۴۵، قریب به ۷۰ درصد مسکن چوبی روستایی در استان‌های ساحلی شمالی ایران قرار داشته است. این درصد بر اساس سرشماری ۱۳۷۵ در همان استان‌ها به حدود ۶۲ درصد کاهش یافته است. مسکن چوبی علاوه بر اینکه از خطر زلزله بدور است و خطر ناشی از رطوبت را می‌کاهد اما در برابر حریق از ایمنی برخوردار نیست، ضمن آنکه به‌طور کلی عمر متوسط و استحکام آن از انواع دیگر کمتر است.

ویژگی‌های ساختمانی سکونتگاه‌های روستایی بر حسب اقلیم

در مجموع می‌توان چهار نوع معماری بومی برحسب چهار نوع اقلیم مختلف در مناطق مختلف ایران را به‌شرح زیر مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

الف - سکونتگاه‌های مناطق معتدل و مرطوب:

در این نواحی که سکونتگاه‌ها در نزدیکی ساحل دریا بنا شده‌اند در گذشته به‌منظور محافظت ساختمان از رطوبت که میزان آن بسیار بالاست، خانه‌ها را بر روی پایه‌های

چوبی بنا می‌کردند که در چند دهه اخیر مصالح دیگری چون بلوک سیمانی، سفال و آجر جای چوب را گرفته است. در این مناطق بدلیل میزان بالای بارندگی، بام مساکن شیب‌دار بوده و گرچه در گذشته غالباً در ایجاد آن از سفال و ساقه و برگ و شلتوک استفاده می‌شد اما امروزه مصالح دیگری چون شیروانی یا ایرانیت را مورد استفاده قرار می‌دهند.

بر اساس تحقیقاتی که توسط گروه محققان فرانسوی و ایرانی مشترکاً انجام گرفته است، مساکن روستایی در منطقه گیلان به چهار دسته تقسیم شده است:

۱- مساکن روستایی دشت ساحلی و دلتای سفیدرود در اطراف برنجزارها که خصوصیات عمده آن به شرح زیر است:

- مصالح ساختمانی عموماً گیاهی است و به علت رطوبت زیاد خانه‌ها در سطحی بالاتر از سطح زمین قرار دارد.

- محل سکونت در محوطه‌ای قرار گرفته که قسمت‌های دیگر خانه مانند باغچه سبزی‌کاری، بعضاً خزانه برنج در حیاط آن وجود دارد. در حیاط علاوه بر مسکن، ساختمان‌های جنبی دیگر مانند انبار برنج، تلمبار، طویله و غیره احداث شده است. کل محوطه را با پرچین‌هایی از نی و یا شاخ و برگ درختان محصور می‌کنند.

- بام خانه‌ها چهار شیبه بوده و بر روی ردیفی از ستون قرار دارد که از جلو مستقل به نظر می‌آید ولی در حقیقت به دیوار پشت خانه تکیه دارد.

- در جلوی خانه ایوانی وجود دارد که با نرده‌های چوبی و برای ورود به اطاقها باید از آن عبور کرد.

نظیر همین ایوان همیشه در طبقه فوقانی نیز که اغلب در قسمت چپ ساختمان و در امتداد دیوار جنبی قرار دارد، به چشم می‌خورد و تالار نامیده می‌شود.

۲- در کوه پایه‌های دشت گیلان مسکن حالت مجتمع دارد.

ویژگی‌هایی که خانه‌های دشت را با خانه‌های کوهپایه‌ها شبیه نموده است عبارتند از:

- محوطه و حیاط محصورند

- مصالح ساختمانی بیشتر گیاهی است

اما ویژگی‌هایی نیز در این مساکن نوع دوم وجود دارد که آن‌ها را از نوع اول متمایز

می‌سازد و بقرار زیرند:

- وجود پرچین‌هایی از چوب‌های بلند و شاخ و برگ درختان که به ستون‌هایی بسته شده است.
- ارتفاع ساختمان‌ها از سطح زمین کمتر از ساختمان‌های دشت است.
- دیوارها در تحمل سنگینی بام نقش بیشتری دارند
- در وضع توزیعی قسمت‌های مسکونی خانه و ضمائم آن نیز تفاوت‌های محسوسی دیده می‌شود.
- قسمتی از ایوان بسته است و تالار کمتر به چشم می‌خورد.
- در جاهائی که کشت گندم رایج است مانند رستم آباد، نومندان و... یک ساختمان مخصوص برای تنور نان‌پزی وجود دارد.
- ۳- در قسمت پست جنگلی، قرارگاه زمستانی دامداران، انواع مختلف ساختمان برای نگهداری احشام دیده می‌شود. در فصل زمستان چوپانان با خانواده‌های خود در این ساختمان‌ها و صاحبان گله‌ها در دهکده‌های واقع در کوه پایه‌ها زندگی می‌کنند. در این قرارگاه‌های زمستانی که چند کیلومتر بالاتر از دهات قرار دارند می‌توان خانه‌هایی را مشاهده نمود که طبقه فوقانی آن‌ها مخصوص حیوانات است و چوپانان در طبقه همکف به‌سر می‌برند. این ساختمان‌ها در غرب سفیدرود «وانه» و یا «وونه» و در شرق آن «کولم» نامیده می‌شود. این نوع مساکن که در تمام منطقه طالش جنوبی به چشم می‌خورد دارای ویژگی‌های زیر است:
- کلاً از چوب ساخته شده‌اند.
- دیوارها از تنه درختان که بر روی هم سوار شده تشکیل شده‌اند.
- بام‌ها دو شیبه است و با تخته پوشانده شده‌اند.
- یک سطح شیب‌دار که از تنه درختان درست شده است به حیوانات امکان بالا رفتن به طبقه فوقانی را می‌دهد و بعضاً از شیب زمین نیز استفاده می‌شود.
- ۴- مساکن بیلاقی (مراتع) بسیار گونه‌گون‌اند و بخصوص در منطقه طالش می‌توان انواع زیر را در کنار هم مشاهده کرد:
- کلبه‌هایی با دیوارهای تخته‌ای
- کومه‌هایی بشکل کلبه که دیوارهایش از شاخ و برگ درختان است و سقف شان پوششی از شاخ و برگ، پارچه نایلونی و چادری که بر روی تیرهای شیب دار سقف قرار گرفته و به تیر انتهائی سقف متصل شده است.

- کومه‌هایی به شکل نیم دایره و یا نیمه استوانه که با چادری از موی بز پوشیده شده‌اند.

۵- بتدریج که از محدوده‌های مناطق مرطوب دور شده و به مناطق خشک نزدیک می‌شویم، مساکن به صورت متراکم در مراکز روستایی جمع شده و حیاطی محصور آن‌ها را از کوچه جدا می‌کند. این مساکن شبیه سایر مساکن فلات ایران است و از ویژگیهای زیر برخوردارند:

- پی‌های سنگی و دیوارهایی از خشت خام.

- بام مسطح و مجموعه ساختمان پوشیده از کاهگل است.

- ضمام خانه از قبیل محل تنور نان‌پزی که به عنوان آشپزخانه نیز بکار می‌رود، طویله و انبار در اطراف حیاط قرار گرفته و اطاق‌های بسته مخصوص مهمان در طبقه فوقانی و اطاق خواب بر روی پشت بام است.

جالب‌ترین نمونه ناحیه واسطه ای در دیلمان و دهکده‌های اطراف آن یافت می‌شود. در این نقاط انواع مختلف معماری روستایی و ترکیب ساختمانی در کنار هم قرار گرفته که عبارتند از خانه‌هایی با بام مسطح و دیوارهایی از خشت خام و بام چهارشیب پوشیده از تخته، محوطه محصور و پرچین (مارسل بازن، کریستیان برمبرژه، ۱۳۶۵، ص ۸۰).

ب - سکونتگاه‌های مناطق گرم و خشک:

عمده مصالح بکار رفته در سکونتگاه‌های روستایی این مناطق، خشت و گل است که بتدریج این مواد جای خود را به آجر و سیمان و آهن می‌دهند. ساختمان‌ها تا حد امکان متراکم و فشرده بوده و کوشش گردیده است تا آنجا که ممکن است سطح خارجی ساختمان به نسبت حجم آن کم باشد. چنین وضعیتی میزان تبادل حرارت از طریق جداره‌های خارجی ساختمان را چه در تابستان و چه در زمستان به حداقل رسانده و در نتیجه از نفوذ حرارت بداخل ساختمان در تابستان و اتلاف آن در زمستان به‌طور قابل ملاحظه‌ای جلوگیری می‌کند.

در غالب نواحی مناطق گرم و خشک بویژه در حواشی مناطق کویری و نیمه کویری سقف مساکن به صورت گنبدی، استوانه‌ای، طاق ضربی از خشت خام ساخته شده و در برخی مناطق نیمه بیابانی و مناطقی که دسترسی به چوب هست، بام‌ها با استفاده از چوب بشکل مسطح ساخته شده‌اند.

از ویژگی‌های دیگر مساکن روستایی در اینگونه مناطق، آن است که تعداد و مساحت پنجره ساختمان‌ها در اینگونه مناطق به حداقل ممکن کاهش یافته و به‌منظور جلوگیری از نفوذ اشعه منعکس شده از سطح زمین، پنجره‌ها در قسمت‌های فوقانی دیوارها نصب شده‌اند. (عزیزی، ۱۳۷۵، ص ۲۳)

یکی از تدابیری که برای خنک نمودن هوای داخل مساکن در این مناطق از قدیم‌الایام معمول بوده است، ایجاد بادگیر در پشت بام‌ها است که با کمک آن و به‌صورت کاملاً طبیعی مردم این مناطق از گرمای سوزان مناطق کویری در امان می‌مانند.

این بادگیرها بشکلی تعبیه گردیده اند تا از هر طرفی باد بوزد و زش خنک شدن آن از طریق راه هواکش مستقیماً به سردابه زیرزمین و یا اطاق نشیمن منتهی می‌شود. طرز کار آن به این صورت است که هوای گرم که در روی هوای سرد قرار می‌گیرد از طریق دریچه هواکش صعود می‌نماید و متقابلاً از طرف دیگر آن هوای نسبتاً خنک و سنگینی بطرف لوله هواکش کشیده شده و بطرف محل نشیمن نزول نموده و به کف مکان مورد نظر وارد می‌شود که این عمل باعث تهویه هوا می‌گردد (صافی نژاد، ۱۳۶۶، ص ۲۳۳-۲۳۴).

تقریباً در تمام روستاهای اطراف کویر روستاییان خانه‌های خود را از گل و خشت خام می‌سازند و دیوارهای آنرا تا حدود یک متر عرض قطور می‌نمایند تا از نفوذ گرما در تابستان و سرما در زمستان بداخل ساختمان جلوگیری شود. سقف‌ها را نیز گنبدی می‌سازند تا گرما بر سطح بیشتری پراکنده شود و به‌طور نسبی درون ساختمان خنک‌تر باشد.

پ - سکونتگاه‌های مناطق سرد:

در سکونتگاه‌های مناطق سرد، اصولی که به‌منظور جلوگیری از اتلاف گرمای ساختمان بکار رفته است، مشابه اصولی است که در معماری مناطق گرم و خشک مورد توجه بوده است، با این تفاوت که در مناطق سرد منبع ایجاد حرارت در داخل ساختمان قرار دارد و کوشش شده است تا آنجا که ممکن است به‌صورت طبیعی و با استفاده از گرمای ناشی از افراد، گرمای ناشی از پخت و پز یا حتی گرمای ناشی از حیوانات ساختمان را گرم نمایند. اصول عمده‌ای که در این نوع معماری بکار رفته است باختصار بقرار زیر است:

- استفاده از مصالحی که دارای ظرفیت و عایق حرارتی خوب هستند.

- ایجاد بام‌های مسطح و نگاهداری برف بر روی بام‌ها به‌عنوان عایق حرارتی

- به منظور استفاده از انرژی حرارتی تابش آفتاب پوشش سطوح خارجی تیره رنگ انتخاب گردیده و ابعاد پنجره‌ها نیز در مقایسه با مناطق گرم و خشک افزایش می‌یابد (عزیزی، ۱۳۷۵، ص ۲۸).

ت - سکونتگاه‌های مناطق گرم و مرطوب :

ویژگی‌های این نوع سکونتگاه‌ها را می‌توان بقرار زیر برشمرد:

- ایجاد ایوان‌های عریض و سرپوشیده‌ای که هم از نفوذ باران بداخل جلوگیری نماید و هم سایه‌ای کامل بر روی دیوار اطاقها بیندازد.

- در نقاط نزدیک به دریا، به منظور استفاده از نسیم‌های خنک دریا بادگیرهای بزرگ مورد استفاده قرار گرفته و اکثر ساختمان‌های این نقاط دارای بادگیر هستند اما در مناطق دور از دریا که کمتر تحت تأثیر نسیم دریا قرار دارند بادگیرها بسیار کوچک و کوتاه بوده و در بسیاری از نقاط نیز از ساختمان حذف شده‌اند.

- در این مناطق بدلیل گرمی و رطوبت زیاد هوا، میزان تهویه طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار نبوده و بهمین دلیل پیش‌بینی‌های لازم در مورد ایجاد کوران در داخل ساختمان به عمل نیامده است (همان منبع، ص ۳۰).

در نگاره زیر می‌توان اصول رعایت شده در معماری بومی مناطق اقلیمی چهارگانه ایران را مشاهده نمود:

نگاره ۶. اصول رعایت شده در معماری بومی مناطق اقلیمی چهارگانه ایران

نوع اقلیم	نوع مصالح	نوع بافت	نوع بام	نحوه ارتباط ساختمان با زمین	سطح و تعداد پنجره	میزان استفاده از تهویه هوا	جهت استقرار در رابطه با تابش آفتاب	نوع رنگ خارجی
گرم و خشک	ظرفیت حرارتی زیاد	متراکم	طاق گنبدی	روی زمین	کم	کم	جنوب تا جنوب شرقی	روشن
سرد	ظرفیت و مقاومت حرارتی زیاد	متراکم	مسطح	روی زمین	کم	کم	جنوب شرقی تا جنوب غربی	تیره
معتدل	ظرفیت حرارتی کم	پراکنده	شیبدار	روی پایه‌های چوبی یا کرسی چین	زیاد	زیاد	شرق تا غرب	آزاد

				بنائی				
گرم و مرطوب	ظرفیت حرارتی کم	پراکنده	مسطح	روی زمین	متوسط	کم	جنوب تا جنوب شرقی	روشن

تیپولوژی خانه‌های روستایی با توجه به اقلیم ص ۳۳

مورفولوژی یا بررسی شکل خارجی روستاها:

گونه‌گونی اقلیم و تنوع مناطق جغرافیائی در ایران موجب شده است تا ما با اشکال مختلفی از مورفولوژی جامعه روستایی سروکار داشته باشیم.

در حقیقت موضوع مورفولوژی یا ریخت‌شناسی روستایی مطالعه در شکل خارجی جامعه است و بر دو جنبه استوار است:

۱- چگونگی استقرار انسان بر سطح زمین و در نتیجه رابطه زندگی اجتماعی با محیط طبیعی.

۲- موضوع جمعیت، پراکندگی و تجمع جمعیت و علل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی آن.

مطالعه در باب جمعیت و مسائل مربوط به آن در فصل پیشین مورد بررسی قرار گرفت و ما در اینجا به بحث درباره تنوع روستاها با تأکید بر جنبه نخست می‌پردازیم:

به‌طور کلی می‌توان با توجه به طرز قرار گرفتن مساکن روستایی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از سوئی و با کشتزارها از سوئی دیگر روستاها را به سه دسته تقسیم نمود:

الف - روستاهای دارای سکونتگاه‌های متراکم

ب - روستاهای دارای سکونتگاه‌های پراکنده

پ - روستاهای بینابین

الف - روستاهای دارای سکونتگاه‌های متراکم

در ایران غلبه با روستاهای نوع اول است عوامل و شرایط مختلفی باعث گردیده‌اند که مساکن روستایی غالباً به‌صورت فشرده در کنار یکدیگر بنا شوند. در ارتباط با عوامل و شرایط در جای خود سخن خواهیم گفت.

روستاهای دارای سکونتگاه‌های متراکم خود انواعی دارد که رایج‌ترین و شایع‌ترین آن‌ها عبارتند از روستاهای قلعه‌ای شکل، روستا با نظمی فشرده و توده‌وار، روستاهای طولی یا خطی و روستاهای چهارراهی که به ترتیب هر یک از این انواع را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

۱- روستاهای قلعه‌ای شکل:

در گذشته یکی از رایج‌ترین اشکال دهات در ایران دهات قلعه‌ای شکل بوده است در این سکونتگاه‌ها خانه‌های روستاییان بوسیله دیوارهای ضخیم و غالباً چهار برج محصور می‌شد و در بزرگی قلعه را با محیط پیرامون و مزارع و باغهای آن مرتبط می‌نمود.

گو اینکه برخی از جغرفیدانان و جامعه شناسان وجود روستاهای قلعه ای شکل را تنها به‌عنوان نوعی معماری مورد نظر قرار داده اند ولی واقع آنست که نبود امنیت در مناطق مرکزی، شرقی و بویژه شمال شرق ایران در طول حداقل یک دوره تقریباً هزار ساله (از قرن چهارم تا اوائل قرن چهاردهم هجری) یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری چنین سکونتگاه‌های روستایی در فلات ایران است. زیرا در اکثر مناطق این دهات در نقاطی به‌وجود آمده‌اند که یا محل عبور و مرور سپاهیان و یا نزدیک به راه‌های اصلی حد فاصل بین شهرهای بزرگ بوده‌اند. ذکر این نکته نیز ضروری است که در ایران روستاهای قلعه‌ای شکل به دو صورت متفاوت بنا می‌گردید:

گونه اول قلعه‌هایی بودند با باروهای بلند و برج‌های متعدد محصور شده که خانه‌های روستاییان در آن‌ها به‌صورت بلوک‌هایی که بوسیله کوچه‌هایی از هم جدا می‌شوند قرار دارند. به‌عبارت دیگر قلعه به‌صورت یک ده کامل با تمام اجزاء، زوایا و محله‌ها و اماکنش محصور در برج و بارو است و فشردگی و نزدیکی خانه‌های روستایی چنان است که غالباً می‌توان به آسانی از طریق بامها از ابتدای قلعه به انتهای آن راه یافت. در این قلعه‌ها نظم سنتی روستاهای مجتمع معمولی یعنی طرز استقرار خانه‌ها و اماکنی مانند مسجد، تکیه یا دکان در میدان عمومی ده در درون قلعه‌ها نیز به چشم می‌خورد. در قلعه حتی گاهی می‌توان رابطه‌ای بین نحوه استقرار خانه‌ها و محلات با قشرهای اجتماعی ساکن روستا را نیز تشخیص داد بدین معنی که همانند غالب روستاهای مجتمع، هر چه از مراکز ده به حوال و حوش قلعه نزدیک می‌شویم خانه‌ها فقیرانه‌تر و محقرتر می‌شود تا بدانجا که حاشیه ده و خانه‌های مجاور دیوارهای قلعه سکونتگاه کشاورزان فقیر و خوش‌نشینان بی‌چیز است.

گونه دوم دهات قلعه‌ای که بی‌شباهت به کاروانسراهای قدیمی نیست، سکونتگاه‌های محصور است که با قلعه‌های نوع اول تفاوت دارند. بدین‌صورت که بر گرد حیاط مرکزی وسیعی اطاقهایی تعبیه گردیده که هر کدام از آن‌ها بوسیله در کوچکی که تنها

روزنه اطاق محسوب می‌شود با حیاط مرکزی ارتباط می‌یابد. هر اطاق محل سکونت یک خانوار روستایی است و حیاط مرکزی محل چاه آب، اصطبل و سایر امکاناتی است که همه روستاییان از آن استفاده می‌کنند. این قلعه‌ها با دو ویژگی از دهات قلعه‌ای شکل نوع اول متمایز می‌شوند. اول آنکه در مقایسه با سایر دهات، تعداد کمتری سکونتگاه را در خود جای می‌دهند. ثانیاً فاقد برخی از اجزاء و اماکن عمومی موجود در دهات هستند علاوه بر این در مقایسه با قلعه‌های نوع اول، دیوارهای این قلعه‌ها استحکام و قطر آن قلعه‌ها را ندارند به همین دلیل برخی از محققان با دیدن نوع اخیر به حکم کلی پرداخته و با توجه به مقاوم نبودن چنین برج و باروهائی، قلعه‌سازی در ایران را شیوه‌ای معماری قلمداد نموده که ضرورتاً ارتباطی با شرایط طبیعی و یا ناامنی نداشته است اما در نهایت باید گفت که وجود چنین قلعه‌هائی یادآور دورانی از نظام شبه فئودالی است که بزرگ مالکان به‌منظور به زیرکشت درآوردن اراضی جدید، احداث مزرعه و سکنی دادن روستاییان مهاجر و نیز برای کنترل بهتر و اشراف بر آنان در نقطه‌ای واحد، از این شکل سکونتگاه‌ها استفاده می‌کردند و نظر باینکه احداث این قلعه‌های بسیار ساده در سالهای نه چندان دور و فارغ از هجوم بیابانگردان و مهاجمین انجام گرفته است، استفاده از مصالح مقاوم ساختمانی و دیوارهای قطور قابل دفاع لزومی نداشته است. در حقیقت شاید برخلاف کسانی که شیوه قلعه‌سازی در مناطق روستایی ایران را بدون توجه به تنوع آن نوعی معماری می‌دانند، گونه اخیر را می‌توان علاوه بر کارکرد حفاظتی و کنترل آن، اقتباسی از نوع اول دانست. از هر دو نوع روستاهای قلعه‌ای شکل امروزه در فلات ایران بقایائی بجای مانده است غالباً این قبیل دهات بدلیل کثرت جمعیت و نیز برقراری امنیت نسبی بویژه بعثت یکجانشین شدن عشایر و اضمحلال نظام ایلی به خارج از بافت سنتی و به بیرون از دیوارهای قلعه کشیده شده و برج و باروها نیز بتدریج کارکرد خود را از دست داده و ویران شده‌اند.

۲- روستا با نظمی فشرده و توده‌وار:

دهات با مساکن نامنظم و فشرده که مساکن به‌صورت توده وار بیکدیگر پیوسته‌اند، شکل غالب سکونتگاه‌های روستایی در ایران را تشکیل می‌دهند. در این قبیل مساکن، بلوک‌ها و محلات ده بوسیله کوچه‌های باریک و پرپیچ و خمی از یکدیگر جدا شده و کوچه‌ها غالباً به میدان مرکزی منتهی می‌شوند مراکز و تأسیسات عمومی نظیر دکان‌ها،

مسجد، مدرسه یا محل شرکت تعاونی در این میدان قرار دارند. گاه فشردگی خانه ها به صورتی است که کلیه خانه‌های ده از طریق بام به یکدیگر متصل‌اند.

در مناطق کوهستانی خانه‌های روستائیان برخی در زوایه میان دو کوه و بعضی در دامنه پرشیب آن بدنبال هم بنا شده‌اند، آن‌چنانکه پشت بام یک خانه در امتداد کف حیاط خانه بالاتر قرار می‌گیرد. این نوع روستاها از دور شکل یک بنای چند طبقه را به نظر می‌آورد، کوچه‌ها دارای شیب تند و گذرگاه‌ها شکل پلکان را به خود می‌گیرند نظیر: ماسوله در فومن، جمی در بجنورد، کندوان در اسکو، ایبانه در کاشان و اورازان در طالقان. در این قبیل روستاها با افزایش جمعیت و احداث خانه‌های جدید، اندک‌اندک ده بسوی پائین و بطرف دامنه کوه و دره گسترش می‌یابد. (نیک خلق، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

در مناطق جلگه‌ای، روستاهای با مساکن متراکم گاه در طول و نزدیک جاده و یا به موازات رودخانه ساخته شده‌اند که در اینصورت تحت عناوین روستاهای خطی یا کوچه‌ای از آن‌ها نام می‌برند. عامل وجودی روستاهای خطی را می‌توان رودخانه و بویژه در مناطق دره‌ای تلقی نمود و عامل وجودی روستاهای کوچه‌ای جاده‌ای است که از کنار ده عبور می‌نماید. بدینصورت که خانه‌های روستایی بموازات جاده در کنار هم صف کشیده و مزارع در مقابل و یا در پشت جاده‌ها قرار می‌گیرند. در روستاهایی که محور گسترش و طولی بودن آن رودخانه است خانه‌های روستایی غالباً در دره و بموازات مسیر آب ایجاد شده و در برخی نواحی به‌منظور دسترسی آسانتر به آب، ده به‌صورت پلکانی در می‌آیند.

از توسعه روستاهای کوچه‌ای و تقاطع راه‌هایی که از درون دهات عبور می‌کنند روستاهایی پدید می‌آیند که می‌توان آن‌ها را روستاهای چهارراهی و یا ستاره‌ای شکل نامید. این گونه دهات که بیشتر در کشورهای اروپایی یافت می‌شوند غالباً دارای کارکردی تجاری‌اند و به‌عنوان مراکز تجاری و داد و ستد روستاهای اطراف در می‌آیند.

ب- روستاهای دارای سکونتگاه‌های پراکنده:

دهات با مساکن پراکنده، شامل مجموعه‌ای از مزارع مستقل بسته می‌گردد که خانواده‌های کشاورز در مزرعه‌های خود بفاصله یک یا چند کیلومتر دور از هم سکونت دارند. در چنین سکونتگاه‌هایی که بکلی با روستاهای متمرکز موجود در ایران متفاوتند، ساختمان‌ها، تجهیزات و امکانات دیگر مورد استفاده خانواده دهقان، از قبیل اصطبل،

انبار، ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی در درون مزرعه و در مجاورت خانه مسکونی وی قرار دارد.

مزرعه‌داران در این نوع روستاها، خدمات، امکانات و مجموع اقلام مصرفی مورد نیاز خود را از مرکز تجاری، اداری تحت عنوان دهکده یا شهرک که در میان مزارع قرار گرفته است تأمین می‌نمایند. بنابراین این مزارع در حقیقت واحدهای اقتصادی - اجتماعی را تشکیل می‌دهند که افراد خانواده در آن‌ها زندگی می‌کنند و به کار تولیدات دامی و کشاورزی می‌پردازند. در ایالات متحده آمریکا و در بسیاری از نقاط اروپا می‌توان چنین واحدهای مستقلی را مشاهده نمود. در حقیقت در نقاط روستایی این کشورها، دهکده و شهرک به‌عنوان مراکز خدمات و محل سکونای کسانی است که خدمات مورد نیاز را به مزرعه داران مستقل ارائه می‌کنند و مزارع نیز محل سکونت کشاورزان و تولید کشاورزی است. در چنین وضعیتی ده به مفهومی که در ایران از آن استنباط می‌شود وجود ندارد.

پ - روستاهای دارای سکونتگاه‌های نیمه پراکنده :

علاوه بر دو نوع الف و ب که از آن‌ها سخن رفت از مناطقی نیز می‌توان نام برد که سکونتگاه‌ها در وضعیتی بین پراکنده و مجتمع دارند. در چنین حالتی مزارع به‌صورت باز همانند مناطق جلگه‌ای بوده و مساکن هر یک با قرار گرفتن درون حیات نسبتاً وسیعی در محدوده‌ای به‌صورت نه چندان پراکنده در کنار هم قرار گرفته‌اند به‌صورتی که فشردگی مساکن مناطق مرکزی و نیمه کویری در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. این وضعیت را در مناطق گیلان و مازندران می‌توان مشاهده نمود. علاوه بر این جغرافی‌دانان از روستاهائی تحت عنوان روستاهای شطرنجی که در آن‌ها خانه‌ها در ارتباط با شبکه‌ای از راه‌های منظم بر روی تار و پودی شطرنجی شکل کنار هم قرار گرفته‌اند و روستاهای مدور و سحابی که شکل بنیابین از تجمع و تفرق دارند، نام برده‌اند.

عوامل تأثیرگذار بر الگوهای مختلف سکونتگاه‌های روستایی در ایران

مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی و طبیعی را می‌توان بر تمرکز و تفرق سکونتگاه‌های روستایی مؤثر دانست که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- نبود امنیت، کمبود یا فراوانی آب
- نوع بهره‌برداری و نظام نسق‌بندی

- نوع معیشت و اقلیم

۱- آب را شاید بتوان مهمترین عاملی تلقی نمود که موجب تمرکز یا تفرق سکونتگاه‌های روستایی در ایران شده است. در مناطق کم باران و نیمه خشک که بخش بزرگی از فلات ایران را دربرمی‌گیرد، از قدیم‌الایام منابع آب منحصر به قنات‌ها، چشمه‌ها و یا چاه‌هایی بوده است که ساکنان روستاها با مشقت و زحمت فراوان از آن‌ها بهره‌برداری می‌نمودند.

بنابراین در چنین وضعیتی واضح است که روستاییان به منظور دسترسی آسان به آب مجبور بوده‌اند که سکونتگاه‌های خود را چه در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای و چه در مناطق دشتی نزدیک به یکدیگر و به صورت فشرده بنا نمایند. وجود نزدیک به ۳۰۰۰۰ قنات در پیش از اجرای اصلاحات ارضی نشان‌دهنده فراوانی روستاها متمرکز در ایران است. برعکس در مناطقی مانند سواحل دریای مازندران که میزان بارندگی بالاست و رودخانه‌های کوچک و بزرگ وجود دارد، عدم نیاز به قنات و یا چشمه‌های منحصر بفرد موجب پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی و ایجاد مزارع مستقل گردیده است. در این مناطق نه تنها وجود منابع فراوان آب باعث گردیده است که سکونتگاه‌ها به صورت پراکنده در آیند بلکه فراوانی آب در شکل‌گیری بهره‌برداری مستقل خانوادگی و اجاره‌داری تعیین‌کننده بوده است.

۲- عامل بعدی مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌های متمرکز در ایران نبود امنیت در طول تاریخ است. نبود امنیت در جامعه ایران را عموماً و در جامعه روستایی خصوصاً می‌توان به دو عامل خارجی و داخلی فلات ایران مرتبط دانست:

عامل خارجی مربوط است به تهاجمات اقوام کوچ‌نشین که به مدت نزدیک به ۱۰ قرن مرزهای ما را مورد هجوم قرار داده و در نتیجه امنیت مردم روستایی ساکن در مسیر آن‌ها را به خطر می‌انداخته است و عامل داخلی مربوط است به نزاع‌ها و برخوردهای بین روستاییان و عشایر داخلی در زمان کوچ از بیلاق به قشلاق و بالعکس. غالباً عشایر داخلی در فصل بهار برای رسیدن به مراتع بیلاقی و در پائیز برای بازگشت به مناطق دشتی، از کنار و یا از درون اراضی روستاییان عبور می‌نمودند، به مزارع آنان خسارت وارد می‌کردند و در غالب موارد بدنبال درگیری که بین آن‌ها به وجود می‌آمد، عشایر بر آن‌ها چیره می‌شدند و احشام و اموال آن‌ها را به یغما می‌بردند.

بنابراین، فقدان امنیت موجب گردیده است که در مناطق دشتی و حواشی کویر مسکن روستایی یا به صورت قلعه‌ای ساخته شوند و یا بگونه‌ای بسیار فشرده در کنار هم قرار گیرند.

هم‌چنانکه اشاره شد، در ایران بویژه از قرون چهارم و پنجم هجری که سلسله‌های ترک نژاد قدرت سیاسی را قبضه کردند و بیابانگردان شمالی رفته رفته با یکجانشینان همسایه شدند، احداث قلعه، به‌عنوان وسیله دفاعی مطمئنی رایج گردید. مثلاً در مناطقی نظیر خراسان که خطر هجوم از بکها پیوسته وجود داشت، قلعه سازی رواج فراوان داشته است.

۳- نوع بهره‌برداری و نظام نسق‌بندی نیز یکی دیگر از عواملی است که در تجمع و تفرق مسکن نقش دارند. در مناطقی که کشت و کار دسته‌جمعی به گونه بینه یا صحرا رواج داشته است روستاییان شدیداً متمایل به این بوده‌اند که به صورت فشرده در کنار یکدیگر مسکن خود را بنا کنند زیرا در این نوع شیوه بهره‌برداری گروهی، بر اساس نظم و ترتیب یا نسق موجود رسم چنان بوده است که هر یک از کشاورزان از انواع زمینهای مرغوب و نامرغوب به‌طور منصفانه برخوردار شوند و چون برخورداری از انواع زمین‌های موجود ده بر اساس قرعه‌کشی (پشک) بوده است، هیچ دهقانی قادر نبوده است که مسکن خود را در کنار مزرعه خود یعنی آنگونه که در روستاهای با مسکن پراکنده معمول است، بنا کند و لذا روستاییان بخشی از محدوده ده را به سکونتگاه و بخش دیگر را به مزارع و باغات اختصاص می‌داده‌اند بنابراین در چنین وضعیتی همه مسکن ده غالباً در نقطه‌ای مرتفع و به صورت فشرده در کنار یکدیگر بنا می‌شدند و فاصله همه روستاییان کشاورز تا محل کشت و کار خود تقریباً یکسان می‌شد.

۴- نوع معیشت و اقلیم: علاوه بر عوامل فوق‌الذکر، ریخت سکونتگاه‌های روستایی اعم از مسکن پراکنده یا مجتمع تحت‌تأثیر ویژگیهای مختلف تولیدی و معیشتی هر منطقه نیز قرار می‌گیرد و به سخن دیگر به لحاظ معماری مسکن، تحت‌تأثیر طبیعت پیرامون می‌باشند، بنابراین صرفنظر از اینکه مسکن چند نقشی روستا بدلیل ضعف تکنولوژی، الزاماً از محیط پیرامون خود تبعیت می‌نمایند، بر اساس نوع معیشت غالباً در هر منطقه به شکل و اندازه و نوع خاصی در می‌آیند به‌صورتیکه خانه‌هایی که در دشت بر مبنای تولید غلات بنا می‌شوند با خانه‌های دامنه سلسله جبال البرز و یا با مسکنی که در غرب کشور بر مبنای اقتصاد دامداری ایجاد می‌شوند، کاملاً تفاوت دارند و یا به لحاظ اقلیمی

مساکن روستاهای منطقه ورامین که تا چند سال اخیر از گل و خشت که تنها مصالح موجود در منطقه بود استفاده می نمودند، با روستاهای منطقه لواسانات در دامنه جنوبی البرز که در عین حال در فاصله نه چندان زیادی از دشت ورامین واقع شده است، هیچ شباهتی ندارند. در دشت ورامین خانه‌های روستایی تا دو دهه پیش هم‌چنانکه اشاره شد از گل و خشت و غالباً به صورت گنبدی بنا می شد زیرا در آن دشت حاشیه کویر چیزی جز گل در دسترس مردم آن نواحی نبود ولی در مساکن روستایی لواسانات در دامنه جنوبی البرز بدلیل در اختیار داشتن سنگ و چوب غالباً از این دو نوع استفاده می شد و سقف خانه‌ها نیز با توجه به وجود چوب در منطقه، به صورت مسطح ساخته می شد.

در یک جمع‌بندی می توان گفت که هر یک از عوامل مورد بحث اعم از آب، امنیت، نوع بهره‌برداری، معیشت و اقلیم، در ایجاد و تنوع سکونتگاههای روستایی مؤثرند ولی در ایران در غالب موارد می توان کم‌آبی، و نبود امنیت را به عنوان عوامل اصلی و دیگر عوامل را تابعی از آنها تلقی نمود. اما در دهه‌های اخیر با توجه به اینکه مشکل ناامنی ناشی از تهاجمات عشایر خارجی و داخلی به طور کامل مرتفع شده و مشکلات مربوط به کم آبی بدلیل احداث چاه‌های عمیق و نیمه عمیق تا حدود زیادی کاهش یافته و نیز پس از اصلاحات ارضی نظام نسق‌بندی و نظام ارباب و رعیتی بکلی از هم پاشیده است، گرایش شدیدی در بین کشاورزان به ایجاد سکونتگاههای پراکنده مشاهده می گردد و این گرایش بویژه در مناطقی که کشاورزان با همیاری یکدیگر و کمک مروجین کشاورزی به یکپارچه کردن اراضی متفرق خود دست زده‌اند شدیدتر است.

در مناطقی همانند منطقه سربند اراک که مورد مطالعه بخش تحقیقات روستایی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی قرار گرفته است بویژه در محدوده‌هایی که روستاییان با کمبود آب مواجه نیستند، ایجاد مزارع مستقل و سکونتگاه‌های پراکنده بگونه فزاینده‌ای در حال شکل‌گیری است (ن - ک: وثوقی، نبی‌زاده، ص ۲۰۸).

منابع و مأخذ فصل سوم

- ۱- اکارت اهلرس، ایران: شهر - روستا - عشایر (مجموعه مقالات) ترجمه عباس سعیدی، نشر منشی، تهران، ۱۳۸۰
- ۲- بازن، مارسل، برمبرژه کریستیان، گیلان و آذربایجان شرقی با همکاری اصغر عسگری خانقاه و اصغر کریمی، ترجمه مظفر امین فرشچیان، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۵.
- ۳- چیتامبار، جی.بی. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا، احمد حجاران، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳
- ۴- زرفروشان، احد، تیپ‌شناسی روستایی، انتشارات نوبل تبریز، ۱۳۵۴
- ۵- سالنامه آماری سال ۱۳۷۸
- ۶- صفی‌نژاد، جواد، مبانی جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۷- عزیزی، سوزان، تیپولوژی خانه‌های روستایی با توجه به اقلیم گزارش تحقیقاتی چاپ نشده، برگرفته شده از جمشید ریاضی «اقلیم و آسایش در ساختمان» و «محمود توسلی»، معماری اقلیم گرم و خشک، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن اسفند ۱۳۷۵.
- ۸- علی الحسابی، مهران، الگوی مسکن روستایی. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی معاونت عمران روستایی دفتر اول و دوم، تهران، ۱۳۷۲
- ۹- ودیعی، کاظم، مقدمه به جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹
- ۱۰- جامعه‌شناسی روستایی، نیک خلق علی‌اکبر، انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۱- وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۲- وثوقی، منصور، نبی‌زاده محمود و دیگران. مشکلات اقتصادی - اجتماعی ناشی از پراکندگی زمین در واحد زراعی سنتی در سرزند اراک، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

**فصل چهارم :
قشر بندی اجتماعی و
تحولات آن در جامعه
روستایی**

فصل چهارم قشربندی اجتماعی و تحولات آن در جامعه روستایی

مقدمه:

مفهوم قشر و قشربندی از زمین‌شناسی گرفته شده است و بمعنای وجود طبقات و یا لایه‌های مختلف فوقانی و تحتانی زمین است. در جامعه‌شناسی نیز این اصطلاح به‌منظور بحث درباره لایه‌بندی افراد جامعه به‌کار می‌رود. طبقه‌بندی یا لایه‌بندی افراد جامعه معمولاً بر اساس ملاک‌هایی از قبیل ثروت، شغل، میزان تحصیلات و اعتبار خانوادگی و منزلت اجتماعی صورت می‌گیرد.

مفهوم قشربندی با مفاهیم دیگری در ارتباط است که ابتدا می‌بایستی به‌شرح آن‌ها بپردازیم:

۱- نقش اجتماعی:

نقش اجتماعی به معنای فعالیت‌هایی است که شخص در جامعه بر عهده دارد. می‌توان نقش اجتماعی را به معنای انتظاراتی تلقی نمود که شخص دارای موقعیت اجتماعی بایستی آنرا برآورده سازد. چون افراد در جامعه به گروه‌های متعددی وابسته‌اند، در هر گروه برحسب موقعیتی که دارند نقش خاصی را ایفا می‌کنند. مثلاً فردی که در یک خانواده به‌عنوان پدر محسوب می‌گردد، در یک سازمان اداری نیز ممکن است به‌عنوان یک کارمند نقش دیگری بر عهده داشته باشد و در محله یا روستای محل سکونت خود هم عضو انجمن محلی و یا مدیر شرکت تعاونی روستایی باشد. بنابراین فرد در هر کدام از این گروه‌ها نقش ویژه‌ای بر عهده دارد.

۲- پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی عبارت از مقام و موقعیتی است که فرد در ارتباط با نقش اجتماعی خود در درون گروه یا جامعه بدست می‌آورد و چون نقش اجتماعی افراد در جامعه متفاوت است، مثلاً نقش یک پزشک، آموزگار، مهندس کشاورزی، دهقان با هم فرق دارد، پایگاه اجتماعی آن‌ها نیز متفاوت است و از طرف دیگر چون هر فرد در جامعه نقش‌های متعدد و متفاوتی را بر عهده دارد، پایگاه‌های متفاوتی نیز ممکن است داشته باشد. در واقع می‌توان گفت که بر اساس ارزشی که نقش اجتماعی فرد در جامعه دارد، افراد درون جامعه در سلسله مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند که هر کدام را یک پایگاه می‌نامند، میزان

درآمد و ثروت، شغل، تحصیلات، اعتبار خانوادگی از جمله عواملی هستند که پایگاه اجتماعی فرد را در جامعه تعیین می‌نمایند.

قشر بندی در جامعه روستایی

به‌طور کلی جمعیت روستایی ایران را می‌توان به دو قشر مجزا: کشاورزان و غیرکشاورزان طبقه‌بندی نمود که در زیر آن‌ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱- کشاورزان: کشاورزان مهمترین قشر جامعه روستایی محسوب می‌شوند که در واقع شاه‌رگ اساسی و حیاتی جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، شاغلان بخش کشاورزی جمعاً ۳/۳۵۸/۰۰۰ نفر را شامل می‌گردید که کمی بیش از ۲۳ درصد کل جمعیت شاغلان ۱۰ ساله ببالا در کشور را دربرمی‌گیرد. جالب آن است که تعداد شاغلان بخش کشاورزی طی یک دوره چهل ساله تقریباً ثابت مانده است بدین معنی که در سال ۱۳۳۵، بالغ بر ۳/۳۲۶/۰۰۰ نفر در این بخش شاغل بوده که در سال ۱۳۷۵ این رقم به ۳/۳۵۷/۰۰۰ نفر بالغ شده است.

در حالیکه در همین مدت جمعیت کشور بیش از سه برابر و جمعیت ۱۰ ساله به بالا ۳/۵ برابر شده است. (زنجان، حبیب‌اله، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، ۱۳۷۸، ص ۶۳) و در همین سال جمعیت شاغل در خدمات ۴۴/۵ درصد، در بخش صنعت ۳۰/۷۰ درصد و مشاغل اظهارنشده و نامشخص ۱/۷۶ درصد تشکیل می‌داده است (سالنامه آماری سال ۱۳۵۷، ص ۷۴).

از جانب دیگر جمع کل شاغلان ۱۰ ساله و بیش‌تر در مناطق روستایی ایران به ۵۷۱۱۰۰۰ نفر بالغ می‌شود که از این میان تنها ۲۸۴۱۰۰۰ نفر یعنی ۴۹/۷ درصد از جمعیت فعال ساکن در مناطق روستایی به کشاورزی اشتغال دارند.

بهره‌برداران کشاورز ساکن روستاهای ایران را که در واقع شالوده جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند می‌توان به چهار قشر فرعی به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

الف - دهقانان مرفه: این گروه روستاییانی هستند که غالباً بین ۱۰ تا ۵۰ هکتار زمین دارند و بنابراین نسبت به دیگر کشاورزان از موقعیت اقتصادی بهتری برخوردارند. منشاء این کشاورزان را باید در سه قشر جامعه روستایی پیش از اصلاحات ارضی به شرح زیر جستجو نمود:

اول دهقانانی که پیش از اصلاحات ارضی در زمره خردهمالکان قرار داشتند یعنی روستاییانی که خود دارای قطعاتی زمین بوده و مستقلاً به کار کشت و زرع می‌پرداخته‌اند.

دوم کشاورزان مزارعه‌گر (سهم‌بر) یا اجاره‌کاران قبل از اصلاحات ارضی که در روستا از نسق زراعی بیش‌تری برخوردار بودند و در جریان اصلاحات ارضی صاحب نسق خود شدند.

سوم، سوداگران، گاو‌بندان، سلف‌خران و واسطه‌هایی که توانستند با استفاده از سرمایه‌های کوچک خود در روستاهای خرده‌مالکی، صاحب اراضی مزروعی شوند. از ویژگی‌هایی دیگر این قشر از کشاورزان یکی آن است که به دلیل وسعت اراضی از کارگران کمکی مزدبگیر استفاده می‌کنند و دیگر آنکه این دسته از بهره‌برداران بیش‌تر به کشت محصولات تجاری پرداخته و بخش اعظمی از محصولات خود را به بازار عرضه می‌کنند. قشر دهقانان مرفه غالباً با تکیه بر پایگاه و اعتباری که در سطح روستاها دارند، بعد از اصلاحات ارضی به تحکیم و تقویت موقعیت اجتماعی خود پرداخته و اداره نهادها و سازمان‌های روستایی مانند انجمن ده، خانه انصاف، شرکت تعاونی روستایی و... را تحت نفوذ مستقیم خود داشتند (اشرف، ۱۳۶۱، ص ۱۸ و ۱۹). در حال حاضر اعضاء شوراها و مدیر عامل تعاونی روستایی با رأی مردم روستاها و اعضاء تعاونی انتخاب می‌شوند.

ب - دهقانان متوسط: این قشر از دهقانان بین ۲ تا ۱۰ هکتار زمین در اختیار دارند که خود به دو قشر فرعی تقسیم می‌شوند:

● - دهقانانی که بین ۲ تا ۵ هکتار زمین دارند.

● - دهقانانی که بین ۵ تا ۱۰ هکتار زمین دارند.

متوسط اندازه زمین زراعی گروه نخست ۳/۵ هکتار و متوسط اندازه زمین گروه دوم ۷/۵ هکتار برآورد شده است (ازکیا، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). این قشر از کشاورزان غالباً با استفاده از نیروی کار خانوادگی زمین‌های خود را بزیار کشت می‌برند.

پ - دهقانان خرده‌پا (کم‌زمین): دهقانان کم‌زمین که در واقع قاعده هرم جامعه دهقانی کشور را تشکیل می‌دهند، منشاء متفاوتی دارند به شرح زیر:

دسته اول شامل روستاییانی می‌گردد که در جریان اصلاحات ارضی و به‌ویژه مرحله دوم و سوم سهم ناچیزی از نسق زراعی ده مورد سکونت خود را بدست آوردند. در حقیقت با توجه به اینکه یکی از شقوق پیشنهادی به مالک در مرحله دوم و سوم اصلاحات ارضی، تقسیم اراضی بین مالک و زارع به نسبت بهره مالکانه بود، تقریباً در تمام نقاطی که این پیشنهاد مورد پذیرش مالک قرار گرفت، سهم مالکیت دهقانان از نسق زراعی ده به حداقل تقلیل پیدا نمود و به‌همین دلیل بخش عمده‌ای از دهقانان خرده‌پا را زارعین صاحب نسقی تشکیل می‌دهند که کمتر از ۲ هکتار زمین دارند و در حال حاضر وسعت اراضی آنان نزدیک به ۴۰ درصد اراضی زراعی کشور است.

۲- دسته دوم روستاییانی را دربرمی‌گیرد که اصولاً پیش از اصلاحات ارضی هم صاحب قطعه کوچکی زمین بودند و یا در چارچوب نظام ارباب و رعیتی از نسق زراعی ناچیزی برخوردار بودند.

در مجموع می‌توان گفت که این قشر از روستاییان بیشترین تعداد مهاجرین را اعم از مهاجرین دائم و یا فصلی روستا به شهر را در ۳ دهه اخیر تشکیل داده‌اند. عدم‌کفایت درآمد حاصل از زمین در طی سه دهه اخیر جمع‌کنندگی از آنان را به شهرها کشاند و پس از مدتی استقرار در حواشی شهرهای بزرگ، خانواده‌هایشان نیز بدانها پیوسته‌اند. افرادی نیز که بدلیل مختلف از جمله علقه‌ها و پیوندهای خویشاوندی نتوانسته‌اند ده را برای همیشه ترک گویند، به‌صورت فصلی در مواقع رکود کار کشاورزی، با فروش نیروی کار خود در شهر، کمبود درآمد ناشی از کشاورزی را جبران می‌نمایند. این روند هنوز هم ادامه دارد.

ت - کشاورزان بی‌زمین و سهم‌بران: کشاورزان بی‌زمین که فقیرترین قشر در میان کشاورزان ساکن روستاها محسوب می‌شوند، کسانی را تشکیل می‌دهند که یا به‌صورت کارگر روزمزد در واحدهای بهره‌برداری به‌صورت دائم یا فصلی کار می‌کنند و یا به‌گونه سهم‌بری به‌کار کشاورزی اشتغال دارند.

سهم‌بران به مناطق دیگر کشور نیز مهاجرت نموده و غالباً به کشت محصولات صیفی می‌پردازند به‌عنوان مثال می‌توان سهم‌برانی که از روستاهای همدان و غرب ایران به مناطق جنوبی مثل خوزستان و بندرعباس مهاجرت می‌کنند، نام برد که برای مدتی بین ۶ تا ۸ ماه در گروه‌های ۴ تا ۱۰ نفری معمولاً ۶ تا ۱۰ هکتار زمین را بزیر کشت صیفی می‌برند.

در این شیوه عمل، آب و زمین را مالک در اختیار سهم‌بران قرار می‌دهد و در مواردی که قرارداد براساس نیمه‌کاری منعقد می‌شود، هزینه‌های مربوط به بذر، سموم دفع آفات نباتی، پلاستیک (برای محصولاتی که زیر پلاستیک کشت می‌شوند)، به‌طور مشترک از جانب صاحب زمین و زارع سهم‌بر پرداخت می‌گردد. البته علاوه بر نیمه‌کاری، اشکال دیگری از سهم‌بری نیز متداول است که عبارتند از: سه‌کوت‌کاری یا ثلث‌کاری، چهارکوت‌کاری و در مواردی که زارع سهم‌بر فقط نیروی کار در اختیار مالک زمین قرار می‌دهد، تنها یک پنجم از محصول را دریافت می‌دارد. سهم‌بران به دلیل فقدان مالکیت، از منزلت اجتماعی چندانی در ده برخوردار نیستند و در رده پائین هرم قدرت جامعه روستایی قرار دارند.

۲- غیرکشاورزان ساکن روستا

در گذشته غیرکشاورزان به دو قشر خوش‌نشینان بی‌چیز و خوش‌نشینان نسبتاً مرفه تقسیم می‌شدند. خوش‌نشینان بی‌چیز نه نقشی در کار کشاورزی داشتند و نه شغل غیرکشاورزی مشخصی و خوش‌نشینان مرفه معدود خانواده‌هایی را شامل می‌شد که سرپرستان آنها، دارای مشاغل غیرکشاورزی مشخص مثل خواربارفروشی بودند. پس از اصلاحات ارضی به تدریج قشر غیرکشاورز در جامعه روستایی گسترش پیدا کرد و تنوع بیشتری یافت. از سوئی به دلیل کاهش میزان مرگ و میر کودکان و جوان‌تر شدن جمعیت روستایی و از جانب دیگر بعلت محدودیت منابع آب و خاک در بسیاری از روستاها درصد غیرکشاورزان نسبت به کشاورزان افزایش یافت به‌صورتیکه امروزه گسترش پدیده خوش‌نشینی به‌صورت معضلی در جامعه روستایی درآمده است. در حال حاضر غیرکشاورزان را می‌توان به اقشار فرعی‌تری از قبیل سوداگران، صنعتگران، کارکنان خدماتی و صاحبان وسایل حمل و نقل و بالاخره کارگران روستایی طبقه‌بندی نمود:

الف - کارگران روستایی

کارگران روستایی یکی از اقشار فرعی غیرکشاورزان محسوب می‌شوند که با فروش نیروی کار خود در شهرها به فعالیت‌های مختلف و متنوعی از قبیل بنائی، کارگری ساختمان، کار در کوره‌پزخانه‌ها، مرغداری‌ها و نانوائی‌ها و... اشتغال می‌ورزند. معمولاً کارگران روستایی خانواده خود را در روستا مستقر نموده و خود به شهرها و مراکز استان‌ها و یا به تهران برای پیدا کردن کار مهاجرت کرده و هر چند ماه یکبار به‌منظور

سرکشی و دیدار افراد خانواده به موطن خود مراجعت می‌نمایند. غالب این کارگران پس از چند سال کار در مناطق شهری بدنبال فرصتی هستند تا بتوانند با پیدا کردن سرپناهی در حاشیه‌های شهری خانواده خود را نیز به شهر منتقل نمایند، هر چند که امروزه شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران، قابلیت جذب جمعیت راحتی در ساده‌ترین مشاغل خدماتی از دست داده و به گونه غیرقابل تصویری اشباع گردیده‌اند.

ب- کارکنان خدماتی و امور حمل و نقل

غالباً روستاهای پرجمعیت درصد بسیار بالایی از غیرکشاورزان را در خود جای داده‌اند به‌ویژه روستاهایی که به‌عنوان مراکز دهستان یا بخش و به‌دلیل جمعیت نسبتاً متراکم مورد نظر و تحت‌پوشش برنامه‌های عمرانی بهسازی و یا طرح هادی از جانب جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند.

اینگونه روستاها به‌ویژه اگر فاصله چندانی با شهر نداشته باشند، قابلیت جذب جمعیت‌های روستاهای کوچک و پراکنده اطراف خود را بیش‌تر دارند و لذا با توجه به دارا بودن برخی امکانات از قبیل مؤسسات آموزشی و خانه‌های بهداشتی و درمانگاه و آب لوله‌کشی و برق و تلفن، در دهه‌های اخیر محل استقرار مهاجرینی گردیده‌اند که استطاعت و توانائی استقرار در شهرها را نداشته و در این مراکز سکنی گزیده‌اند تا هم فرزندان‌شان از امکانات موجود بهره‌جسته و هم خود در شهرهای نزدیک به‌عنوان کارکنان خدماتی ساده از قبیل رانندگی‌وانت، رانندگی ماشین‌آلات کشاورزی، رانندگی کامیون، رانندگی مینی‌بوس، مستخدمین ادارات و کارکنان رده پائین بخش خصوصی و... به‌کار اشتغال ورزند.

پ- سوداگران روستایی

سوداگران روستایی و یا قشری که برخی از جامعه‌شناسان آن را «خرده بوژروازی روستایی» نام نهاده‌اند، از گروه‌های شغلی نظیر پيله‌وران، دکانداران، چوبداران، حق‌العمل‌کاران و معامله‌گران و سلف‌خران تشکیل شده‌اند. در چهار دهه اخیر و هم‌زمان با خلع ید مالکین ارضی در جریان اجرای برنامه اصلاحات ارضی و به‌دلیل ضعف شرکت‌های تعاونی در برآوردن نیازهای اقتصادی مردم روستایی، سوداگران روستایی در حیات اقتصادی روستاها نقش بااهمیت و عمده‌ای یافته‌اند.

بسیاری از کشاورزان خرده‌پا و یا نصفه‌کاران (سه‌م‌بران) به‌منظور برآوردن نیازهای مالی خود به چنین سوداگرانی رجوع می‌کنند و تولیدات خود را با قیمت ارزان

قبل از برداشت بدانها می‌فروشند. نقش این قشر در مناطقی که محصولات کشاورزی از اهمیت تجاری و مبادله‌ای فوق‌العاده‌ای برخوردار است نظیر محصول برنج و مرکبات در شمال، زیتون در مناطق زیتون‌خیز، خرما در مناطق جنوبی و یا انواع میوه در نقاط مختلف نقش تعیین‌کننده است.

ت - صنعتگران روستا

در چهار دهه اخیر، کارگاه‌های روستایی و تعمیرگاه‌های ابزار و ادوات ماشینی اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی از رونق زیادی برخوردار شده‌اند و مشاغل جدیدی در صحنه جامعه روستایی پا به عرصه وجود گذاشته که پیش از این یا وجود نداشته و یا فعالیت بسیار محدودی داشته‌اند. مشاغلی از قبیل مکانیکی اتومبیل، جوشکاری، در و پنجره‌سازی، خدمات اتومبیل، تعمیر کار یخچال، الکتریکی و برق، شیشه‌بری، نجاری، آهنگری، تعمیرکار موتور و دوچرخه، تعمیرکار موتور پمپ، لوله‌کش و نانوایی از این قبیل‌اند. صاحبان این گونه مشاغل چون غالباً با ابزار و وسایل جدید فنی مورد نیاز مردم سروکار دارند، عموماً به لحاظ اقتصادی از یک زندگی نسبتاً مرفهی در مقایسه با کشاورزان و کارگران کشاورز و سهم‌بران برخوردارند و به لحاظ اجتماعی هم در جامعه روستایی دارای حیثیت بالائی هستند. قابل ذکر است که به تناسب پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعی جوامع روستایی به تدریج بر تنوع و گونه‌گونی این مشاغل هم افزوده‌تر می‌گردد.

ساخت اجتماعی جامعه روستایی

ساخت اجتماعی جوامع روستایی را با توجه به بنیانهای معیشتی می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

الف - ساخت اجتماعی دهقانی

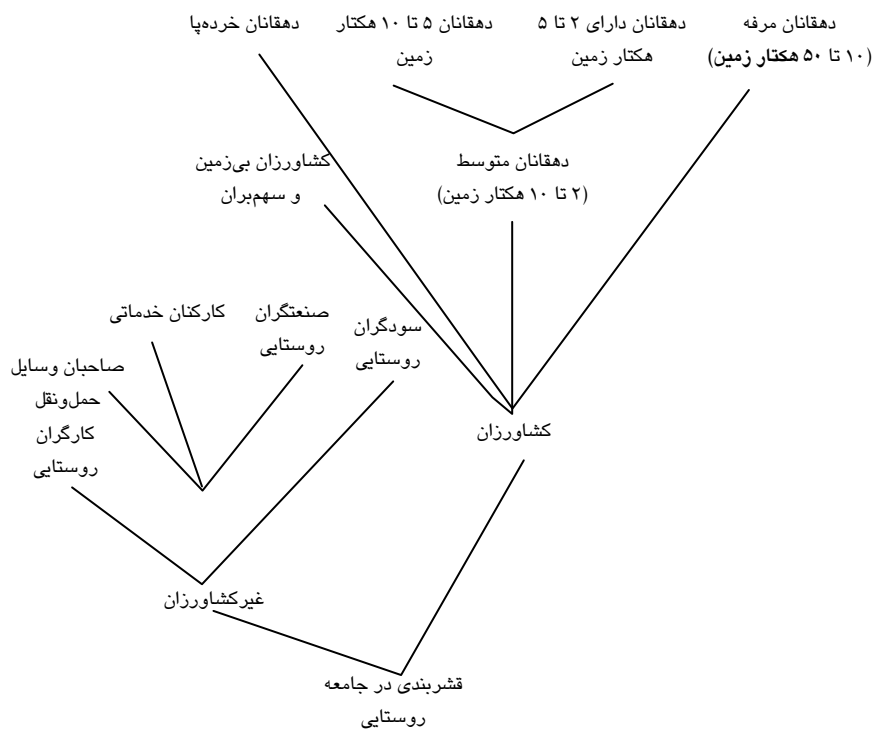
ب - ساخت اجتماعی دهقانی - کارگری

پ - ساخت اجتماعی دهقانی - باغبانی

ت - ساخت اجتماعی دهقانی - دامداری

عمده‌ترین ساختار اجتماعی جوامع روستایی در کشور ما، دهات دارای ساخت دهقانی است. اساس این ساختار از اجتماع دهقانان خرده‌مالک است. غلبه بهره‌برداری دهقانی (خانوادگی مستقل) از ویژگی‌های چنین ساختاری است در چنین ساختاری سه

عامل حاکمیت، فاعلیت و مالکیت واحد تولیدی از آن خانواده بهره‌بردار است. به عبارت دیگر تصمیم‌گیری در ارتباط با نوع تولیدات کشاورزی، چگونگی بهره‌برداری و مناسبات اجتماعی تولید و همچنین مالکیت وسایل و ابزار تولید کشاورزی به خانواده کشاورز تعلق دارد و منزلت اجتماعی افراد بر مالکیت زمین استوار است. در چنین ساختاری دهقانانی که زمین و حق‌آبه بیشتری دارند از حیثیت اجتماعی بالایی برخوردارند و به همین دلیل غالباً خوش‌نشینان کشاورزان بدون زمین تلاش می‌نمایند تا بلکه بتوانند قطعه‌زمینی برای خود فراهم آورند و در سلک کشاورزان بازمین در آیند.



نمودار قشربندی اجتماعی در جامعه روستایی

ب- ساخت اجتماعی دهقانی - کارگری

این ساخت را در مناطقی می‌توان مشاهده نمود که صنایع در آن‌ها توسعه و گسترش یافته است. در برخی از مناطق بیش از ۷۰ درصد از دهات که دارای ساخت اجتماعی دهقانی - کارگری هستند، از روستاهای پرجمعیت و متوسط تشکیل شده‌اند و غالباً در فاصله بسیار نزدیک یا نسبتاً کمی از مراکز مهم جمعیتی قرار گرفته‌اند. دهات با ساختار دهقانی - کارگری دارای تأسیسات تجاری فراوانی است و انواع تعمیرگاه‌های مربوط به ماشین‌آلات کشاورزی و غیرکشاورزی، کارگاه‌های جوشکاری، آهنگری، در و پنجره‌سازی را در آن‌ها می‌توان مشاهده نمود. این روستاها همچنین از قابلیت مهاجرپذیری بالایی برخوردارند، به‌عنوان مثال در استان همدان براساس نتایج یک پژوهش، حدود ۶۰ درصد از این نوع دهات، مهاجرپذیر بوده‌اند و به‌همین دلیل مسکن

کارگران ساده، کارکنان خدماتی و امور حمل و نقل و صنعتگران بوده‌اند. (وثوقی و دیگران، ۱۳۶۸، ص ۶۸).

در این نوع روستاها، ارزش‌های معتبر حاکم بر جامعه دهقانی، قدر و منزلت خود را از دست داده و عواملی چون درآمدهای ثابت و ماهیانه، قدرت خرید نسبتاً بیش‌تر این روستانشینان در مقایسه با دهقانان خرده‌پا، موجب گردیده است که الگوی مصرف و سبک خانه‌سازی آنان به تدریج به زندگی شهری نزدیک شده و با جامعه روستایی سنتی در تضاد قرار گیرد. از آن جمله‌اند روستاهای شهرستان البرز در استان قزوین و روستاهای نزدیک به شهر صنعتی در اراک.

پ - ساخت اجتماعی دهقانی - باغداری

این ساخت مربوط به روستاهائی می‌گردد که معیشت اصلی مردم آن‌ها مبتنی بر باغداری است و بیش‌تر از طریق فروش محصولات درختی امرار معاش می‌کنند. در چهار دهه اخیر به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی، تبدیل اراضی زراعی به باغی و استحاله تدریجی فعالیت معیشتی زراعی به باغداری این نوع روستاها را که به‌طور عمده در دامنه ارتفاعات و کوهپایه‌ها واقع شده‌اند، گسترش داده است.

ت - ساخت اجتماعی دهقانی - دامداری

ساخت دهقانی - دامداری، مربوط به روستاهائی می‌گردد که علاوه بر زراعت بخش اعظمی از درآمد خود را از طریق پروراندن دام حاصل می‌کنند. معمولاً پروراندن در فصول پائیز و زمستان صورت می‌گیرد و به دلیل نیاز روستاییان به علوفه برای گوسفندان، در این گونه روستاها، زمین بیش‌تری را به کشت نباتات علوفه‌ای اختصاص می‌دهند.

در یک نتیجه‌گیری کلی از انواع ساختارهای اجتماعی روستاها، بنظر می‌رسد که در ایران ساخت اجتماعی غالب، ساخت دهقانی است ولی به دلیل گسترش پدیده خوش‌نشینی که خود معلول کاهش میزان مرگ و میر به‌ویژه مرگ و میر کودکان و ثابت ماندن منابع آب و خاک است، این ساخت تدریجاً به سمت ساخت دهقانی - کارگری تحول می‌یابد و این تحول ابتدا در روستاهای مرکزی و پرجمعیت در حال وقوع است و به تدریج روستاهای باجمعیت کمتر را نیز دربرمی‌گیرد.

منابع و مأخذ فصل چهارم

- ۱- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲- امانی، سیدمهدی، جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰.
- ۳- اشرف، احمد، دهقان زمین و انقلاب در مسائل ارضی و دهقانی، مجموعه کتاب آگاه، تهران، ۱۳۶۱.
- ۴- انصاری، ابراهیم، نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۸.
- ۵- زنجانی، حبیب‌اله، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، نشر و تبلیغات بشری، تهران، ۱۳۷۸.
- ۶- سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷- ملوین، تامین، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، توتیا، تهران، ۱۳۷۹.
- ۸- وثوقی، منصور، علی‌اکبر نیک‌خلق، میانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، تهران، ۱۳۸۱.
- ۹- وثوقی و دیگران، بررسی بازتاب اقتصادی - اجتماعی عملیات اجرائی طرحهای بهسازی در ۱۷ روستای استان همدان، وزارت جهاد سازندگی، معاونت عمران، تهران، تیر ماه ۱۳۶۸.

فصل پنجم :
نهادها و سازمان‌های
روستایی

فصل پنجم: نهادها و سازمان‌های روستایی

مقدمه

تحت عنوان نهادها و سازمان‌های روستایی، ابتدا به بررسی پیشینه نهادهای سنتی می‌پردازیم و سپس تحولات آن‌ها را پس از انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار خواهیم داد. در این راستا مدیریت روستایی و تحولات آن طی دهه‌های اخیر، ظهور نهادهای مدیریتی دولتی و نیمه‌دولتی پس از اصلاحات ارضی، شوراهای اسلامی و نقش آن‌ها پس از انقلاب اسلامی، نقش جهاد سازندگی و بالاخره، خانه‌های همیار و تأسیس دهیاری‌ها، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از دیگر مؤسسات موجود در سطح روستاها که می‌تواند فعالیت‌های مثمرتر و تأثیر زیادی در ارتقاء اقتصاد روستاها و زندگی روستاییان داشته باشد، تعاونی‌های روستایی است که بر اساس تبصره ماده ۱۶، قانون اصلاحات ارضی بیش از ۴۰ سال است که تأسیس شده‌اند و ظاهراً می‌بایستی نقش‌های مؤثری بر عهده گیرند.

۱- مدیریت روستایی و تحولات آن در دهه‌های اخیر

از گذشته‌های دور اداره امور ده را فردی بنام کدخدا بر عهده داشت. در زبان فارسی «کدخدا» به معنای صاحب و مالک است (دهخدا، ص ۳۸۹) ولی در حقیقت کدخدا در دهات ایران مدیری بود که برای اداره ده از جانب ارباب منصوب می‌شد. تا قبل از انقلاب مشروطیت هیچ قانون و یا آئین‌نامه مصوبی در ارتباط با اداره امور روستاها وجود نداشت و اولین قانون کدخدائی برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ شمسی به تصویب مجلس شورایملی رسید. در این قانون کدخدا نماینده رسمی دولت در روستا بود و بموجب حکم فرماندار با این سمت منصوب می‌گردید اما عملاً می‌بایستی از طرف مالک یا مالکین برگزیده می‌شد و به بخشداری معرفی می‌گردید. ماده ۱ قانون کدخدائی صراحت بر این امر دارد که کدخدای ده نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظامنامه‌هایی است که از طرف دولت باو مراجعه می‌شود. طبق این قانون کدخدائی دارای چهار شرط بود که عبارت بودند از داشتن تبعیت ایران، عدم محکومیت به جنحه و جنایت، معروفیت به درستکاری و امانت و لیاقت و مقیم بودن در یکی از دهات محل مأموریت خود و داشتن رعیتی در یکی از دهات محل مأموریت خود. ماده ۶ و ۷ و ۸ همین قانون وظایفی را بر عهده کدخدا قرار داده که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- مسائل حقوقی و قضائی و انتظامی: حل و تسویه دعاوی جزائی تا ۵۰ ریال و جلوگیری از منازعات و اختلافات بین اهالی به صورت کدخدامنشی و نیز جلوگیری از فرار متهمان و از بین رفتن اثرات جرم و نظارت در حفظ حدود اراضی و همکاری با سازمان‌های انتظامی.

۲- مسائل مربوط به ثبت احوال: ثبت وقایع تولد، ازدواج، طلاق و فوت در دفاتر مخصوص، ارسال اعلامیه هر یک از این وقایع چهارگانه به اداره ثبت احوال، همکاری با نماینده ثبت احوال در روستا، دریافت شناسنامه برای افراد فاقد شناسنامه، تنظیم صورتجلسه برای کودکان سرراهی، همکاری در انجام سرشماری و سایر امور مربوط به ثبت احوال.

۳- مسائل مربوط به نظام وظیفه: تعیین مشمولین از روی دفتر نفوس ده و معرفی آن‌ها به نظام وظیفه، تصدیق اوراق کفالت مشمولین، انتشار اعلان احضار افراد مشمول و اجرای دستورات حوزه‌های سربازگیری و...

۴- مسائل مربوط به آموزش و پرورش: همکاری در امور آموزش و پرورش روستا و مراقبت در اجرای دستوراتی که از جانب مسئولین دولتی صادر می‌شود، تهیه فهرستی از اطفال (دختر و پسر) روستا که سنشان بین ۶ تا ۱۴ سال است برای تعیین اطفال لازم‌التعلیم و معرفی روستاییانی که قادر به تدریس هستند، مراقبت در امور مدرسه و...

۵- مسائل مربوط به امور کشاورزی: اعلام آفات نباتی به مسئولین، تهیه آمار از دامها و محصولات زراعی، مراقبت در اجرای دستورات فنی کشاورزی که از طرف اداره کشاورزی صادر می‌شود، اعلام بیماریهای دامی به مسئولین، همکاری در جلوگیری از بروز آفات با مأمورین دولتی و...

در سال ۱۳۳۵ لایحه قانونی اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات به تصویب رسید ظاهراً هدف آن بهبود امور اجتماعی و عمران دهات و ارتقاء سطح زندگی و رفاه کشاورزان و ساکنین دهات کشور بود. گو اینکه اهداف بسیار متعالی و با اهمیتی در جهت ایجاد اصلاحات در روستاها و سپردن کار مردم به مردم در این قانون لحاظ شده است و در آن تأکید بر وصول ۵ درصد بهره مالکانه در جهت انجام این اصلاحات شده است معهذا بدو دلیل این انجمن‌ها نتوانستند منشأ اثری گردند:

یکم آنکه وصول پنج درصد بهره مالکانه ضمانت اجرائی کافی را نداشت و مالکین لزومی در پرداخت آن نمی‌دیدند به‌ویژه آنکه نظارتی هم از جانب دولت در این مورد وجود نداشت.

دوم آنکه با توجه به ترکیب اعضاء انجمن، استقلال آن ظاهری بود زیرا اولاً از پنج نفر عضو (یک نفر نماینده مالک یا مالکین، کدخدای ده، دو نفر از معتمدین محل با توافق مالک و زارع و یک نفر نماینده کشاورزان)، در حقیقت زارعین تنها یک رأی داشتند و چهار عضو دیگر در اختیار مالک بودند و ثانیاً مالک یا نماینده وی می‌توانست اعضاء انجمن را عزل کند و در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری نمود که تشکیل این انجمن‌ها بیشتر جنبه ظاهری داشت تا واقعی و نتوانستند مشکلی از مشکلات روستاییان را تا آغاز برنامه‌های اصلاحات ارضی مرتفع نمایند.

بدنبال اجرای برنامه های اصلاحات ارضی دامنه دخالت دولت در امور روستاها بشدت گسترش یافت و نهادهای جدیدی در صحنه اداره امور ده پدیدار شدند. شرکت‌های تعاونی روستایی، سپاه دانش، سپاه ترویج، سپاه بهداشت، سپاه عدالت و خانه اصناف بر نهادهای پیشین یعنی انجمن ده و کدخدا افزوده شدند و چون سازمان‌های فوق‌الذکر هر کدام تحت نظارت و سرپرستی یکی از وزارتخانه‌ها و یا سازمان‌های دولتی انجام وظیفه می‌نمودند، عدم وجود هماهنگی لازم بین آن‌ها در ارتباط با خدمت‌رسانی به روستاها وضعیت آشفته و نابسامانی را به‌وجود آورد، به‌عنوان مثال در روستاهائی که کدخدا از اختیارات خود به‌طور کامل نمی‌توانست استفاده کند و یا از توانائی مدیریتی کافی برخوردار نبود، اداره امور روستا عملاً بدست سپاهی دانش جوانی می‌افتاد که خدمت سربازی خود را به‌عنوان معلم روستایی می‌گذارند اما ضمن ایفای نقش معلمی، عملاً در ادار امور ده نیز دخالت می‌کرد.

بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ امور روستاها بر عهده وزارت آبادانی و مسکن قرار داده شد و در سال ۱۳۵۰ وزارتخانه جدیدی تحت عنوان وزارت تعاون و امور روستاها، اداره امور روستاها را در دست گرفت و به پیشنهاد این وزارتخانه قانون جدید تشکیل انجمن ده و دهبانی در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رسید و مصوبات آن تا سال ۱۳۵۷ به مرحله اجرا درآمد. در این قانون بجای کدخدا دهبان مدیریت ده را بر عهده دارد و فردی است که بین ۲۲ تا ۶۰ سال سن داشته و دارای سواد خواندن و نوشتن است. دهبان از جانب انجمن ده انتخاب گردیده و با حکم فرماندار منصوب می‌گردد.

بر اساس همین قانون هر انجمن به تناسب جمعیت روستا بین ۵ تا ۱۱ عضو داشته و
اعضاء آن مستقیماً و با رأی مخفی از جانب اهالی انتخاب می‌شوند. البته انجمن ده فاقد
قدرت اجرائی بوده و مصوبات آنرا دهبان بمرحله اجرا درمی‌آورد. اهم وظایف دهبان بر
اساس قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی مصوب ۱۳۵۴ به شرح زیر است:

- حفظ نظم با کمک ژاندرمری محل یا نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری
- اعلام فرامین و مقررات عمومی دولت
- حفظ آثار باستانی و تأسیسات موجود در روستا و طرحهای عمرانی
- حل و فصل اختلافات بین اهالی در روستاهائی که خانه انصناف تأسیس نشده
است.

و در نهایت دهبان را بیشتر می‌توان به عنوان کارگزار بخشدار و سایر مقامات دولتی
تلقى نمود. (طالب، ۱۳۷۱، ص ۳۹).

مدیریت روستایی بعد از انقلاب اسلامی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها)

قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی مصوب ۱۳۵۴ تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) در
روستاها جاری و ساری بود و اولین قانون مرتبط با اداره امور روستاها پس از انقلاب
به سال ۱۳۶۱ برمی‌گردد. در این سال قانون مربوط به تشکیل شوراهای اسلامی به
تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شوراهای اسلامی برخلاف مدیریت‌های پیشین که
تحت نظارت وزارت کشور اداره می‌شد، توسط جهاد سازندگی شکل گرفتند و فعالیت
خود را آغاز نمودند. با شروع به کار شوراهای، کلیه نهادهای فعال پیشین در روستاها از
قبیل خانه انصناف، انجمن ده، کدخدا یا دهبان بی‌اعتبار تلقی گردیده و کنار گذاشته
شدند.

در اصلاحاتی که در سال ۱۳۶۵ در قانون تشکیل شوراهای به عمل آمد، برگزاری
انتخابات شوراهای اسلامی از جمله شوراهای اسلامی روستاها به وزارت کشور محول
شد.

در مجموع تا کنون بیش از ۳۳۰۰۰ شورای روستایی در روستاها تأسیس گردیده که
به تدریج با اجرای قوانین مربوط به دهیاری‌ها، مدیریت روستایی اقتدار بیشتری می‌یابد
به‌ویژه آنکه یکی از مشکلات شوراهای اسلامی از بدو تأسیس تا کنون، موضوع
عدم قدرت اجرائی آنها بوده است و گرچه در معدودی از روستاها جهاد سازندگی طرح

«خانه همیار» را به اجرا درآورد، لکن به دلیل عدم رسمیت قانونی، عدم امکانات و عدم همکاری سازمان‌های دولتی، این طرح نتوانست در سطح کشور گسترش و تعمیم یابد. در سال ۱۳۷۵ قانون «تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» جایگزین قوانین قبلی گردید و در نتیجه شوراهای اسلامی دهستان حذف ولی شوراهای اسلامی به قوت خود باقی ماند.

نظر باینکه در قانون فوق‌الذکر سازمان و تشکیلات دهیاری‌ها دیده نشده بود لذا قانونی تحت عنوان «قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور» در تاریخ ۱۳۷۷/۴/۱۷ از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

در ماده واحده این قانون آمده است که به وزارت کشور اجازه داده می‌شود به منظور اداره امور روستاها، سازمانی به نام دهیاری با توجه به موقعیت محل با درخواست اهالی و به صورت خودکفا و با شخصیت حقوقی در روستاها تأسیس نماید. این سازمان از نهادهای عمومی غیردولتی محسوب می‌گردد. تأسیس این دهیاری‌ها به هیچ‌وجه مانع اقدامات و کمکهای نقدی دولت در جهت رسیدگی به عمران و آبادی روستاها نخواهد شد (غضنفر اکبری، ص ۹). اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها نیز در اسفند ۱۳۸۰ به تصویب هیأت دولت رسید. اهم وظایف دهیاری‌ها بر اساس ماده ۱۰ این اساسنامه عبارتند از:

- بهبود وضع زیست‌محیطی روستا.
- کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائی اجتماعی، اقتصادی و... و تهیه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی و ارائه آن به مسئولان ذیربط.
- مشارکت و همکاری با شورا در جهت پی‌گیری اجرای طرحهای عمرانی.
- همکاری مؤثر با مسئولان ذیربط در جهت حفظ و نگهداری منابع طبیعی واقع در محدوده قانونی و حریم روستا.
- تشویق روستاییان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی روستا.
- تهیه تعرفه عوارض با همکاری شورا و ارائه آن به شورای اسلامی بخش به منظور تصویب و طی سایر مراحل قانونی.
- وصول عوارض مصوب مراجع قانونی و مصرف آن در موارد معین.

- برآورد و تنظیم و ارائه بودجه سالانه دهیاری‌ها و متمم و اصلاح آن به شورا جهت تصوب

- فراهم نمودن زمینه ایجاد خیابانها، کوچه ها، میدانها، پارکها، فضاهای سبز، ورزشی، آموزشی، مراکز تفریحی عمومی و مجاری آب و توسعه معابر

- تنظیم و نگهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آبها و فاضلاب و لایروبی قنوات مربوط به روستا و تأمین آب و روشنایی در حدامکان

- اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ روستا از خطر سیل و حریق و رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر و اماکن عمومی و تسطیح چاهها و چاله‌های واقع در معابر بر اساس مصوبات شورا.

- صدور پروانه برای ساختمان‌هایی که در محدوده قانونی روستا شناخته می‌شود. (همان منبع، ص ۱۱)

تا کنون نزدیک به ۴۴۳۵ دهیاری در روستاهای بالای ۲۰ خانوار تأسیس شده است و با توجه با اینکه شرط اساسی تأسیس دهیاری سکونت حداقل ۲۰ خانوار در روستاست، لذا در آینده بیش از ۹۴ درصد از جمعیت روستایی و بیش از ۵۲ درصد از روستاها که بالغ بر ۳۵۰۰۰ روستا می‌گردد زیر پوشش این نهاد قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب چنانچه این طرح به‌طور کامل صورت گیرد، امید است که این نهاد بتواند قادر به حل مشکلاتی گردد که طی سالیان متمادی در سطح روستاهای ما به‌صورت مسائل مزمنی درآمده‌اند.

۲- تعاونی‌های روستایی و تحولات آن

شرکت‌های تعاونی روستایی به‌طور کلی از زمان تأسیس به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- دسته‌ای مربوط به قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی می‌شوند که توسط بانک کشاورزی و یا بانک عمران و تعاون روستایی تأسیس شده‌اند و دسته دیگر که اکثریت قریب باتفاق این تعاونی‌ها را دربرمی‌گیرد، بر اساس تبصره ماده ۱۶ قانون اصلاحات ارضی به‌وجود آمده‌اند. این تبصره چنین مقرر می‌دارد که: «به افرادی طبق مقررات این قانون زمین واگذار خواهد شد که قبلاً عضویت شرکت تعاونی همان ده را پذیرفته باشند». ماده ۹ اساسنامه این شرکت‌ها بر این امر تأکید نموده است که این شرکت از کشاورزان و دهقانان و کسانی که به امور کشاورزی اشتغال دارند تشکیل می‌گردد

بشرط آنکه در حوزه عمل شرکت ساکن باشند و نظر باینکه عضویت در این تعاونی‌ها در حقیقت شرط دریافت زمین از جانب سازمان اصلاحات ارضی بوده است، شورایی عالی اصلاحات ارضی محدودیتی در مورد عضویت شرکت تعاونی ایجاد کرده است و مقرر داشته است که شرکت‌های تعاونی حتماً باید در دهاتی که تقسیم می‌شوند تشکیل شود و اعضای این قبیل شرکتها نیز بایستی منحصراً کسانی باشند که صاحب زمین شوند. (گروه تحقیق، در مسائل اقتصاد کشاورزی ایران، ۱۳۴۶، ص ۳۱۶).

این شرکت‌ها در اصل شرکت‌هایی چندمنظوره‌اند که فعالیت آن‌ها در زمینه تولید، توزیع، اعتبار و مصرف است. اهم وظایف تعاونی‌های روستایی بر اساس آنچه که در اساسنامه آن‌ها قید شده است عبارتند از:

- ۱- فعالیت‌های اعتباری، اعم از دریافت و نگهداری سپرده‌های اعضاء یا تأمین و پرداخت اعتبار به آن‌ها و دیگر تسهیلات اعتباری
- ۲- بازاریابی محصولات، شامل جمع‌آوری، نگهداری، طبقه‌بندی، بسته‌بندی، حمل و نقل، تبدیل و فروش آن‌ها و ایجاد تأمین تجهیزات و امکاناتی که برای انجام این وظایف ضروری است نظیر انبار، سردخانه، وسایل حمل و نقل و...
- ۳- استفاده بهینه از عوامل تولید از جمله بهره‌برداری از زمین کشاورزی و سایر عوامل تولید و تجهیزات و تأسیسات.
- ۴- ایجاد مراکز نگهداری، تعمیر، ماشین‌آلات برای استفاده جمعی
- ۵- ایجاد مجتمع‌های دامداری و دامپروری
- ۶- تهیه و توزیع نهاده‌های کشاورزی، سوخت (نفت سفید، گازوئیل، بنزین، روغن موتور) و کالاهای مصرفی خانوارهای عضو
- ۷- کلیه اقداماتی که منجر به بهبود امر حرفه‌ای و شرایط زندگی روستاییان می‌گردد نظیر تأمین وسایل حمل و نقل، تهیه مسکن، آب بهداشتی، نیروی برق، شبکه تلفن، تلقیح مصنوعی دامها، مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و ...
- ۸- سایر اقداماتی که در جهت تسهیل عملیات بالا تأثیر گذارد، بر طبق اساسنامه. (دکتر انصاری، ص ۱۵).

به‌طوریکه از وظایف فوق‌الذکر برمی‌آید، تعاونی‌های روستایی از نوع تعاونی‌های چندمنظوره هستند که تقریباً در همه ابعاد زندگی اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و

زیربنائی مناطق روستایی می‌توانند حضور فعال داشته باشند. در تحلیل فعالیتهای ارائه شده تا کنون توسط این نهاد در روستاهای ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- فعالیتهای اعتباری تعاونی‌ها که در سطح وسیعی با استفاده از نقدینگی موجود به صورت سالانه به اعضاء تعاونی‌ها پرداخت می‌گردد. وامهای یکساله تعاونی‌ها بعلت افزایش قیمت‌ها و بالا رفتن هزینه‌های تولید و به دلیل اندک بودن مقدار وامها، برای سرمایه‌گذاری متوسط و بلندمدت در بخش کشاورزی به کار گرفته نمی‌شوند ولی در تأمین پاره‌ای هزینه‌های جاری تولید و دسترسی کشاورزان به پول در مواقعی که محصولی برای فروش ندارند و به‌ویژه به‌منظور پرهیز از مراجعه به وام‌دهندگان محلی، بسیار مؤثر است. در زمینه تأمین نهاده‌ها، تأمین و توزیع موارد سوختی فسیلی که بعلت استفاده فراوان از ماشین‌آلات مختلف اعم از ماشینهای کشاورزی و غیرکشاورزی در مناطق روستایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نیز تعاونی‌ها اقدامات مؤثری صورت داده‌اند.

- فعالیت دیگر تعاونی‌های روستایی، فراهم آوردن و توزیع کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی است که در قالب نزدیک به یازده هزار فروشگاه مصرف وابسته با این تعاونی‌ها انجام می‌پذیرد.

از جانب دیگر، شرکت‌های تعاونی روستایی با خرید اقلام محدود و حجم محدود محصولات تولیدی کشاورزان با استفاده از امکانات و تجهیزاتی که از طریق اتحادیه‌های تعاونی‌های روستایی در اختیار دارند، رابط تولیدکنندگان روستایی با مصرف‌کنندگان شهری گردیده‌اند. ضمن آنکه موجب کمرنگ‌تر شدن نسبی نقش واسطه‌ها شده‌اند. در حال حاضر سازمان مرکزی تعاون روستایی با ایجاد بیش از دو هزار مرکز خرید گندم در روستاهای کشور کار پر حجم و مشکل خرید چند میلیون تن گندم و حمل آن‌ها را به سیلوهای کشور بر عهده دارند.

تعداد تعاونی‌های روستایی از سال تأسیس آن‌ها همزمان با برنامه‌های اصلاحات ارضی به‌طور مرتب رو به افزایش بوده به‌طوری‌که در سال ۱۳۴۴ عدد تعاونی‌ها به ۵۵۱۸ تعاونی و عدد اعضاء به ۷۵۴۰۰۰ عضو بالغ گردید. ۶ سال بعد در سال ۱۳۵۱، عدد تعاونی‌ها به ۸۳۶۱ و تعداد اعضاء به بیش از دو میلیون نفر بالغ گردید. در سال بعد (۱۳۵۲) بعلت ادغام تعاونی‌های روستایی عدد آن‌ها به کمتر از یک سوم (۲۷۱۷) کاهش

یافت. در حال حاضر تعداد این تعاونی‌ها به ۲۹۵۱ تعاونی بالغ می‌گردد که بیش از پنج میلیون عضو دارند. این تعاونی‌ها بیش از ۵۷۰۰۰ روستا را زیرپوشش خود دارند. علاوه بر این تعداد تعاونی‌های روستایی، ۱۴۷۷ تعاونی کشاورزی و نیز ۱۱۶ شرکت تعاونی زنان روستایی در بخش کشاورزی تأسیس شده و به فعالیت اشتغال دارند (همان منبع، ص ۱۳).

۳- مراکز خدمات روستایی

مراکز خدمات روستایی نهادهائی هستند که قانون و آئین‌نامه اجرائی آن با همکاری مشترک وزارت کشاورزی و سازمان برنامه تهیه گردید و در تیر ماه ۱۳۶۰ به تصویب دولت رسیده است. طبق لایحه مربوط به این مراکز، وزارت کشاورزی موظف گردیده است که به تدریج در هر یک از دهستانهای کشور واحدی بنام مرکز کشاورزی روستایی و عشایری ایجاد نماید و هدف از تشکیل این مرکز توسعه فعالیت‌های کشاورزی، روستایی و عشایری، عرضه خدمات فنی، اعتباری، زیربنائی، رفاهی، آموزشی، تحقیقی و ترویجی، تهیه و تجهیز و توزیع وسایل و لوازم و نهاده‌های کشاورزی و ارائه خدمات بازرگانی و سایر فعالیت‌هایی است که بر اساس نیاز از طریق شوراهای اعلام می‌شود. پاره‌ای از وظایف و مسئولیت‌های مهم مراکز خدمات کشاورزی طبق آئین‌نامه مربوط بقرار زیر است:

- ۱- کمک به شوراهای اسلامی در انجام امور مدیریت تولیدی، فنی، اقتصادی و اجتماعی دهستان.
- ۲- شناخت منابع و امکانات و تطبیق آن با نیازها و ارسال گزارش به شهرستان جهت هماهنگی در سطح شهرستان
- ۳- بررسی نیازها و احتیاجات دهستان (ارائه شده توسط شوراهای اسلامی دهات و شوراهای اسلامی دهستان) و ارسال آن به شهرستان جهت هماهنگی در سطح شهرستان
- ۴- تهیه و تنظیم برنامه کشاورزی و عشایری بر اساس نیازها و احتیاجات و اولویت‌های اعلام شده توسط شوراهای اسلامی دهات و شوراهای اسلامی دهستان و ارسال به شهرستان جهت هماهنگی در سطح شهرستان
- ۵- ارائه خدمات عمومی، فنی، زیربنائی، رفاهی، آموزشی، تحقیقی، ترویجی و ارائه تسهیلات خدمات بازرگانی بر اساس امکانات موجود منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی منطقه.

۶- تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز در امر تولید، قیمت، عرضه، مصرف ذخیره محصولات کشاورزی، نیروی کار شاغل و مورد نیاز و ظرفیتهای انسانی و فیزیکی و آمار مورد نیاز بررسیهای اقتصادی، اجتماعی منطبق با شرایط محلی.

۷- تنظیم شناسنامه هر یک از دهات دهستان با کمک شورای اسلامی هر ده.

۸- همکاری و ارتباط با ایستگاههای تحقیقاتی به منظور تهیه و تأمین بذر و نهال مرغوب و اصلاح شده و دام و طیور اصلاح نژاد شده در منطقه از طریق مرکز خدمات شهرستان و توسعه و ترویج آن

۹- مطالعه وضع مالکیت و نظامهای بهره‌برداری از اراضی (شامل مراتع، و منابع آب و روشهای دامداری و مسائل ارضی موجود در ده و دهستان با همکاری شوراهای اسلامی)

۱۰- کمک به حفظ و بهره‌برداری صحیح از منابع ملی ده و دهستان

مراکز خدمات روستایی در مرکز دهستانها تأسیس شده‌اند و مهمترین علت استقرار آنها در مراکز دهستانها، تحقق عدم تمرکز قدرت و حذف کنترل ادارات مرکزی بر امر توزیع امکانات و منابع خدماتی و نهایتاً تفویض اختیارات و حق تصمیم‌گیری به رده‌های پایین‌تر بوده است.

بر اساس آنچه در این آئین‌نامه پیش‌بینی شده است، حداقل نیروی انسانی مورد نیاز برای تجهیز اولیه هر مرکز خدمات دهستان عبارت از تکنیسین یا کارشناس در یکی از رشته‌های زراعت، باغداری، دامپروری، دامپزشکی، جنگل و مرتع، ماشین‌آلات کشاورزی، دفع آفات و تکنیسین یا کارشناس در یکی از رشته‌های خدمات زیربنائی و تأسیسات و تسهیلات رفاهی است، لیکن مطالعات انجام شده حاکی از آن است که در اکثر مراکز خدمات دهستان حتی حداقل نیروی انسانی نیز به خدمت مشغول نیست و از طرفی نیز نیروی انسانی شاغل در مراکز خدمات از لحاظ کمی و کیفی متناسب با وسعت قلمرو و فعالیت مراکز و شرایط منطقه توزیع نشده است، در نتیجه پاره‌ای از مراکز خدمات از کارآئی بیشتری برخوردارند و بعضی از مراکز نیز قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای روستاهای زیرپوشش خود نیستند. به‌عنوان مثال در شهرستان جیرفت مراکز خدمات دهگانه فقط دارای دو نفر کارشناس هستند در حالیکه در شهرستان بابل هر یک از مراکز خدمات دوازده‌گانه دارای کارشناس متخصص‌اند و تعداد کارشناسان این مراکز به بیست نفر می‌رسد. از سوی دیگر مسئولین مرکز خدمات در مناطق محروم کشور سواد

و تخصص کمتری دارند و اکثر کارشناسان با تجربه به مناطق پیشرفته کشور جذب شده‌اند. مثلاً در شهرستان بابل اکثر مسئولان مراکز خدمات روستایی دارای مدرک لیسانس کشاورزی بوده حال آنکه مناطقی چون جیرفت، مغان و بلوچستان به‌طور کلی فاقد کارشناسان و مسئولان مراکز عموماً تکنیسین هستند. (ازکیا، ۱۳۷۰، ص ۱۱۶).

بر اساس مطالعاتی که در مورد تعدادی از مراکز خدمات صورت گرفته است، این مراکز در جهت دگرگون‌سازی منابع تولید گام‌هایی برداشته‌اند که گرچه در بعضی از زمین‌ها مانند باغداری و دامداری کافی نبوده است لیکن توانسته است پاره‌ای از مشکلات باغداران و دامداران را مرتفع کند. به‌عنوان مثال در زمینه یکپارچه کردن اراضی برخی از مراکز خدمات، فعالیت‌هایی داشته‌اند که چشمگیرترین آنان در منطقه بروجرد صورت گرفته است. در این منطقه از سال ۱۳۱۶، کار یکپارچگی اراضی شروع شد و جمعاً در ۱۶ روستا، ۵۳۷۷ هکتار به‌صورت یکپارچه درآمد و در منطقه اراک در مرکز خدمات «توره» یکپارچه کردن اراضی، از مرز ۶۰۰۰ هکتار نیز تجاوز کرده است. مطالعه در منطقه اراک نشان می‌دهد که متوسط قطعات اراضی قبل از یکپارچه کردن ۲۱ قطعه و در بروجرد ۴۲ قطعه بوده است که در حال حاضر به ۲ تا ۶ قطعه تقلیل یافته است. در زمینه دامداری یکی از فعالیت‌های مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه تشویق دامداران دارای زمین و آب به کشت ذرت علوفه‌ای، ترویج علوفه‌کاری و ایجاد سیلوهای ذخیره ذرت بر ای تأمین علوفه زمستانی مورد نیاز دامداران بوده است.

مراکز خدمات هم‌چنین به‌منظور شناسائی و پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های دامی ضمن انجام واکسیناسیون بر احداث حمام‌های ضدکنه پرداخته‌اند زیرا این انگل عامل بیماری زردی است و همه ساله خساراتی به دامداران وارد می‌سازد. ایجاد این حمام‌ها ضایعات و تلفات دام را در روستاهای زیر پوشش کاهش داده است.

در زمینه آموزش هم این مراکز فعالیت‌هایی دارند از جمله آموزش‌هایی در زمینه آماده‌سازی زمین، آیش، فصل کشت مناسب، آبیاری صحیح، ضدعفونی کردن بذر، نحوه کشت دیم، کاربرد صحیح ماشین‌آلات، هرس و سمپاشی درختان میوه و تهیه جعبه مرغوب برای بسته‌بندی محصولات سردرختی صورت گرفته است.

در نهایت باید گفت که در شرایط فعلی مراکز خدمات کشاورزی در کلیه زمین‌های آب و خاک، مکانیزاسیون، زراعت، دفع آفات، چگونگی تبدیل اراضی دیم کم‌بازده به موقع، در درجه اول به امر آموزش غیررسمی این فعالیت‌ها مشغولند. در صورتیکه

مراکز خدمات کشاورزی تقویت شوند و اعتبارات مورد نیاز و پرسنل کارآمد و متخصص در اختیارشان قرار گیرد، می‌توانند علاوه بر فعالیتهای زیربنائی، نحوه آموزش و ترویج در زمینه‌های مختلف را به دهقانان منتقل کنند و سیاست محدود کردن فعالیت مراکز خدمات کشاورزی فقط به زمینه‌های ترویجی سبب انحراف آنها از فعالیتهائی است که بر اساس اساسنامه بایستی انجام دهند (همان منبع، ص ۱۲۵).

منابع و مأخذ فصل پنجم

- ۱- ازکیا، مصطفی، مراکز خدمات کشاورزی به مثابه الگوی توسعه روستایی، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دوم، شماره ۲، ۱۳۷۰.
- ۲- اکبری، غضنفر، مدیریت روستایی ایران بعد از انقلاب، گزارش تحقیقی منتشر نشده دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ۳- انصاری، حمید، پژوهشی در تعاونی‌های روستایی ایران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، مؤسسه تحقیقات تعاونی، تیر ماه ۱۳۸۱.
- ۴- طالب، مهدی، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی ایران، تحلیل اجمالی قانون اصلاحات ارضی، مجله تحقیقات اقتصادی (دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران)، بهمن ۱۳۴۶.
- ۶- وثوقی، منصور و دیگران، ارزشیابی شرکت‌های تعاونی روستایی منطقه تهران، گروه تحقیقات تعاون روستایی، مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.

فصل ششم :
فرآیندهای اجتماعی
در جامعه روستایی

فصل ششم فرآیندهای اجتماعی در جامعه روستایی

مقدمه:

در این فصل فرایندهای اجتماعی و انواع مشارکت‌های اجتماعی را در جامعه روستایی مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

ابتدا لازم است در تعریف فرآیند بگویند که «فرآیند اجتماعی» چیزی بیش‌تر از ارتباط میان دو پایگاه یا دو نقش است به عبارت دیگر دو شخص که با هم همکاری یا با یکدیگر مبارزه می‌کنند، در فرآیندی اجتماعی عمل می‌کنند و فرآیند اجتماعی، عبارت از شیوه‌هایی است که در چارچوب آنها، اشخاص با یکدیگر کنش متقابل دارند. به طور کلی فرآیندها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف - فرآیندهای پیوسته:

فرآیندهای پیوسته، کنش‌های متقابلی هستند که اشخاص را به همکاری، همسازی و ماندگرمندی هدایت می‌کنند و در مقابل فرآیندهای گسسته آنهایی هستند که اشخاص را به مخالفت، رقابت و تعارض سوق می‌دهند.

در زیر به تعریف هر یک از فرآیندهای دو گانه پیوسته و گسسته می‌پردازیم:

۱- همکاری، همکاری یا تعاون، نوعی ارتباط بین دو یا چند شخص یا گروهی است که به اتفاق هم و با تشریک مساعی یکدیگر هدف مشترکی را دنبال می‌کنند اهمیت همکاری در زندگی اجتماعی تا به آن حد است که آنرا به سلامت جسمانی تشبیه می‌کنند بدین معنی که تا وقتی وجود دارد، متوجه حضورش نمی‌شویم ولی به محض آنکه کاهش در آن صورت گیرد، اهمیتش در زندگی آشکار می‌شود (نیک‌گهر، ص ۲۲۷).

۲- مدارا، مدارا به معنای حداقلی از همسازی بین افراد است یعنی در حالتی که افراد کاملاً با هم موافق نباشند می‌توانند در عمل مدارا کنند و به فعالیت مشترکشان ادامه دهند.

۳- سازش یا مصالحه: سازش یا مصالحه به حالتی گفته می‌شود که به منظور جلوگیری از ادامه دشمنی و پرهیز از ایجاد مشکلات بیش‌تر، افراد دست از مخاصمه برمی‌دارند. چنین سازش یا مصالحه‌ای همراه هست با گذشت‌های متقابل و دادن امتیاز بیکدیگر.

۴- مانندگردی، مانندگردی یا همانندشدن جریانی است که طی آن دو یا چند نفر یا افراد گروه یا جامعه الگوهای رفتاری یکدیگر را می‌پذیرند و در حقیقت یک نوع مبادله الگوهای فرهنگی در میان جمعیتی است که از ریشه‌های قومی متفاوت و گوناگون هستند. مانندگردی یک جریان دو طرفه است که غالباً می‌توان آنرا در مهاجرتها مشاهده نمود زیرا فرهنگ جامعه میزبان و فرهنگ مهاجرین هر دو متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌نمایند.

ب- فرآیندهای گسسته

۱- رقابت کوششی است که شخص برای عقب انداختن دیگری در وصول به یک هدف مشترک به عمل می‌آورد. در فرآیند رقابت هر دو طرف مقابل در وهله اول به هدفی که هر دو می‌خواهند به آن برسند نظر دارند و در وهله دوم است که بیکدیگر توجه پیدا می‌کنند و برای دست یافتن به آن هدف روی دست هم بلند می‌شوند، هر اندازه که هدف مورد نظر ارزشمند باشد، رقابت شدیدتر است، ضمناً در رقابت تنها رسیدن به هدف مورد نظر نیست بلکه گاهی سعی می‌شود که دیگران به هدف نرسند.

۲- ستیزه: هر گاه جریان رقابت بین دو یا چند نفر و یا بین اعضاء یک گروه، آمیخته با خشونت گردد، ستیزه شکل می‌گیرد و آن حالتی است که دو یا چند شخص یا گروه سعی می‌کنند یکدیگر را از سر راه بردارند.

کنش‌های متقابل اجتماعی در جامعه روستایی

جامعه روستایی بیش‌تر بر کنش‌های متقابل از نوع پیوسته استوار است ضمن آنکه کنش‌های از نوع گسسته نیز در آن مشاهده می‌شود.

در حقیقت جامعه روستایی جامعه‌ای است که بر کنش طبیعی بنا شده است یکی از محققین در بحث از اجتماع و جامعه از دو نوع رابطه اجتماعی نام می‌برد که یکی مبتنی بر کنش طبیعی یا روابط نخستین و دیگری مبتنی بر کنش سنجیده یا حساب‌شده یا روابط ثانوی است. منظور از کنش طبیعی روابطی است که بین افراد جوامع سنتی کشاورزی و شبکه خویشاوندی وجود دارد وی این نوع جوامع را «اجتماع» می‌نامد در حالیکه منظور از کنش سنجیده روابطی است که حاکم بر جوامع صنعتی و شهری است. در این نوع جوامع مناسباتی که افراد را به هم می‌پیوندد از نوع روابطی است که بیش‌تر بر اساس سود و زیان و منافع مادی است. وی این نوع جوامع را «جامعه» نام گذاشته است. در روستاهای ما روابط نوع اول (اجتماع) حاکم است.

روابط میان خانواده‌های روستایی از نوع روابط نخستین یعنی روابطی نزدیک و چهره‌به‌چهره است. این گونه روابط بر اثر مجاورت‌های مکانی برقرار می‌شود و یا اینکه بر اثر پیوندهای خویشاوندی و طایفه‌ای به‌وجود می‌آید. در مواردی نیز عوامل مکانی و خویشاوندی هر دو در ایجاد کنش‌های متقابل میان خانواده‌های روستایی مؤثرند. روابط همسایگی میان خانواده‌هایی برقرار می‌شود که در مجاورت هم سکونت دارند، هر چند این گونه روابط ممکن است در پاره‌ای موارد، بیش از روابط خویشاوندی اهمیت داشته باشد، لکن روابط خویشاوندی و طایفه‌ای گسترش بیشتری دارد و می‌تواند گروه زیادی از خانواده‌ها را شامل شود که گاه ممکن است وسعت قلمرو آن از سطح یک ده تجاوز کند و روستاهای دیگری را هم دربرگیرد. به‌عنوان مثال بسیاری از خانواده‌های طایفه «جافکانلو» و «شارمانلو» به‌طور پراکنده در دهات مختلف قوچان سکونت دارند (نیک‌خلق، ص ۵۱).

روابط میان خانواده‌های روستایی از دیدگاه‌های مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. این روابط گاه بشکل ساده و بدون هدفی مشخص میان افراد خانواده‌های روستایی به‌وجود می‌آید و انگیزه ایجاد آن صرفاً نیازهای درونی و ویژگی اجتماعی بودن انسان است و گاهی نیز ایجاد این روابط میان خانواده‌ها به منظور تحقق هدفهای اقتصادی و اجتماعی معینی است.

در مواردی نیز روابط متقابل میان خانواده‌های روستایی، بر اثر تکرار و استمرار در طول زمان به‌صورت یک نهاد اجتماعی نیرومند درمی‌آید. به‌طور کلی می‌توان روابط میان خانواده‌هایی که در یک شبکه خویشاوندی عضویت دارند یعنی از یک طایفه یا تیره یا دودمان هستند، به دو نوع تقسیم نمود:

یکی روابط افقی است که میان خانواده‌های عضو شبکه خویشاوندی یعنی خانواده‌های هم‌طایفه در زمینه مسائل مادی و غیرمادی شکل می‌گیرد و دیگر روابط عمودی است که میان خانواده‌های عضو شبکه خویشاوندی از یکسو و رهبران گروه خویشاوندی از سوی دیگر برقرار می‌شود.

رهبران طایفه و سران شبکه خویشاوندی بر رفتار اعضاء نظارت دارند و از آنان در مقابل افراد یا گروههای بیگانه حمایت و پشتیبانی می‌کنند و نیز هرگاه برای یکی از خانواده‌های عضو شبکه خویشاوندی یا افراد طایفه حادثه ناگواری روی دهد و یا اینکه از لحاظ اقتصادی با مشکلاتی مواجه شود، معمولاً رهبران گروه خویشاوندی یعنی

ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه، پا در میان می‌گذارند و اعضاء طایفه را تشویق می‌کنند تا با کمک‌های خود آن خانواده را از نگرانی درآوردند. در مواردی نیز که میان افراد گروه خویشاوندی اختلافی ایجاد شود، ریش‌سفیدان مداخله کرده و با استفاده از نفوذ و قدرت خود، با میانجیگری و کدخدامنشی این مسئله را حل می‌کنند و نمی‌گذارند دامنه دعوا و اختلاف به خارج از گروه و یا به مقامات انتظامی و قضائی کشیده شود (نیک‌خلق، ص ۱۲۴).

شبکه خویشاوندی در روستاهای ایران بسیار نیرومند است و گرچه خانواده‌های زن و شوهری ظاهراً مستقل هستند لکن پیوند و ارتباط خود را با خویشاوندان همچنان حفظ کرده‌اند و حتی افرادی که از گروه خویشاوندی خود فاصله گرفته و از محل سکونت اصلی خود دور شده‌اند غالباً پیوند خود را با خویشاوندان حفظ می‌کنند. در موارد زیادی جوانانی که به شهرها مهاجرت کرده و در آنجا به کار مشغول می‌شوند، به افراد خانواده‌های خود در روستا کمک مالی می‌کنند و به‌عبارت دیگر به روستاها از طریق مهاجرت پول تزریق می‌گردد. به‌عنوان مثال جوانانی که از روستاهای منطقه سربند اراک برای پیدا کردن کار به تهران مهاجرت می‌کنند در حاشیه‌های جنوب غربی شهر تهران و در ابتدای محور جاده‌ای که تهران را به ساوه متصل می‌سازد به کار صافکاری و نقاشی اتومبیل پرداخته و مقداری از درآمد خود را برای خانواده‌های خود که در روستاهای فقیر اراک و بدون هر گونه ممر درآمدی زندگی می‌کنند ارسال می‌دارند. (از یادداشت‌های نویسنده ضمن پژوهش‌های مربوط به یکپارچگی اراضی در منطقه اراک). این گونه تزریق پول به روستاها که در حقیقت نمونه‌ای از کارکرد مثبت مهاجرت است، ناشی از روابط نیرومند اعضاء شبکه خویشاوندی در میان روستاییان است. از جانب دیگر غالب روستاییان که از روستاهای دور و نزدیک به مراکز شهری مهاجرت می‌کنند، غالباً همسر خود را از روستاهای محل سکونت خویش و از میان اعضاء شبکه خویشاوندی برمی‌گزینند و این خود از دیگر کارکردهای شبکه خویشاوندی در روستا است.

سازش یا مصالحه و نقش مُعمران در داوری یا حکمیت در روستا

همچنانکه در صفحات پیشین گفته شد، سازش یا مصالحه به فرآیندی گفته می‌شود که به‌منظور جلوگیری از ادامه دشمنی و پرهیز از ایجاد مشکلات بیش‌تر افراد دست از مخاصمه برداشته و با گذشت متقابل در حق هم و دادن امتیاز به یکدیگر، روابط خود را عادی می‌سازند. اما این فرآیند نیاز به واسطه‌هائی دارد که در جامعه سنتی بتوانند این

نقش را بخوبی ایفا نمایند. در گذشته تا قبل از اصلاحات افراد پرنفوذی تحت عناوین ریش‌سفید و معتمد در روستاها و مناطق عشایری ما به‌سر می‌بردند که قدرت معنوی و نفوذ کلام آن‌ها در بین مردم زیاد بود و در تصمیم‌گیری‌های عمومی و حل و فصل مسائل اجتماعی و مشکلات شخصی و خانوادگی نقش مؤثری داشتند و به دلیل احترامی که مردم برای شیخوخیت آن‌ها قائل بودند، توصیه‌ها و نظرات آنان را با میل و رغبت و رضایت می‌پذیرفتند. از طرف دیگر تسلط این معتمدان محلی بر مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی خود و اطلاعات وسیعی که پیرامون مالکیت، جمعیت، زمین، آب، مقیاسات و مقادیر محلی داشتند، موجب می‌شد که غالباً نظر آنان در تعیین صحت و سقم این‌گونه اطلاعات در جوابگوئی به مقامات رسمی و دولتی حجت قرار گیرد. چه بسا اتفاق افتاده است که پژوهشگران مسائل روستایی با وجود حضور مقامات رسمی از قبیل مدیر عامل شرکت تعاونی، اعضای انجمن، مروجان روستایی و... برای بدست آوردن داده‌های مطمئن دست بدامان ریش‌سفیدانی شده‌اند که ظاهراً دارای هیچ‌گونه مقام رسمی در سطح ده نبوده‌اند. این نکته را نیز بایستی اضافه نمود که غالباً معتمدان و ریش‌سفیدان محلی، اغنیا و توانگران ده محسوب نمی‌شوند و اقتدار آنان در دارائی و مال و ملک نیست بلکه در اعتبار و نفوذ معنوی آنان است. متأسفانه بعد از انقلاب با انحلال انجمن‌های ده و تأسیس شوراهای اسلامی، معمرین و مطلعین روستایی با تمام تجارب و نفوذی که در سطح روستاها داشتند کنار گذاشته شدند و جوانانی جای آن‌ها را گرفتند که گرچه پرشور و فعالند اما مجموع ویژگی‌هایی را که ما از آن‌ها تحت عنوان شیخوخیت نام بردیم، ندارند و لذا امروزه به‌دلیل خلاء ناشی از حضور چنین افرادی، روستاییان به‌منظور حل اختلافات محلی، ملکی، طایفه‌ای و حتی خانوادگی، خود به مراجع قضائی رجوع می‌کنند. به‌عبارت دیگر با کنار گذاشتن معتمدین که با تکیه بر سن و تجربه و نفوذ مشکلات اهالی را به‌سادگی و در مدت کوتاهی حل و فصل می‌نمودند، امروزه مراکز انتظامی و قضائی شهرستانها مملو از روستاییانی است که به مجرد هر گونه اختلافی به آنها رجوع می‌نمایند. نکته بسیار مهم آن است که در این مراجع با تکیه بر قوانین مدون مبتنی بر ماده و تبصره سازش و مصالحه به‌صورت پیشین عملاً غیرمقدور و یا بسیار بندرت صورت می‌گیرد و بنابراین روستاییان ماه‌ها و سال‌های متمادی ممکن است درگیر پرونده‌ای باشند که نه تنها آن‌ها را از کار و زندگی باز می‌دارد، بلکه نتیجه عاجلی نیز برای آن‌ها دربرندارند. اشاره به این نکته نیز ضروری

است که فرهنگ ما فرهنگ شفاهی و مبتنی بر ارتباط چهره به چهره است و در حقیقت ریش‌سفیدان روستا با استفاده از روش کدخدا‌منشانه قادر بودند اختلافات محلی و حتی خانوادگی را به‌سادگی برطرف نموده و افراد را با ایراد جمالتی مؤثر آرام کرده و به مصالحه سوق دهند. با توجه به اهمیت کاربرد چنین روشهای کدخدا‌منشانه‌ای بجاست که مدیران جدید روستا تحت عنوان دهیاران، ضمن بهره‌گیری از توان و انرژی جوانان در امور روستاها، از تجارب و اعتبار و نفوذ معمرین و ریش‌سفیدان دهات برای ایجاد مصالحه بین طرفین درگیر در منازعات محلی استفاده نمایند.

انواع مشارکت در جامعه روستایی

در روستاهای ایران یاریگری و تعاون همیشه به‌عنوان ارزش اجتماعی مورد تأیید بوده است. در دوره باستان همیاری بین افراد جامعه امری پسندیده بوده است و در جامعه اسلامی نیز تعاون از ارزش و اهمیت معنوی زیادی برخوردار بوده است چنانکه در قرآن کریم آیه مبارکه «تعاونوا علی البرّ والتقوی» مصداق و مؤید همین امر است. زمینه انواع مشارکت دهیاری در جامعه روستایی ایران برحسب شرایط جغرافیائی و ویژگی‌های اقتصادی حاکم بر منطقه متفاوت است و به‌طور کلی با نیازهای مردم مرتبط است. از قدیم‌الایام در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران کمبود آب موجب می‌گردید که خانواده‌های روستایی در تهیه آب، حفر چاه و قنات و لایروبی آنها با یکدیگر مشارکت بسیار مؤثر و سازنده‌ای داشته باشند.

در نقاطی که در معرض خطر سیل قرار داشته است، روستاییان با مشارکت یکدیگر سیل‌بندهایی در مسیر سیلابها احداث کرده‌اند که نه فقط آنان را از خطر سیل مصون نگه می‌دارد بلکه موجب می‌گردد که سیلابها در گودال‌های مخصوصی نخیره شوند و برای آبیاری زمین‌های زراعی موجب استفاده قرار گیرند. در روستاهای برنج‌خیز شمال، بعلت محدودیت زمان کشت و تراکم زیاد کار، نشاء برنج به‌طور دسته‌جمعی انجام می‌گیرد و نیز بهنگام درو و برداشت برنج بعلت ریزش بارانهای مداوم و بی‌موقع که موجب بدرنگ شدن دانه‌های برنج و پوسیدگی خوشه‌های آن و از بین رفتن محصول می‌شود، کار درو در بسیاری موارد مانند نشاگری شکل جمعی بخود می‌گیرد و روستاییان بر اساس همیاری به درو و برداشت محصول می‌پردازند. در روستاهای لرستان رسم است که در مواقع درو و برداشت محصول، دهقانان حتی از یک ده به ده دیگر می‌روند و به

روستاییان آن ده در برداشت محصول کمک می‌کنند و این کمک‌ها را «همیاری» می‌نامند. در کردستان میان خانواده‌های روستایی نوعی کمک جمعی وجود دارد که اصطلاحاً آن را هراواز (HARAVAZ) می‌گویند. این کمک جمعی در مورد خانواده‌هایی که در کار زراعی‌شان عقب افتاده باشند انجام می‌گیرد. بدین ترتیب که تمام خانواده‌های ده به یکباره همت کرده و به کمک آن شخص می‌روند و او را در کارش یاری می‌دهند. صاحب زمین وظیفه دارد.

که در این مدت وسایل رفاه یاری‌دهندگان را از نظر غذا و نوشیدنی فراهم کند (نیک‌خلق، ۱۳۷۹، ص ۷۵).

یکی از پژوهشگران که کتاب باارزشی در ارتباط با فرهنگ یاریگری در ایران نوشته است مشارکت‌های سنتی را به «دگریاری»، «همیاری» و «خودیاری» تقسیم کرده است به شرح زیر:

الف - دگریاری و همیاری و تفاوت بین آنها:

دگریاری کنشی است یکسویه بین توانایان و ناتوانان در حالیکه همیاری جریانی است دوسویه اغلب بین کسانی که کم و بیش توانائی‌های مشابه و یکسان دارند، یعنی بین کسانی که همتراز هستند و می‌توانند کمبودهای یکدیگر را جبران کنند و در واقع نوعی مبادله است. تفاوت دیگر بین دگریاری و همیاری آن است که دگریاری غالباً از نوع کمک‌های اتفاقی و گسسته‌تر است در حالیکه همیاری از نوع کمک‌های منظم‌تر و پیوسته‌تر است. (گرچه در بسیاری از روستاها و مناطق عشایری، بخشی از دگریاریها نیز نظم موسمی پیدا کرده‌اند). مثلاً در بسیاری از روستاها، هر ساله در فصل خرمین گدایانی از اطراف و از شهرهای دور و نزدیک به روستاها و سرخرمن‌ها می‌روند و سهم خود را طلب می‌کنند و یا در ایلات سیرجان و از جمله در منطقه «پاریز» تا حدود بسیت و پنج سال پیش رسم بود که شیر گوسفندان را از اول نوروز تا چهل روز به فقرا، سادات، حمای، سلمانی و آهنگر می‌دادند. یکی دیگر از تفاوت‌های بین دگریاری و همیاری آن است که در دگریاری بیش‌تر آبروی اجتماعی، اجر اخروی یا تشفی روانی برای یاری‌دهنده مطرح است و در آن انتظار مقابله به‌مثل وجود ندارد، در حالیکه در همیاری انتظار یاری متقابل وجود دارد (فرهادی، ص ۵۸).

اصطلاحات مربوط به دگریاری و همیاری در روستاهای ایران متفاوت است مثلاً در روستاهای الیگودرز مانند «قلعه آشناخور» و ده «آشناخور» و «فرزیان» و... به دگریاری

«هیاره» گویند که واژه‌ای است بسیار قدیمی و احياناً باید کوتاه شده و دگرگون شده همیاری باشد و به همیاری (یعنی یاری با عوض)، «کمکی» و به یاری در ازای مزد، «کراکاری» گویند. در بابل و روستاهای اطراف، به دگریاری بلاعوض «کایر» و به همیاری و یاری باعوض «روجاری» گویند و البته با منسوخ شدن رسم «کایر»، امروزه معنای این دو واژه بهم نزدیک شده، گاه واژه «کایر»، را به جای «روجاری» نیز به کار می‌برند. در قائن و روستاهای آن به همیاری «عوض» و به دگریاری «همکاری» و به خودیاری در کارهای کشاورزی و آبیاری «عمله‌سری» گویند (همان منبع، ص ۶۱ و ۶۲).

ب- خودیاری:

امروزه واژه خودیاری در نوشته‌های مربوط به مسائل تعاونی‌ها و برنامه‌ریزی و عمران روستایی با مفاهیمی مانند همیاری به کمک متقابل و همکاری و تعاون مترادف است.

در حقیقت تفاوت «خودیاری» را با «همیاری» و «دگریاری» می‌توان در این نکته دانست که در «همیاری» و «دگریاری» که پیش از این نام بردیم، کمک‌دهنده و کمک‌گیرنده از یکدیگر جدا و قابل تمیز هستند، در حالیکه «خودیاری» یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده قابل تشخیص نیستند و نتایج کار غالباً همزمان به افراد گروه بازمی‌گردد و به عبارت دیگر، در اینگونه یآوری، هر دو گروه یکی هستند. لایروبی جویها و نهرا و قنات‌ها به وسیله روستاییان یک ده در حقیقت در «خودیاری» نیروی افراد یک کاسه و سازمان‌یافته می‌شود و کارائی لازم را برای پیشبرد هدف بدست می‌آورد ضمن آنکه کارهای سخت و خسته‌کننده بدنی در «خودیاری» به کاری دل‌انگیز، پرهیجان و شادی‌آفرین تبدیل می‌شود.^۱

تعاونی‌های سنتی در روستاهای ایران

مرتضی فرهادی مؤلف کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، تعاونی‌های سنتی را همان خودیاری، همیاری و دگریاری تشدید یافته تعریف نموده‌اند که بر این پایه سه نوع تعاونی سنتی را به شرح زیر می‌توان نام برد:

۱. علاقمندان برای اطلاع بیشتر از انواع یآوری در روستاهای ایران می‌توانند به کتاب فرهنگ یاریگری، در ایران نوشته آقای دکتر مرتضی فرهادی از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۳) رجوع نمایند.

الف - تعاونی‌های سنتی که محور اصلی آن‌ها خودیاری است مانند تعاونی سنتی «بُنه» یا «صحرا».

ب - تعاونی‌های سنتی که محور اصلی آن‌ها همیاری است مانند «واره».

پ - تعاونی‌های سنتی که محور اصلی آن‌ها دگریاری است مانند سازمان‌های وقفی. در زیر اختصاراً به شرح دو گونه از تعاونی سنتی که در جامعه روستایی ایران از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند و در ارتباط با آنها، پژوهش‌های ارزشمندی نیز انجام گرفته است پرداخته می‌شود.

الف - بُنه یا صحرا:

بُنه یا صحرا نوعی سازمان سنتی مبتنی بر کار گروهی در کشاورزی است که از سالیان متمادی در فلات ایران خصوصاً در نقاط کم‌آب مرکزی و حاشیه کویر رایج بوده است. در این نظام اراضی روستا به قطعاتی مجزا تقسیم می‌شد و هر یک از قطعات را چند نفر به صورت گروهی کشت و زرع می‌نمودند. معمولاً استقرار «بُنه» بر اساس نظام گردش آب بود. بدین ترتیب که اگر گردش آب یک ده مثلاً ۱۲ شبانه روز یکبار بود، زمینهای کشاورزی ده به ۱۲ بُنه تقسیم می‌شد. از جانب دیگر تا تقسیم‌بندی دیگری نیز بر روی زمینهای زراعی بر اساس تنوع کشت انجام می‌شد و به عبارت دیگر زمینهای زراعی یک ده که به صورت «بُنه» مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، تقسیم‌بندی دوگانه‌ای داشت: بر اساس گردش آب و بر اساس تنوع کشت و نوع خاک زراعی.

هر بُنه یا صحرا از همکاری و همیاری ۴ یا ۵ یا ۶ دهقان تشکیل می‌گردید که در یکسال زراعی مشترکاً به کار کشاورزی می‌پرداختند و حیات آن به عوامل پنجگانه آب، شخم، کار، بذر و زمین بستگی داشت و محصول نیز در چارچوب مزارعه بین اعضاء بُنه و مالک تقسیم می‌شد. تعداد اعضاء هر بُنه گاهی به ۹ نفر نیز بالغ می‌گردید.

بر اساس تحقیقی که جواد صفی‌نژاد در ارتباط با نظام بُنه‌بندی در روستاهای شهر ری و ورامین انجام داده است، افرادی که در یک بُنه کار می‌کردند به سه گروه آبیاری، دُم‌آبیاری و برزگر تقسیم می‌شدند که هر کدام وظایف خاصی را بر عهده داشتند و به عبارت دیگر نوعی تقسیم کار بر اساس تخصص بین آن‌ها وجود داشت.

پس از اصلاحات ارضی و در نتیجه صاحب زمین شدن روستاییان صاحب‌نسق، نظام سنتی بُنه‌ها از هم پاشیده شد و کشاورزان غالباً به دلیل انگیزه مالکیت به کشاورزی انفرادی گرایش پیدا نمودند.^۱

ب- واره:

واره یا شیرواره نوعی تعاونی سنتی کهن است که محور اصلی آن همیاری است. این همیاری غالباً زنانه بوده و هدف آن یک کاسه کردن تولید شیر یک روستا است. افرادی که به عنوان عضو این تعاونی سنتی محسوب می‌گردند (یعنی هموارگان)، شیر چند روز خود را به یکی از اعضاء قرض می‌دهند و در روزها و هفته‌های بعد، شیرهای وام داده شده را پس می‌گیرند. در واقع واره بر پایه مبادله شیر با شیر استوار است. دلیل شکل‌گیری چنین تعاونی سنتی آن بوده است که خانواده‌های روستایی چون نمی‌توانند مقدار شیر تولیدی خود را که غالباً ناچیز است، بلافاصله با پول یا کالاهای دیگر در محل مبادله کنند و یا به تنهایی از آن برای تولید فراورده‌های شیری برای فروش یا رفع نیازهای مصرفی سالیانه خود استفاده کنند، الزاماً به شیرواره اقدام می‌کنند. روشن است که در روستاهایی که میزان شیر خانوارهای روستایی زیاد است، ایجاد چنین تعاونی لزومی نداشته است زیرا هر خانوار به تنهایی می‌تواند شیر خود را به فراورده‌های شیری (پنیر، ماست و...) تبدیل نماید. پس مهمترین نقش این نوع تعاونی، یککاسه کردن شیرهای خانوارهای مختلف و اقتصادی کردن کار دامداری معیشتی روستاییان است. به عنوان مثال در روستاهای مشهد مانند حکیم‌آباد و حاجی‌آباد در اوایل سال که شیر دامها زیاد است هر خانوار رأساً دست به تولید محصولات لبنی می‌زند اما هنگامی که شیر دامها کم می‌شود روستاییان به واره روی می‌آورند که در آن روستاها «آلچغ» گویند (فرهادی، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴). در دهکده «چقازرد» ۲۴ کیلومتری کرمانشاه بر سر راه شاه‌آباد (اسلام‌آباد) غرب نیز شیرواره با کم شدن شیر در اوائل پائیز شروع می‌شد و در آن موقع زنان روستایی به وام دادن و وام گرفتن شیر (شیرواره) می‌پردازند. در ایلات سنگسر نیز شیرواره (در اصطلاح محلی پنجه) در اواخر تابستان که مقدار شیر دامداران کم می‌شود شروع می‌گردد. در ده

^۱ برای اطلاع بیشتر از نظام بُنه‌بندی و کشت و کار گروهی رجوع کنید به کتاب بُنه، (نظامهای زراعی در ایران) نوشته جواد صفی‌نژاد، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۸.

«میمند» شهر بابک صد روز پس از آغاز بهار که دامداران به کوهستان می‌روند و میزان شیر گوسفندان کاهش می‌یابد، «بده بستون» که اصطلاح محلی «واره» است آغاز می‌گردد. در هنگام کاهش شیر آنهایی که شیرشان بسیار است یا دیرتر در واره شرکت می‌کند تا کلاً در واره شرکت نمی‌کنند. در طوایف کلهر و سنگسری‌ها که با طوایف سیری و هداوندیها همسایه هستند، کسانی که بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ رأس گوسفند دارند، شیرشان را واره نمی‌برند و... . در سال‌های اخیر ورود تکنولوژی جدید به‌ویژه احداث کارخانه‌های پنیرسازی و شیر پاستوریزه در برخی از مناطق از جمله گلپایگان، اراک، خوانسار و خمین باعث متلاشی شدن واره‌ها گردیده است (همان منبع، ص ۱۳۴ و ۱۳۵).

منابع و مأخذ فصل ششم

- ۱- آگبرن و نیم‌کف، اقتباس امیرحسین آریان‌پور، ۱۳۴۲.
- ۲- صفی‌نژاد، جواد، بُنه، (نظامهای زراعی سنتی در ایران). مؤسسه انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۸.
- ۳- فرهادی، مرتضی، فرهنگ یاریگری در ایران، (جلد اول یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۴- فرهادی، مرتضی، «واره». نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی تهران، ۱۳۸۰.
- ۵- فرهادی، مرتضی، واره یا نوعی تعاونی کهن سنتی زنانه در ایران، فصلنامه، علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰.
- ۶- فرهادی، مرتضی، «واره» نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۰.
- ۷- نیک‌خلق، علی‌اکبر، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کلمه، ۱۳۷۹.
- ۸- نیک‌گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات رایزن، ۱۳۶۹.
- ۹- وثوقی، نیک‌خلق، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، ۱۳۸۱.

**فصل هفتم :
نظام ارزش‌ها و نظارت
اجتماعی در جامعه
روستایی**

فصل هفتم نظام ارزش‌ها و نظارت اجتماعی در جامعه روستایی

۱- نظام ارزش‌ها

مقدمه

واژه ارزش در زبان فارسی معادل قدر، مرتبه، لیاقت، شایستگی، زیبایی، برازندگی، قابلیت، ارز، گرامی داشتن آمده است. در اصطلاح جامعه‌شناسی ارزش اجتماعی عبارت از چیزی است که موضوع پذیرش همگان است. ارزش اجتماعی اموری را تشکیل می‌دهد که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است. بعبارت دیگر می‌توان گفت که هر امر مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند، یا هر چیز گرانبها و سودمند از جمله ارزش‌های اجتماعی است. وقتی به کودک یاد می‌دهیم به بزرگتر از خود احترام بگذارد و به او سلام کند، حرف پدر و مادر را گوش کند و به آن‌ها احترام کند و از آن‌ها اطاعت نماید، در واقع ارزش‌های اجتماعی را در ذهن او جای می‌دهیم.

نوع ارزش‌ها

ارزش‌های اجتماعی انواع مختلفی دارند از آن جمله است ارزش‌های اجتماعی ثروت، قدرت، دانش، محبت، احترام، تقوی، دیانت، سلامت و مانند اینها. دستیابی به هر یک از ارزش‌های اجتماعی مذکور ممکن است به کسب ارزش اجتماعی دیگری منجر شود مثلاً ارزش‌های اجتماعی تقوی و دیانت از جمله ارزش‌های عمیق و ریشه‌داری است که ارزش‌های اجتماعی احترام و محبت را نیز به همراه دارد. ارزش اجتماعی احترام به پیران و سالمندان که از ارزش‌های کهن اجتماعی است و از گذشته‌های دور تا کنون، همچنان پایدار است، تا حدزیادی با مهارت، ورزیدگی و تجربیاتی که انسان در طی زندگی بدست می‌آورد ارتباط دارد. در جامعه روستایی، مالکیت زمین نیز از جمله ارزش‌های قدیمی است که باعث کسب ارزش اجتماعی آبرو و حیثیت برای فرد می‌گردد و در مقابل فرد با از دست دادن زمین خود اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در جامعه روستایی روستاییانی که دارای زمین هستند، از پایگاه اجتماعی بالائی در مقایسه با خوش‌نشینان و دیگر اقشار بی‌زمین، برخوردارند مالکیت زمین ضمن ایجاد منزلت اجتماعی، موجبات کسب ثروت نیز می‌گردد که خود در زمره یکی از ارزش‌های اجتماعی است.

همین ارزش بالای مالکیت زمین بود که پس از اصطلاحات ارضی، موجب فروپاشی نظام کار گروهی «بُنه» گردید. ارزش مالکیت ارضی، انگیزه دستیابی سریع دهقانان صاحب نسق را به زمینهای متعلق به خود افزایش داد و به دلیل همین انگیزه بود که شرکت‌های سهامی زراعی نیز در قالب کشت و کار گروهی نتوانست دوام بیاورد و بمحض شکل‌گیری انقلاب به سرعت رو بزوال نهادند. در حال حاضر نیز هنوز بین مالکیت ارضی و ساخت طبقاتی ارتباط و همبستگی نزدیکی وجود دارد و به همین دلیل کارگران ساده کشاورزی و دروگران بی‌چیز که جز نیروی بازوی خود چیزی ندارند، در سلسله مراتب اجتماعی روستایی در پائین‌ترین رده قرار می‌گیرند. ولی فقط صرف مالکیت زمین در ارتباط با سلسله مراتب اجتماعی کافی نیست، بلکه کمیت این مالکیت نیز مطرح است و به همین دلیل در این مورد از مالکان اراضی بزرگ، متوسط و کوچک سخن بمیان می‌آید. به عبارت دیگر، مقدار زمینی که در مالکیت یک فرد است، در تعیین درجه منزلت اجتماعی وی مؤثر است.

ویژگی‌ها و کارکردهای ارزش‌های اجتماعی

- ارزش‌های اجتماعی با ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند که اهم آن‌ها عبارتند از:
- ۱- ارزش‌های اجتماعی میان مردم مشترک هستند و از عوامل وفاق اجتماعی بین افراد جامعه محسوب می‌شوند.
 - ۲- ارزش‌های اجتماعی چون بین افراد جامعه عمومیت دارند، به قضاوت شخصی مردم وابسته نیستند.
 - ۳- چون ارزش‌های اجتماعی مبتنی بر عواطف هستند بنابراین در برخی موارد مردم برای حفظ برخی از آن‌ها مانند، ارزش‌های فرهنگی، تقوی و دیانت و شرافت و عدالت از جان و مال دریغ نمی‌کنند. ارزش‌های اجتماعی دارای کارکردهائی نیز هستند که اهم آن‌ها عبارتند از:
 - ارزش‌های اجتماعی درونی شده چون قطب‌نمائی فرد را در راهیابی‌های اجتماعی هدایت می‌کنند و فرد با کمک آن‌ها می‌داند، کجا، چه وقت و چگونه رفتار کند.
 - ارزش‌های اجتماعی در افراد هدف و انگیزه ایجاد می‌کنند.

- ارزش‌های اجتماعی نوعی فشار و نظارت اجتماعی بر فرد وارد می‌کنند و اشخاص را وادار می‌کنند که مطابق رسوم و عرف جامعه عمل کنند و از رفتارهای نادرست و الگوهای رفتاری ممنوع پرهیز کنند.

- ارزش‌های اجتماعی عامل همبستگی اجتماعی محسوب می‌شوند زیرا اشخاص و گروهها به دلیل اشتراک در ارزش‌های اجتماعی به گرد هم جمع می‌شوند و به عبارت دیگر ارزش‌های مشترک موجب وحدت و یکپارچگی آنهاست و به همین دلیل می‌توان گفت که ارزش‌های مشترک از مهمترین عوامل ایجاد و حفظ همبستگی بین افراد است (نیک‌گهر، ۱۳۶۹ ص ۲۹۳).

ب - نظارت یا مراقبت اجتماعی

نظارت یا مراقبت یا کنترل اجتماعی (Social Control) در جامعه‌شناسی بمعنای وسایل و ابزاری هستند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند و آنان را وادار به پیروی از هنجارها و ارزشها می‌کند. در صورتی که فردی از هنجارهای اجتماعی سرپیچی کند و رفتارهای مخالف ارزشها و هنجارهای اجتماعی باشد از طرف گروه یا جامعه مورد سرزنش و مجازات قرار می‌گیرد و بدین ترتیب افراد ملزم به رعایت هنجارها و حفظ ارزش‌های می‌شوند. به عبارت دیگر جامعه نظام‌های پاداش و مجازات ویژه‌ای دارد، بدین‌سان افرادی را که خلاف ارزشها و هنجارهای اجتماعی رفتار می‌کنند. سرزنش و مجازات می‌کند و آنهایی را که رفتاری متناسب با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه دارند تشویق می‌کند و پاداش می‌دهد.

نظارت اجتماعی را به دو نوع می‌توان طبقه‌بندی نمود:

الف - نظارت رسمی که از طریق مراجع قانونی و صلاحیت‌دار انجام می‌گیرد.

ب - نظارت غیررسمی که مبتنی بر مراجع قانونی یا آئین‌نامه‌های مکتوب نیست اما نقش مهمی در شکل دادن به رفتار اجتماعی افراد دارند. نظارت غیررسمی در جوامع روستایی نقشی بمراتب مؤثرتر و با اهمیت‌تر از نظارت رسمی دارد. در جامعه روستایی به‌ویژه در روستاهایی که گروه‌های طایفه‌ای و قومی متفاوتی وجود دارد، رفتار افراد پیوسته تحت نظارت دیگران قرار دارد و به همین دلیل است که غالباً افراد به‌ویژه جوانان و نوجوانان تحت این نظارت شدید دست از پا خطا نمی‌کنند، اما مهاجرین روستایی در شهر که نظارت اجتماعی کاهش می‌یابد، ممکن است بعضاً دچار انحراف شوند و یا گرایش به انحراف در آنها افزایش یابد. به عبارت دیگر در جامعه روستایی، چهره به

چهره بودن روابط همواره با یک نوع نظارت و کنترل اجتماعی همراه است یعنی افراد همدیگر را مورد کنترل قرار می‌دهند و گاهی نیز این نظارت بسیار شدید و بگونه‌ای مداخله‌جویانه و حسادت‌آمیز می‌گردد که خود می‌تواند منشاء بسیاری از اختلافات و کشمکش‌های طایفه‌ای و خویشاوندی گردد.

منابع و مأخذ فصل هفتم

- ۱- جوزف روسک، رولندوارن، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی، احمد کریمی، تهران، ۱۳۵۰.
- ۲- رفیع‌پور، فرامرز، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳- محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی عمومی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۷۰.
- ۴- نیک‌خلق، علی‌اکبر، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۷۹.
- ۵- نیک‌گهر، عبدالحسین، انتشارات رایزن، تهران ۱۳۶۹.
- ۶- وثوقی، منصور، نیک‌خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، تهران، ۱۳۸۰.

فصل هشتم :
فقر و آسیب‌پذیری در
جامعه روستایی

فصل هشتم: فقر و آسیب‌پذیری در جامعه روستایی

مقدمه

به‌طور کلی وضعیت آسیب‌پذیری روستاییان را می‌توان وضعیتی متأثر از فقر و نابرابری بشمار آورد. در جامعه روستایی، بخش عظیمی از روستاییان و کشاورزان خاصه روستاییان فقیر و کشاورزان خرده‌پا و متوسط، عملاً آسیب‌پذیر به‌شمار می‌آیند و این وضعیت به‌ویژه در مقاطعی از سال که به دلایل مختلف از قبیل طول فاصله زمانی تا فصل برداشت و بروز وضعیت‌های غیرمترقبه، خانوارهای ساکن روستا با کمبود مواد غذایی و درآمد نقدی روبرو می‌شود تشدید می‌گردد. علاوه بر این در شرایط خشکسالیها و یا بروز سوانح طبیعی از قبیل سیل و زلزله و یا آفت‌زدگی‌های همگانی و فراگیر از قبیل هجوم ملخ یا آفاتی از این قبیل نیز وضعیت آسیب‌پذیری تشدید می‌شود و گسترش می‌یابد و قشرها و گروه‌های بیش‌تری از روستاییان و کشاورزان به آن مبتلا می‌شوند. در واقع می‌توان گفت که فقیر و محروم در جامعه روستایی به فردی گفته می‌شود که از امکانات اقتصادی، بهداشتی، درمانی، آموزشی و فرهنگی و رفاهی کمتری نسبت به سایر ساکنان روستای محل سکونت خود برخوردار بوده و متوسط درآمد و هزینه زندگی او از متوسط هزینه و درآمد سایر روستاییان کمتر است.

برای تشخیص قشرهای آسیب‌پذیر می‌توان از چهار ضابطه اصلی که معرف جنبه‌های مختلف وضعیت نامنی فردی و اجتماعی است بهره گرفت. این ضابطه‌ها عبارتند از:

۱- نامنی غذایی که با گرسنگی، سوءتغذیه یا هر گونه مخاطره در الگوی مصرف غذایی خانوار تعریف می‌شود.

۲- نامنی شغلی که با بیکاری یا تحت شرایط خاص، اشتغال موقت و ناپایدار تعریف می‌شود.

۳- نامنی اجتماعی که با بی‌قدرت بودن و حالت انزوای اجتماعی تعریف می‌شود.

۴- نامنی بهداشتی که با بیماری، ضعف جسمانی و نیز فقدان یا تحت شرایط خاص، دشواری دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی تعریف می‌شود. (زاهدی مازندرانی و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۲۱).

در ایران سازمان‌های متعددی در ارتباط با فقرزدائی در روستا فعالیت می‌نمایند که عبارتند از:

- سازمان بهزیستی
- کمیته امداد امام خمینی
- جمعیت هلال احمر
- بنیاد مستضعفان و جانبازان
- بنیاد شهید انقلاب اسلامی
- بنیاد ۱۵ خرداد
- سازمان اوقاف
- سازمان تأمین اجتماعی

علیرغم وجود مؤسسات فوق‌الذکر و با وجود آنکه یکی از اشکال عمده آسیب‌پذیری در کشور بیکاری و بی‌سرپرستی است، در این زمینه حمایت‌های منظم و سازمان‌یافته‌ای که بتواند به صورت متمرکز عمل نماید، ارائه نمی‌گردد. در حقیقت نظامی که بگونه‌ای مؤثر و فراگیر می‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات و آسیب‌های جامعه روستایی باشد همانا سازمان گسترده‌ای تحت عنوان تأمین اجتماعی یا حداقل سازمان بیمه اجتماعی روستایی است که جای آن متأسفانه در مناطق روستایی کشور ما خالی است.

علمکرد سازمان‌های عمده حمایتی در مناطق روستایی

- الف - انواع کمک‌های اعطائی کمیته امداد امام خمینی شامل موارد زیر می‌گردد:
 - **طرح شهید رجائی:** طرحی است که بر اساس آن به سالمندان نیازمند ۶۰ ساله و بیش‌تر جامعه روستایی کشور کمک می‌شود. مددجویان تحت‌پوشش این طرح، ماهانه مبلغی مستمری به صورت نقد یا کالا دریافت می‌دارند.
 - **وام خودکفائی:** وام یا کمک‌های مالی است که به خانوارهای تحت‌پوشش کمیته امداد برای فعالیت در زمینه قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، بافندگی و خیاطی، دامداری و کشاورزی، پرورش کرم‌ابریشم و ... پرداخت می‌شود.
 - **طرح مددجویی:** این طرح مربوط به مددجویانی می‌شود که معمولاً بنا به عللی از قبیل بی‌سرپرستی، ازکارافتادگی سرپرست، معلولیت سرپرست، استیصال و درماندگی و بیماری سرپرست، تحت‌پوشش قرار می‌گیرند.
- ذیلاً در مورد هر یک از طرح‌های چهارگانه فوق‌الاطلاعات و داده‌هایی را به شرح زیر ارائه خواهیم داد:

۱- طرح شهید رجائی:

بر اساس اطلاعات موجود، در پایان سال ۱۳۷۹، تعداد ۶۴۵۳۰۰ خانوار سالمند با جمعیت ۱۵۷۷۳۴۲ نفر تحت پوشش این طرح قرار داشته‌اند که از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۹، ۰/۷ درصد بر تعداد خانوارها و ۱/۲ درصد بر تعداد نفرات تحت پوشش این طرح افزوده شده است (گزارش آماری کمیته امداد، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰).

از مجموع خانوارهای تحت پوشش، تعداد ۶۳۲۳۰۳ خانوار با جمعیت ۱۵۳۴۳۰۶ نفر (۹۷/۳ درصد) روستایی و تعداد ۱۲۹۹۷ خانوار با جمعیت ۴۳۰۳۶ نفر (۲/۷ درصد) عشایری بوده‌اند.

ضمناً بر اساس اطلاعات همین سال (۱۳۷۹)، تعداد ۵۱۵۵۶ خانوار با جمعیت ۱۵۴۰۲۱ نفر از تحت پوشش طرح شهید رجائی خارج شده‌ند که علت آن به شرح زیر است:

تعداد ۳۳۲ خانوار (۰/۶ درصد) به دلیل اشتغال یا خودکفائی، تعداد ۱۲۶ خانوار (۰/۲ درصد) به علت اشتغال به کار یکی از اعضاء خانوار، تعداد ۲۳۲۳۸ خانوار (۴۵/۱ درصد) بعلت فوت سالمند، تعداد ۷۲۱۳ خانوار (۱۴/۰ درصد) به دلیل مهاجرت، تعداد ۶۸۱۵ خانوار (۱۳/۲ درصد) به دلیل از دست دادن شرایط استحقاق، تعداد ۱۵۷۱ خانوار (۳/۰ درصد) به دلیل دریافت کمک از جای دیگر و تعداد ۱۲۲۶۱ خانوار (۲۳/۸ درصد) بنا به سایر علل. (همان منبع، ص ۱۱۲).

ضمناً بودجه سرانه مستمری ماهیانه خانوارها در سال ۱۳۷۹ به شرح زیر بوده است:

به خانوارهای یک نفره ۵۲۰۰۰ ریال، دو نفره ۶۵۰۰۰ ریال، سه نفره ۱۰۰۰۰۰ ریال، چهار نفره و بیش‌تر ۱۲۰۰۰۰ ریال.

۲- طرح خودکفائی مددجویان

برنامه خودکفائی در این نهاد حول محورهای زیر صورت می‌گیرد:

- پرداخت وام‌های خودکفائی، تهیه و واگذاری مواد اولیه و وسیله کار
- رسیدگی و نظارت بر فعالیت‌های خودکفائی خانواده‌ها
- ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
- کاریابی برای مددجویان و ایجاد زمینه‌های لازم برای جذب مددجویان آموزش‌دیده در بازار کار

- ایجاد زمینه استفاده مددجویان از محل تسهیلات قانون بودجه
- ایجاد زمینه دریافت وام توسط زنان روستایی سرپرست خانوار «طرح حضرت
زینب (س)»

- تهیه مقدمات لازم برای خودکفائی جمعی و گروهی، از طریق کارگاه های آموزشی
و تولیدی

- تأمین فضای خودکفائی

طبق آمار موجود در سال ۱۳۷۹ جمعاً تعداد ۱۲۰۱۷۸ خانوار با جمعیت ۵۷۸۳۶۵ نفر
تحت پوشش طرح های خودکفائی قرار داشته اند. (همان منبع، ص ۱۸۶).

۳- طرح مددجویی

همان طوری که قبلاً گفته شد، طرح مددجویی شامل افرادی می گردد که معمولاً به دلیل
ازکارافتادگی سرپرست، معلولیت سرپرست، استیصال و درماندگی و بیماری سرپرست
و نظایر آن نیازمند به کمک هستند.

بر اساس آمار سال ۱۳۷۹ کمیته امداد، تعداد ۲۶۷۹۷۸ خانوار در مناطق روستایی
کشور تحت پوشش این طرح قرار داشته اند که جمعیتی معادل ۱۰۹۰۰۴۲ نفر را
دربرمی گیرد. طبق آمار، دلایل تحت پوشش قرار گرفتن این افراد را به شرح زیر می توان
خلاصه نمود:

فوت سرپرست	۳۳/۵ درصد
بی سرپرست به دلیل طلاق	۴/۷ درصد
متارکه یا مفقود شدن سرپرست	۳/۴ درصد
ازکارافتادگی سرپرست	۲۵/۶ درصد
معلولیت سرپرست	۴/۵ درصد
بیماری سرپرست	۱۴/۷ درصد
سایر علل	۱۳/۶ درصد
جمع	۱۰۰/۰۰۰ (همان منبع، ص ۷۷).

ب- سازمان بهزیستی

سازمان بهزیستی خدمات حمایتی خود را به وسیله مجتمع های خدمات حمایتی
روستایی در سطح روستاهای کشور ارائه می دهد. این مجتمع ها واحدهائی اجرائی هستند

که دو یا چند فعالیت از فعالیتهای برنامه حمایتی افراد و خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند را به مددجویان ارائه می‌دهند. اهم این برنامه‌ها عبارتند از:

- برنامه جوانان و نوجوانان، شامل خدمات آموزشی، عقیدتی و تربیت بدنی جوانان و نوجوانان متعلق به خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست در جهت پیشگیری از آسیبهای اجتماعی و انحرافات و بزهکاریها می‌باشد.

- خدمات توانبخشی، شامل مجموعه‌ای از خدمات است که در جهت به حداکثر رساندن توانائی‌های موجود در فرد معلول به‌کار گرفته می‌شود.

- واحد خانواده و کودک ناشنوا، در این مرکز آموزش‌های روش‌های ارتباطی ویژه ناشنوایان از قبیل لب‌خوانی، زبان اشاره و درک مفاهیم و پرورش رشد قوای حسی، حرکتی و ذهنی کودک و سایر امور مربوط از قبیل چگونگی همسازی کودک با محیط، به کودکان و والدین آنان آموزش داده می‌شود.

بر اساس برآورد سال ۱۳۸۱، تعداد ۱۲۱۸ مجتمع خدمات حمایتی در سطح روستاهای کشور وجود داشته است که بیش‌ترین آن‌ها در استان خراسان (تعداد ۱۱۶ واحد) و در فارس (۱۱۴ واحد) بوده است. بعد از این دو استان از نظر تعداد این نوع مجتمع‌ها، استانهای اصفهان، کرمان، و مازندران قرار دارند. تعداد موارد استفاده‌کننده از خدمات حمایتی تحت عنوان حمایت از خانوارهای بی‌سرپرست و نیازمند (مستمری‌بگیران) طبق آمار سال ۱۳۸۱ بالغ بر ۶۱۸۷۸ نفر بوده است که بیش‌ترین آن‌ها به ترتیب مربوط به استان خوزستان (۱۱۸۷۵ نفر)، استان سیستان و بلوچستان (۷۷۰۸ نفر)، استان لرستان (۵۸۳۱ نفر) و استان گیلان (۴۴۳۶ نفر) است. (سالنامه آماری سال ۱۳۸۱، صص ۴۹۸-۴۹۹).

پ - علاوه بر نهادی فوق‌الذکر، بنیادهای دیگری نیز تحت‌عنوان بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و جمعیتد هلال‌احمر نیز، بر اساس تعداد افراد خانوارهای شهدا، اسرا و مفقودین، هر کدام تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد واجد شرایط را مورد حمایت قرار می‌دهند. بر اساس آمار سال ۱۳۸۱، جمع مستمری‌بگیران بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تحت‌عنوان خانوار فرد شهید، در کل کشور به تعداد ۲۲۴۴۳۲ نفر و تعداد افراد تحت‌پوشش به ۴۷۸۹۵۱ نفر بالغ می‌گردد و در ارتباط با کمک‌های بنیاد مستضعفان و جانبازان، بر اساس همین آمار، جمع مستمری‌بگیران

تحت پوشش بنیاد مستضعفان و جانبازان در سال ۱۳۸۱ بالغ بر ۱۱۵۸۱۹ نفر و تعداد جانبازان تحت پوشش همین بنیاد ۴۷۸۴۵۵ نفر اعلام گردیده است.

سازمان هلال احمر نیز در روستاها منشأ خدماتی است که به بیماران سرپائی مراجعه کننده و بیماران نیازمند به پزشکان متخصص و نیازمندان به وسایل و اندامهای مصنوعی ارائه شده است این سازمان همچنین در ارتباط با تزریق و پانسمان، رادیوگرافی و آزمایش پزشکی نیز پاسخگویی تعداد قابل ملاحظه‌ای از مراجعان است.

گروه‌های فقیر جامعه روستایی

بر اساس نتایج یک پژوهش اقشار بشدت آسیب‌پذیر و فقیر جامعه روستایی در ایران را می‌توان به پنج گروه شامل بیکاران، خانواده‌های تحت سرپرستی زنان، چوپانان، ماهیگیران خرده‌پا، کارگران روستا تقسیم نمود. در زیر هر کدام از اقشار فوق را با توجه به پژوهش مذکور مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱- بیکاران: بر اساس سرشماری ۱۳۷۰، از مجموع ۱۵/۹ میلیون نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر ساکن در مناطق روستایی کشور جمعاً ۶/۱ میلیون نفر فعال گزارش شده‌اند. از این تعداد ۷۴۶ هزار نفر بیکار جویای کار محسوب شده‌اند که در واقع نسبت آن به جمعیت فعال حدود ۱۲ درصد و نسبت به کل جمعیت ۱۰ ساله و بالا ۴/۶ درصد است. نکته قابل توجه در ارتباط با جمعیت فعال جامعه روستایی آن است که نسبت این جمعیت در مقایسه با سرشماریهای پیشین مرتباً در حال کاهش است که دلیل آنرا می‌توان مهاجرت شدید روستا به شهر دانست که بخشی از نیروی کار بالقوه بیکار روستاها را از نقاط روستایی خارج می‌سازد و به عبارت دیگر عامل مهاجرت نسبت بیکاران و یا به سخن دیگر فقرا یا خانوارهای گرفتار فقر مزمن را در جامعه روستایی کاهش داده و فقر را به جامعه شهری منتقل ساخته است. در هر حال خانوارهای تحت سرپرستی بیکاران را می‌توان از زمره فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار روستایی کشور محسوب نمود. (زاهدی مازندرانی و دیگران، ۱۳۷۵، صص ۴۳ الی ۴۸).

۲- خانوارهای تحت سرپرستی زنان: بر اساس همین پژوهش یکی دیگر از اقشار آسیب‌پذیر جامعه روستایی کشور ما، خانوارهای روستایی است که تحت سرپرستی زنان روزگار می‌گذرانند. غالباً چنین خانوارهایی به دلیل فوت همسر تحت سرپرستی زنان قرار گرفته‌اند و به همین اعتبار در صورت وجود فرزندان از زمره خانوارهای ایتم

بشمار می‌آیند که جزو آسیب‌پذیرترین و غالباً فقیر گروه‌های روستایی هستند. در مجموع خانوارهای تحت‌سرپرستی زنان را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته اول خانوارهایی هستند که به دلیل فوت همسر (مرد) تحت‌سرپرستی زنان قرار گرفته‌اند.

دسته دوم خانوارهایی را شامل می‌گردد که بر اثر طلاق تحت‌سرپرستی زنان تشکیل می‌شود.

و بالاخره دسته سوم خانوارهایی هستند که به دلیل مهاجرت فصلی مردان اعم از مهاجرت‌های داخلی یا خارجی، تحت‌سرپرستی زنان قرار دارند. در آمارگیری سال ۱۳۷۰ کل تعداد زنان روستایی سرپرست خانوار ۲۳۵۹۰۵ نفر گزارش شده است. بر اساس همین آمار فقط ۱۲ درصد از این سرپرستان شاغلند و این موضوع نشانگر آن است که بقیه سرپرستان زن برای تأمین مخارج خانوار تحت‌سرپرستی نیازمند کمک مالی دیگرانند (همان منبع، با بهره‌گیری از صص ۴۹ الی ۵۶).

۳- چوپانان: چوپانان نیز به‌عنوان یکی از اقشار فقیر و محروم روستایی تلقی می‌شوند این افراد نگهداری دام‌هایی را بر عهده دارند که عموماً متعلق به خود آنان نیست. عموماً فاقد مسکن ثابت و دایمی‌اند و به‌دلیل انزوای اجتماعی که از شیوه فعالیت (صحراگردی) ناشی می‌شود مشارکت کافی در امور اجتماعی ندارند و لذا نمی‌توانند منزلت و پایگاه اجتماعی در خور توجه در جامعه روستایی کسب نمایند. چوپانان را در واقع می‌توان به‌عنوان کارگرانی تلقی کرد که اغلب فقط مالک نیروی کار خویشند.

۴- کارگران روستایی: به‌طور کلی کارگران روستایی را می‌توان به دو دسته مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی و مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی تقسیم نمود:

مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی بر طبق تعریف علاوه بر کارکنان دولت یعنی معلمان، مروجان، کارکنان مراکز خدمات بهداشتی، کارکنان پست و مخابرات و مراکز خدمات کشاورزی، شامل کارکنان کارگاه‌هایی است که از لحاظ بودجه خودکفا بوده ولی تحت‌نظارت دولت قرار دارند از قبیل شهرداری‌ها، دخانیات، کارگاه‌ها و شرکت‌های تحت‌پوشش صنایع ملی و امثال اینها.

مزد و حقوق‌بگیران (کارگران) بخش خصوصی نیز در نقاط روستایی کشور از حیث گروه فعالیتی به دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی تعلق دارند. کارگران کشاورزی مجموعه‌ای از مشاغل سنتی کشاورزی از قبیل دشتبانی، آب‌پائی و امثال آن و مشاغل جدید کشاورزی از قبیل رانندگی کمباین و تراکتور، تکنیسین موتور پمپ‌های آب،

سمپاشی و امور جاری کشت و کار از قبیل بذرپاشی و کاشت، وجین، آبیاری، هرس و برداشت را بر عهده دارند.

کارگران غیرکشاورزی نیز کارگرانی هستند که در امور مربوط به ساختمان، صنایع روستایی، حمل و نقل و فروش فعالیتهای مرتبط با آب و برق، استخراج معادن و خدمات مالی و ملکی به کار اشتغال دارند.

آمارهای موجود هیچ اطلاعی از توزیع تفصیلی و کمی این کارگران بر اساس مشاغل اشاره شده بدست نمی‌دهد اما بر اساس اطلاعات کیفی موجود می‌توان گفت که به استثنای کارگران مشاغل نوین کشاورزی (رانندگان تراکتور، موتورچی‌ها و...) و باغبانی که مشاغلی عمدتاً با دوام و نسبتاً ثابت دارند، بقیه انواع کارگری‌های کشاورزی عمدتاً مشاغلی بی‌دوام، فصلی و مقطعی هستند که با توجه به نوع کشت یا نوع عملیات به دوره‌هایی محدود از سال مربوط می‌شوند.

۵- ماهیگیران خرده‌پا: بخش عمده‌ای از صیادان کشور در نقاط روستایی که به صورت آبادی‌های کوچک و بزرگ بر کرانه دریا بنا شده‌اند زندگی می‌کنند. این آبادی‌های ساحلی در نوار ساحلی ۹۰۰ کیلومتری دریای خزر (از آستارا تا خلیج حسینقلی در بندرترکمن) و نوار ساحلی ۱۸۰۰ کیلومتری سواحل جنوبی کشور پراکنده‌اند. در ساحل دریای خزر بر طبق اطلاعات گردآوری شده از طریق کمیته‌های امور صیادان (تعاونی‌های صیادی) جمعاً ۶ هزار صیاد آزاد و حدود ۲۵۰۰ نفر صیاد، طرف قرار داد شیلات فعالیت دارند که در مجموع به دلیل وجود فرصت‌های اشتغال متعدد و چند پیشه بودن، این صیادان جزو گروه‌های درآمدی متوسط به شمار می‌آیند. اما در سواحل جنوب کشور وضع کاملاً متفاوت است. فقر و محرومیت عمومی استانهای ساحل جنوب کشور، محدودیت فرصت‌های اشتغال در این نواحی و محدودیت فعالیتهای کشاورزی موجب شده است که تعداد قابل توجهی از جمعیت بومی فقیر ساکن در آبادی‌های ساحلی جنوب کشور از طریق صید ماهی با روش‌های و وسایل ابتدائی روزگار بگذرانند. بخش عمده این صیادان مرکب از مردان مسنی هستند که به دلیل سختی شرایط زندگی در سواحل جنوب غالباً دچار سوء تغذیه هستند و بسیار شکسته‌تر از سن واقعی خود جلوه می‌کنند. بر طبق برآورد سال ۱۳۸۰، جمعاً ۴۱۵۸۸ نفر عضو تعاونی صیادان بوده‌اند که نیمی از این را می‌توان در ردیف صیادان آسیب‌پذیر محسوب نمود. این تعداد مشتمل‌اند بر صیادان که دارای قایق‌های چوبی موتوری و قایق‌های پاروئی استفاده می‌کنند و نیز افرادی که فاقد وسیله نقلیه دریائی هستند. بر اساس سرشماری صیادان فاقد شناور و صیادان قایق‌های پاروئی جمعاً ۱۵۵۰۰ نفر را تشکیل می‌دهند که دارای درجه آسیب‌پذیری از سایر اقشارند. (همان منبع، ص ۶۸ و نیز سالنامه آماری (۱۳۸۱).

بر اساس نتایج بدست آمده از همین پژوهش، مجموع خانوارهای روستایی و عشایری کشور ۴۲۶۳۴۳ خانوار گزارش شده است که از این تعداد، نزدیک به ۱۸/۵ درصد از فقر مزمن رنج برده و یا در وضعیت آسیب‌پذیری شدید قرار دارند. نگراره زیر توزیع خانوارهای روستایی و عشایری دچار وضعیت فقر مزمن و آسیب‌پذیری شدید را در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۰ نشان می‌دهد:

نکاره ۷. توزیع خانوارهای روستایی و عشایری دچار آسیب‌پذیری شدید

درصد	تعداد خانوارها	اقتشار آسیب‌پذیر
۳۱/۸	۲۵۱۸۷۷	خانوارهای تحت سرپرستی بیکاران
۲۹/۸	۲۳۵۹۰۵	خانوارهای تحت سرپرستی زنان
۰/۸۶	۲۸۸۲	خانوارهای تحت سرپرستی چوپانان سنتی
۲۵/۶	۲۸۲۴۲۹	خانوارهای تحت سرپرستی کارگران غیردائم روستایی
۲/۰	۱۵۵۰۰	خانوارهای تحت سرپرستی صیادان خرده‌پا
۱۰۰/۰۰	۷۸۸۵۹۳	جمع

منبع: فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ص ۷.

منابع و مأخذ فصل هشتم

- ۱- بابوکانی، حسینعلی‌علی‌اکبری، ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی فقر در مناطق روستایی پادنا، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- پقه، نورمحمد، تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در روستاهای بخش کلاله، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- زاهدی‌مازندانی، محمدجواد و ابراهیم زاهدی‌عبقری، روستاییان فقیر و آسیب‌پذیر (خطوط اساسی برای شناسائی قشرهای آسیب‌پذیر روستایی)، در فصلنامه علمی، پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهارم تابستان ۱۳۷۵.
- ۴- سالنامه آماری کشور سال، ۱۳۷۵ و سال ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.
- ۵- کمیته امداد امام خمینی، گزارش آماری سال ۱۳۷۹، اداره کل آمار و خدمات، ماشین مهر ماه، ۱۳۸۰.

**فصل نهم :
ابعاد فرهنگی
جامعه روستایی**

فصل نهم: ابعاد فرهنگی جامعه روستایی

۱- تعاریف

از فرهنگ تعاریف بسیار زیادی شده است که برخی تعداد این تعاریف را به سیصد تعریف بالغ می‌دانند ولی ساده‌ترین تعریفی را که می‌توان در مورد آن ارائه داد این است که بگوئیم فرهنگ در واقع میراث اجتماعی است و به‌همین دلیل این میراث تنها مربوط به انسان است. زیرا حیوانات نه ابزار می‌سازند، نه قدرت یادگیری فراوان دارند و نه می‌توانند آموخته‌های خود را به نسل بعدی منتقل کنند و در نتیجه از میراث اجتماعی یا فرهنگ محرومند. میراث حیوانی میراثی بدنی است در حالیکه میراث انسانی میراثی اجتماعی است. میراث بدنی یعنی غریزه میراثی ثابت است در حالیکه میراث اجتماعی دائماً در حال دگرگونی است. بنابراین فرهنگ را می‌توان به عنوان وجه‌تمایز زندگی انسان و حیوان تلقی نمود و همان‌طور که گفته شد، رفتار حیوانات کم و بیش ثابت و غریزی است مثلاً خروس‌ها از آغاز تا کنون به نحو یکسانی با هم می‌جنگند ولی در شیوه‌های جنگی انسان‌ها در طی زمان دگرگونی‌های زیادی ایجاد شده است، این شیوه‌ها نه عمومیت دارند و نه یکسانند. به‌همین قیاس شیوه غذا خوردن حیوانات ثابت است اما شیوه غذا خوردن انسان‌ها ضمن آنکه ثابت نیست، یکسان هم نیست زیرا انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های مختلف غذا می‌خورند. ضمن آنکه این شیوه‌ها هم در طول زمان تغییر می‌کنند.

در حقیقت فرهنگ دربرگیرنده تمام چیزهائی است که ما از دیگران می‌آموزیم و تقریباً همه اعمال انسان مستقیم یا غیرمستقیم از فرهنگ ناشی می‌شود. مثلاً غذا خوردن نیازی غریزی یا بدنی است و برای زنده ماندن باید تغذیه نمود ولی اینکه چه باید خورد، چگونه باید خورد؟ چه وقت باید خورد؟ به فرهنگ مربوط می‌شود. محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها، و قواعد و هنجارهای نیز که مثلاً مربوط به خوردن یا پرهیز از خوردن است نیز بخشی از ویژگی‌های اقوام و جوامع مختلف را تشکیل می‌دهند. در جوامع اسلامی مردم از خوردن پاره‌ای از غذاها پرهیز می‌کنند مانند گوشت خوک و خرچنگ پرهیز می‌کنند در حالیکه مثلاً در آمریکا نه تنها گوشت و خرچنگ عادی است بلکه جزو بهترین غذاهای آن‌ها به شمار می‌روند (ادیبی، ص ۱۱۴). اینگونه چگونه باید غذا خورد و تشریفات خوردن بر چه سیاقی باید باشد، نیز اموری فرهنگی تلقی می‌شوند. در جائی سفره روی زمین پهن می‌شود و در جامعه‌ای دیگر مردم روی میز غذا می‌خورند و در

جای دیگر با قاشق و چنگال یا با چوبهای دراز و نازک و به همین قیاس تشریفات غذا خوردن، دفعات و ساعت‌های معین در شبانه روز همه و همه به دلیل وجود فرهنگ‌های مختلف، در جوامع گوناگون متفاوتند.

بنابراین با توجه به مطالب بالا می‌توان اهم ویژگی‌های فرهنگ را بقرار زیر جمع‌بندی کرد:

۱- فرهنگ بین افراد مشترک است. یعنی در همه جوامع انسانی کوچک یا بزرگ، ساده یا پیچیده، این میراث مشترک و عمومی دیده می‌شود در حالیکه در هر جامعه افراد شیوه خاصی را به‌منظور ارضاء نیازهای خود به‌کار می‌برند. مثلاً تمام گروه‌های انسانی برای بدست آوردن مایحتاج زندگی به ساختن ابزار و ادوات و تهیه غذا و لباس و مسکن می‌پردازند و یا برای حفظ و بقای جامعه خود قوانین و مقررات و ضمانت‌های اجرائی دارند و هیچ جامعه‌ای را سراغ نداریم که با هرج و مرج دوام یافته باشد و یا اینکه همه جوامع انسانی برای بیان آرزوها، غم‌ها و شادمانی‌ها و اندیشه‌های خود دارای ادبیات، قصه، آواز، نقاشی، موسیقی و انواعی از هنرها هستند و نیز تمام جوامع انسانی دارای اعتقادات و باورهائی هستند ولی هر یک از آنها دارای مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود می‌باشند. به‌همین دلیل مردم‌شناسان عقیده دارند فرهنگ در حالیکه عام است ولی در عین حال هر جامعه نیز دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد (روح‌الامینی، ۱۳۵۷، ص ۲۱).

۲- فرهنگ آموختنی است. انسان از بدو تولد ویژگی‌های فرهنگی جامعه خود را ابتدا از طریق خانواده و سپس توسط گروه‌های همبازی، خویشان، همسایگان، مردم کوچه و بازار، دبستان، دبیرستان، روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، کتاب و... فرا می‌گیرد. کودک از طریق همین منابع است که می‌آموزد چه چیزی خوب است، چه چیزی بد است، چه حلال است و چه حرام است و...

۳- فرهنگ مجموعه راه‌های زندگی است و نه مجموعه‌ای سطحی از رسوم و عادات. فرهنگ هر جامعه معین می‌کند که افراد آن چگونه رفتار کنند، چگونه احساس کنند و چگونه خود را با دنیای پیرامون تطبیق دهند و به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که فرهنگ، بیش‌تر وسیله سازش مناسب‌تر با محیط است.

۴- فرهنگ از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌گردد و هر فرهنگ بر فرهنگ قبل از خود بنا می‌گردد. مثلاً هر اختراع، پایه‌اش بر اختراعات پیشین است و به‌همین دلیل فرهنگ حالت ایستا ندارد بلکه متحرک و پویا است (ادیبی، ۱۳۵۳، ص ۱۲۳).

۵- فرهنگ به دو نوع تقسیم می‌شود مادی و معنوی:

فرهنگ مادی شامل ابزارها و اشیائی است که به دست اعضاء پیشین جامعه ساخته شده و برای اعضای حاضر به ارث مانده‌اند و به‌عبارت دیگر مجموع دستاوردهای مادی یک قوم را فرهنگ مادی آن قوم گویند.

فرهنگ معنوی شامل مجموع آداب و رسوم و معتقدات و علوم و هنرهای است که عمدتاً به‌وسیله زبان و خط فرا گرفته می‌شوند (اگبرن، ص ۱۰۰). فرهنگ غیرمادی یا معنوی در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و بنابراین از دست دادن آن یا ضعیف شدن آن قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند در صورتیکه فرهنگ مادی را می‌توان با وام گرفتن از فرهنگهای دیگر توسعه داد و غنی ساخت.

فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری

همنوائی و سازگاری با هنجارها و موازین اخلاقی جامعه دو جنبه دارد که یکی سطحی، صوری و ظاهری است و دیگری پیچیده و درونی است. اولی را جامعه‌پذیری و دومی را فرهنگ‌پذیری گویند.

جامعه‌پذیری جریانی است که طی آن فرد با هنجارهای جامعه آشنا می‌شود و آن‌ها را می‌آموزد و به مرحله اجرا درمی‌آورد تا بتواند متناسب با هنجارهای جامعه‌ای که در آن به‌سر می‌برد زندگی کند. مثلاً افرادی که یک جامعه جدید وارد می‌شوند به‌منظور سازگاری با آن جامعه، به‌صورت ظاهری یا صوری هم که شده هنجارهای آن جامعه را می‌پذیرند.

اما فرهنگ‌پذیری جریانی است که طی آن فرد تمام زمینه‌های فرهنگی را می‌شناسد و به‌طور ژرف و عمیق می‌پذیرد و خود را با آن سازگار می‌کند. فرهنگ‌پذیری یا فرهنگی شدن خود به دو شکل انجام می‌پذیرد، یکسویه و دو سویه:

فرهنگ‌پذیری یکسویه جریانی است که از جانب جامعه بسمت کودک صورت می‌پذیرد. کودکی که متولد می‌شود فاقد فرهنگ است اما او در دل جامعه و فرهنگ زاده می‌شود وقتی به دنیا می‌آید فرهنگ با تمام عناصر خود از قبیل ارزش‌ها، هنجارها،

آرمان‌ها، آداب و سنن و... او را دربرگرفته‌اند. کودک به تدریج عناصر فرهنگی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌آموزد و از آنجا که خود چیزی ندارد تا به جامعه دهد، این نوع فرهنگ‌پذیری را یکسویه می‌نامند. کودک در برابر پذیرش هنجارها و ارزش‌های جدید منفعل است یعنی آنکه همان‌طور که گفتیم جریان ارزش‌ها تنها از جانب جامعه به سوی کودک است و او مقاومتی در برابر پدیده‌های فرهنگی از خود بروز نمی‌دهد و نمی‌تواند بر جامعه اثر متقابل داشته باشد.

فرهنگی شدن طفل از طریق خانواده به دو طریق صورت می‌گیرد: ناآگاهانه و آگاهانه. انتقال ناآگاهانه هنجارها به طفل از طریق سرمشق قرار دادن و اقتباس رفتار و کردار و گفتار والدین صورت می‌گیرد و بدین ترتیب بدون آنکه والدین خود متوجه باشند، کودک به تدریج به الگوهای رفتاری و کرداری آشنائی می‌یابد.

از طرف دیگر انتقال هنجارها به کودک به‌طور آگاهانه بدین صورت است که والدین با آموزش مستقیم و امر و نهی و تشویق و یا ممانعت، وی را عمدتاً با هنجارها و موازین زندگی آشنا می‌سازند و به گونه‌ای که خود ترجیح می‌دهند و با توجه به برداشتی که از هنجارهای اجتماعی دارند، سعی می‌کنند او را اجتماعی و فرهنگی بار آورند.

فرهنگ‌پذیری دو سویه جریانی است که طی آن غالباً دو فرهنگ متفاوت با ویژگی‌های مختلف در مقابل هم قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال در وضعیتی که افراد یک جامعه به جامعه دیگری وارد می‌شوند، فرهنگ جامعه میزبان به‌سادگی نمی‌تواند در افراد جامعه میهمان نفوذ نماید و او را تحت سلطه خود درآورد و در این حالت جریان کند و پیچیده‌ای شکل می‌گیرد که عناصر فرهنگ میزبان در مقابل فرهنگ میهمان قرار می‌گیرند. غالباً در روستاهای مهاجرپذیر پدیده برخورد و تقابل عناصر دو پاره فرهنگ یا خرده‌فرهنگ را می‌توان مشاهده نمود.

خرده‌فرهنگ یا پاره‌فرهنگ

گروه‌های اجتماعی از قبیل طایفه، تیره، عشیره، قبیله، ایل و گروه‌های مکانی و محلی مانند مردم یک ناحیه یا ده، گروه‌های شغلی، خویشاوندی، اقلیت‌های مذهبی و قشرهای مختلف اجتماعی یک جامعه، هر کدام فرهنگ ویژه‌ای دارند که به آن‌ها پاره‌فرهنگ یا خرده‌فرهنگ گویند. گویش‌های محلی، شیوه خاص همسرگزینی، چگونگی پرداخت

شیربهاء آداب و رسوم غذا خوردن، لباس پوشیدن، شرکت در جشن‌ها یا سوگواریها، نمونه‌هایی از خرده‌فرهنگ به شمار می‌روند. در اجتماعات عشیره‌ای و روستایی، به‌ویژه آنهایی که به‌صورت گروه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای جدا از هم ولی در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند، تنوع و گونه‌گونی خرده‌فرهنگ‌ها در پاره‌ای موارد سبب ایجاد روابط رقابتی و خصمانه میان آن‌ها می‌گردد و گاه به نزاع می‌انجامد. در برخی از آبادیها به علت وجود طایفه‌های متعدد، ازدواج‌ها جنبه درون‌گروهی دارد و به درون گروه‌های طایفه‌ای محدود می‌گردد. مثلاً در روستای «سهل‌آباد»، دهکده‌ای از قوچان که از دو گروه طایفه‌ای کردها و بربرها تشکیل می‌شود، میزان شیربهاء متفاوت است و هر طایفه رسم خاصی دارد.

گروه‌های طایفه‌ای که از نقاط مختلف به یک آبادی مهاجرت می‌کنند و در آنجا هر یک در نقاطی جدا از هم مستقر می‌شوند، هر چند به تدریج و با گذشت زمان تحت‌تأثیر فرهنگ عمومی ده قرار می‌گیرند، ولی در عین حال هر یک دارای یک خرده‌فرهنگ یا فرهنگ طایفه‌ای ویژه‌ای هستند. مطالعه انجام شده در دهکده فردیس ورامین نمونه‌ای از تفاوت خرده‌فرهنگ‌ها را در ارتباط با کاربرد اصطلاح «باجناق» که بمعنای شوهرهای دو خواهر است، نشان می‌دهد. در این جامعه، طایفه سبزواری‌ها اصطلاح «هم‌زلف» و طایفه خالد آبادی‌ها، اصطلاح «هم‌پاچه» و طایفه فارسی‌ها، اصطلاح «هم‌ریش» را به‌کار می‌برند. این طوایف همگی از سرزمین‌های مختلف به این ده مهاجرت کرده‌اند و گو اینکه افراد این طوایف همگی با معنای کلمه «باجناق» آشنا هستند ولی در عین حال هر کدام اصطلاح ویژه طایفه خود را به‌کار می‌برند. پاره‌فرهنگ‌ها در گذشته از قدرت بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه تفاوتها و ویژگی‌های فرهنگی هر طایفه یا قوم اهمیت خاصی داشته‌اند اما به تناسب گسترش وسایل ارتباط‌جمعی به‌ویژه فراگیر شدن رادیو و تلویزیون از اهمیت و قدرت آن‌ها کاسته شده است.

عناصر خرده‌فرهنگی دهقانی:

کارشناسان مسائل توسعه روستایی اعتقاد دارند که آگاهی از خصوصیات فرهنگی روستاییان به‌منظور ایجاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. به‌همین دلیل اگر برنامه‌های توسعه بر اساس شناخت ارزش‌ها و انگیزه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های دهقانان استوار نباشد، دچار شکست خواهد شد. یکی از

محققین ویژگی‌های زیر را به‌عنوان عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی در مورد روستاییان ذکر نموده است:

- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی
- فقدان نوآوری
- پائین بودن سطح آرزوها و تمایلات
- عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی
- کم‌اهمیت دادن به عامل زمان
- خانواده‌گرایی
- وابستگی به قدرت دولت
- محلی‌گرایی
- فقدان همدلی

این محقق در توضیح ویژگی‌های زیر می‌نویسد: «جوامع دهقانی با خصوصیات نظیر عدم اعتماد فی‌مابین، بدگمانی و حيله و تزوير در روابط شخصی مشخص می‌شوند. دهقانان عقیده محدودیت خوبی یا خیر را باور دارند و معتقدند که نفع یک فرد در ضرر دیگری است. به مأموران دولتی بدگمانند و سعی می‌کنند از مقررات دولتی باز زنند. هدف‌های آنان تابعی از هدف‌های خانوادگی است و به‌طور کلی فاقد انگیزه پیشرفت هستند و نظر نامساعدی نسبت به هر گونه تغییر در زندگی خود دارند، از تمایلات و آرزوهای محدودی برخوردارند و نسبت به دنیا دید وسیعی ندارند، فاقد تحرک جغرافیائی و بسیار محلی‌گرا هستند».

در ارتباط با ویژگی‌های فوق که به جوامع روستایی نسبت داده شده است باید گفت که نمی‌توان آن‌ها را به همه جوامع روستایی تعمیم داد. در مورد ایران مطالعات نشان داده‌اند که در مناطق مختلف بعضی از گروه‌های دهقانی نسبت به سایر گروه‌ها دیرتر نوآوری را می‌پذیرند. مثلاً عدم موفقیت سیاست‌های توسعه روستایی در ایران (به‌ویژه در ارتباط با شرکت‌های زراعی)، به دلیل ویژگی‌ها و موانع فرهنگی جامعه روستایی نبود، بلکه در حقیقت دو دلیل عمده را می‌توان در این مورد ذکر نمود که یکی انتقال اجباری مالکیت خصوصی زمین از دهقانان به شرکت بود و دیگری بازده ناچیز شرکت‌های سهامی زراعی و عدم توانائی آنان در افزایش درآمد زراعی دهقانان.

مالکیت زمین برای کشاورزان نه فقط از نقطه نظر تأمین درآمد، امنیت و استقلال حائز اهمیت است بلکه به لحاظ اعتبار و پایگاه اجتماعی نیز مالک زمین بودن در جامعه روستایی، ارزش والائی محسوب می‌گردد. بنابراین در شرایطی که شرکت سهامی زراعی اختیار کار کردن بر روی زمینهای شخصی را از دست دهقانان خارج نمود، روستاییان عضو شرکت‌های سهامی زراعی نیز پایگاه اجتماعی خود را که قبلاً به دلیل دارا بودن زمین در بین روستاییان دهات مجاور داشتند، از دست دادند. به عنوان مثال بر اساس مطالعه‌ای که در ارتباط با شرکت سهامی در گزین همدان و گرمسار انجام گرفته است، درصد بالائی از دهقانان (بین ۷۷ تا ۸۰ درصد) عقیده داشتند که مالکیت زمین سبب کسب احترام در جامعه می‌شود و دهقانان در موارد متعددی اظهار داشته‌اند که از رفتن به دهات مجاور فقط بخاطر آنکه زمین خود را از دست داده‌اند خجالت می‌کشند و علاوه بر این منابع اعتباری غیررسمی نیز از دادن وام به دهقانان به دلیل واگذاری اراضی‌شان به شرکت خودداری کرده‌اند. نتایج حاصل از این مطالعات همچنین نشان می‌دهد که برخی از دهقانان هنگام بازدید از زمین سابق خود دچار افسردگی شده و احساس کرده‌اند که چیزی را از دست داده‌اند. در شرکت سهامی زراعی شمس‌آباد دهقانان ناراحتی خودشان را از بابت از دست دادن زمین با بیان این ضرب‌المثل که می‌گوید «دست شکسته کار می‌کند ولی دل شکسته کار نمی‌کند» اظهار می‌نمودند.

مثالهای فوق و بسیاری شواهد دیگر حاکی از پذیرش شیوه‌های جدید باغداری و دامداری توسط کشاورزان بوده است، در حالیکه عضویت در شرکت را به دلایلی که قبلاً بیان شد، علاقمند نبودند. به عبارت دیگر عدم‌پذیرش شرکت توسط دهقانان، پاسخ عقلانی نسبت به آشفته‌گیهای اقتصادی و اجتماعی بود که شرکت سهامی برایشان ایجاد کرده بود و در حقیقت موفقیت در توسعه کشاورزی در ایران در صورتی که امکانات لازم برای دهقانان فراهم شود، بخوبی امکان‌پذیر است (ازکیا، ۱۳۶۴، با بهره‌گیری از صص ۵۶ الی ۸۲).

دگرگونی‌های فرهنگی در جامعه روستایی

پذیرش تغییرات و نوآوری‌های فرهنگی در جامعه روستایی، تا حد زیادی با انگیزه‌ها، گرایش‌ها، خواست‌ها، آرزوها و بالاخره آگاهی اجتماعی و وسعت جهان‌بینی روستاییان ارتباط دارد. در زمینه تغییرات مربوط به خرده‌فرهنگ جامعه دهقانی در ایران بررسیهای

وسیعی صورت نگرفته است اما بر اساس شواهد و قرائن و مشاهدات عینی می‌توان باختصار به ذکر نکات زیر اکتفا نمود:

۱- گر چه در سال‌های نخستین انقلاب ارزش‌های معنوی به سرعت در جامعه روستایی سیر صعودی را پیمود و قدرت یافت، اما به دلیل مشکلات اقتصادی و استمرار وضعیت تورّم رکودی در کشور، بیم آن می‌رود که ارزش‌های فردگرایانه و سودجویانه به تدریج صورت غالب بخود گرفته و این روند ادامه یابد. برخی مطالعات پراکنده چنین وضعیتی را تأیید می‌کنند.

۲- سطح نیازهای روستاییان با توجه به ارتباط روزافزون آن‌ها با شهر و گسترش وسایل ارتباط جمعی بشکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و به همین دلیل روند مصرف‌گرایی و هزینه زندگی نیز به تناسب نیازهایشان در حال افزایش است. این تحول شاهدهی است بر دگرگونی تدریجی خرده‌فرهنگ مبتنی بر اقتصاد معیشتی به سوی پاره فرهنگ جدید روستا - شهری این پاره فرهنگ را علاوه در مناطق روستایی در حاشیه شهرهای بزرگ به ویژه تهران نیز مشاهده می‌کنیم.

۳- رسوخ فرهنگ شهرگرایی در روستاها: آشنائی روستاییان با فرهنگ شهری، از طریق وسایل ارتباط جمعی، مسافرت به شهرها و اشتغال در مشاغل غیرتخصصی، انتقال فرهنگ شهری را به روستاها سرعت بخشیده است. در حقیقت روستاییان نیز همانند سایر ابناء بشر، آرزوی زندگی بهتر و آسایش بیش‌تر را دارند و تجلی این خواسته را در زندگی شهری و ظواهر پر زرق و برق آن می‌جویند. روستاییان می‌خواهند هم‌تراز شهرها باشند و به ویژه نسل جوان روستایی نهایت کوشش را در این زمینه می‌نمایند. آن‌ها که تجربه تلخ ارباب و رعیتی را هنوز از یاد نبرده و از آن رنج می‌برند، نیاز به اعتماد بنفس دارند و منزلت اجتماعی را در شهرها جستجو می‌کنند. بازتاب این خواسته‌های اجتماعی یا مهاجرت به شهرهاست و یا آوردن امکانات شهری به روستاهاست.

۴- علیرغم تئوری‌هایی که بر این باورند که دهقانان غالباً فاقد انگیزه پیشرفت می‌باشند و نظر نامساعدی نسبت به هر گونه تغییر در زندگی خود دارند، شواهد موجود و برخی پژوهش‌های پراکنده نشان می‌دهند که در بسیاری موارد وجهه نظر یا دید آنان نسبت به دهه‌های گذشته دگرگون شده است. این دگرگونی‌ها را می‌توان با مثال‌های زیر بیان نمود:

الف - دگرگونی در نگرش روستاییان نسبت به مشاغل آتی فرزندان خود به‌ویژه فرزندان پسر. شواهد نشان می‌دهد که تمایل روستاییان نسبت به دهه‌های پیشین دگرگون شده است به‌صورتیکه خواستار ارتقاء شغلی برای فرزندان خود می‌باشند و این ارتقاء غالباً در مشاغل پردرآمدتر و با اعتبار بیشتر جستجو می‌کنند (پزشکی، مدیریت، تخصص‌های فنی و...).

ب - گرایش شدید به ادامه تحصیل فرزندان خود اعم از پسر و دختر: در غالب موارد محققان روستایی شاهد تقاضاهای مصرانه روستاییان در مورد دایر شدن دبیرستان و مدرسه راهنمایی دخترانه در روستاهای محل سکونت خود و یا روستاهای پرجمعیت‌تر مجاور بوده‌اند. چنین درخواست‌هایی در دهه ۱۳۴۰ و یا در سال‌های ۱۳۵۰ هیچگاه ابراز نگردیده است. ناگفته نماند که کوشش مسئولین ذیربط در برآوردن چنین تقاضاهایی می‌تواند بنوبه خود منشاء موجد دو تحول عمده گردد:

- با ادامه تحصیلات دختران روستایی در مقطع راهنمایی و متوسطه سن ازدواج افزایش یافته و به‌طور طبیعی از میزان باروری و ولادت که موجد رشد بالای جمعیت فعلی است می‌کاهد و این خود یکی از طبیعی‌ترین و مطمئن‌ترین راه کاهش جمعیت محسوب می‌گردد.

- جامعه ملی و بالاخص جامعه روستایی به‌صورت گسترده‌ای از استعدادهای نهفته و بالقوه موجود در روستاها بهره خواهد گرفت و نیاز مبرم جامعه به تخصص‌های مختلف به‌ویژه در جامعه روستایی برآورد خواهد شد. در حال حاضر امکانات آموزشی دختران در مناطق روستایی درحد بسیار ناچیزی است و بهیچ‌وجه جوابگوی نیازهای این مناطق نیست.

۵- دگرگونی در عادات و الگوهای مصرفی: در چند دهه اخیر بخصوص در دو دهه گذشته الگوی مصرف روستایی به‌تدریج جای خود را به الگوی مصرف شهری داده و موجب افزایش مصارف جامعه روستایی گردیده که ذکر آمار و ارقام آن در این مختصر نمی‌گنجد. تغییر الگوی مصرف که همراه با واردات مواد غذایی از شهر به روستا بوده است یکی از نتایج عمده مهاجرت محسوب می‌گردد. از طرف دیگر گسترش وسایل ارتباطی و وسایل ارتباط‌جمعی نیز عامل مؤثری در گسترش مصرف‌گرایی و نفوذ جامعه شهری در جامعه روستایی است. در مجموع می‌توان عوامل زیر را به‌عنوان عوامل تغییر در الگوی مصرف خانوارهای روستاییان در دو دهه اخیر تلقی نمود:

الف - رونق نسبی درآمد از کشاورزی و مشاغل جنبی

ب - گسترش پدیده خوش‌نشینی در روستاها

پ - بسط ارتباطات و رسانه‌های جمعی و گروهی

ت - بسط سواد و آگاهی‌های اجتماعی

۶- افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی: پس از انقلاب، به دلیل مشارکت مردم در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و استفاده فزاینده از رادیو، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی و اخیراً بهره‌گیری از سایت‌های اینترنتی، آگاهی سیاسی جامعه روستایی افزایش یافته و بحث در محافل روستایی درباره امور جاری کشور و تحولات سیاسی بالا گرفته است.

۷- افزایش سطح انتظارات روستاییان از دولت: ورود جهادگردان به روستا و فعالیت‌های آنان در زمینه عمران روستایی (ایجاد راه‌های روستایی، برق، لوله‌کشی آب، احداث حمام و...) و از جانب دیگر ارائه کمک‌های رفاهی و بهداشتی به محرومان روستا از طریق مجتمع‌های بهزیستی و بنیادهای خیریه نظیر کمیته امداد و... موجب گردید که به تدریج انتظارات روستاییان از دولت بیشتر و بیشتر شود و امروز با توجه به نیاز روستاها به بازسازی و نوسازی، آموزش روستاییان به منظور مشارکت در امر خودیاری در زمینه عمران و آبادی به آسانی میسر نیست زیرا پیوسته چشم امید آنان به دولت و سازمان‌هایی است که از بیرون بیاری آن‌ها بشتابند. در این زمینه لازم است کار فرهنگی وسیع و عمیقی صورت گیرد.

۸- محافظه‌کاری‌های سنتی در روستاییان کاهش یافته و در مقابل روحیه نوآوری و خطرجویی در میان کشاورزان افزایش یافته است و به همین دلیل کشاورزان با کشت برنامه‌ریزی شده و تجاری و نیز با محاسبات اقتصادی تدریجاً آشنا شده و در نتیجه آهسته آهسته الگوی سنتی کشت در حال دگرگون شدن است.

منابع و مأخذ فصل نهم

- ۱- ادیبی، حسین، زمینه انسان‌شناسی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۳.
- ۲- آریان‌پور، امیرحسین، زمینه جامعه‌شناسی، مؤسسه انتشاراتی فرانمکین، تهران، ۱۳۴۲.
- ۳- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴.
- ۴- روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، تهران، ۱۳۶۸.
- ۵- روح‌الامینی، محمود، گرد شهر با چراغ در مبانی انسان‌شناسی، انتشارات کتاب زمان، ۱۳۵۷، تهران.
- ۶- نکوهی، ناصر، از فرهنگ تا توسعه، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۹.
- ۷- محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی عمومی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۳.
- ۸- محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی انتشارات پژوهش یار، تهران، ۱۳۶۳.
- ۹- نیک‌خلق، علی‌اکبر، جامعه‌شناسی روستایی انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۰- نیک‌گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات رایزن، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۱- وثوقی، منصور و دیگران، بررسی بازتاب اقتصادی - اجتماعی عملیات اجرائی طرح‌های بهسازی در ۱۷ روستای استان همدان، وزارت جهاد سازندگی معاونت عمران تیرماه، ۱۳۶۸.

واژه‌نامه

۷۴	نقش اجتماعی	۱۲	مطالعات میدانی
۷۴	پایگاه اجتماعی	۱۲	مطالعات اسنادی
۱۰۰	فرایند اجتماعی	۱۳	پرسش‌نامه
۱۰۱	مانندگردی	۲۰	مشاهده
۱۰۱	فرایندهای گسسته	۲۲	فیش موضوعی
۱۰۲	اجتماع	۲۴	مونوگرافی
۱۰۲	جامعه	۲۷	ساختار اجتماعی
۱۰۲	روابط نخستین	۳۳	ساختار جمعیتی
۱۰۳	شبکه خویشاوندی	۳۴	جمعیت شهرنشین
۱۰۸	خودیاری	۳۴	جمعیت روستا نشین
۱۰۹	بنه یا صحرا	۳۵	حرکات جمعیت
۱۰۹	واره	۳۵	ولادت
۱۱۵	نظارت اجتماعی	۳۶	ازدواج
۱۲۹	فرهنگ	۳۷	حرکات مکانی جمعیت
۱۳۱	فرهنگ‌پذیری	۴۲	مهاجرت انفجاری
۱۳۱	جامعه‌پذیری	۴۵	تراکم نسبی
۱۳۳	خرده‌فرهنگ	۴۵	تراکم زیستی
۱۰۱	کنش‌های متقابل اجتماعی	۴۷	خانواده گسترده
		۴۷	خانواده هسته‌ای
		۴۸	خانواده هسته‌ای با اضافات
		۴۹	ازدواج درون‌گروهی
		۵۰	دایره همسرگزینی
		۶۴	مورفولوژی روستایی